

در یک نامه سرگشاده

۳۵۰ خبرنگار و روزنامه‌نگار

خواهان رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود شدند

روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و سالهاست که تلاش می‌کنند حرفه آنان از طرف وزارت کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی به عنوان شغل پر خطر روانی - جسمانی به رسمیت شناخته شود. مسئولان جمهوری اسلامی اگرچه تاکنون علناً با این خواست صنفی روزنامه‌نگاران مخالفتی نکرده‌اند، اما در عمل به اشکال مختلف، وزارت کار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تامین بیمه‌های اجتماعی مانع رسیدگی به این خواسته‌ها شده‌اند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران می‌خواهند با به رسمیت شناخته شدن حرفه آنان به عنوان «کار سخت و زیان‌آور»، به آنان اجازه داده شود، پس از ۲۰ سال اشتغال، بازنشسته شوند.

خبرنگاران و روزنامه‌نگاران به منظور شکستن ترسند سکوت مسئولان و رسیدن به خواست صنفی خود، طوماری با امضای بیش از ۳۵۰ خبرنگار و روزنامه‌نگار تهیه کردند و به صورت نامه سرگشاده به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فرستادند و خواستار به رسمیت شناختن حرفه آنان به عنوان «شغل سخت و زیان‌آور» شدند. متن این نامه شنبه گذشته در برخی از مطبوعات کشور چاپ شد. قسمتی از این نامه سرگشاده آمده است: مطالبات اجتماعی نشان می‌دهد فشارهای روحی که خبرنگاران و روزنامه‌نگاران با آن روبرو هستند باعث پیری زودرس شده و حد متوسط

عمر آنان را ۱۰ سال کاهش می‌دهد. در ارتباط با این نامه، محمد حیدری سردبیر مجله گزارش چاپ تهران در گفتگو با بخش فارسی رادیو بی.بی.سی گفت: «این حرکت خودجوش از طرف عده‌ای از روزنامه‌نگاران بوده، به این صورت که نامه‌ای را تهیه می‌کنند و می‌برند به واحدهای مطبوعاتی مختلف: همشهری، روزنامه ایران و غیره. و عده‌ای نامه را امضا می‌کنند این البته موضوع تازه‌ای نیست. سه چهار سال است این بحث در محافل مطبوعاتی مطرح است که سن بازنشستگی در ایران برای کارکنان مطبوعات، خصوصاً خبرنگاران و روزنامه‌نگاران پایین بیاید و جزو مشاغل سخت و زیان‌آور تلقی شود. سازمان تامین اجتماعی و مسئولین مربوطه وعده همکاری دادند ولی به فراموشی سپرده شد. یکی دو دفعه دیگر مطرح شد ولی باز هم فراموش شد. در واقع فکر می‌کنم این طومار و نامه‌ای که آقایان و همکارانمان خانم‌ها تهیه کرده‌اند، یادآور قولی است که به ایشان داده بودند. وی افزود: رئیس سازمان تامین اجتماعی در پاسخ به این که وعده شما چی شد، می‌گوید ما با این قضیه مخالف نیستیم ولی گیر ما در وزارت کار است. باید وزارت کار موافقت کند که ما این را اعلام کنیم. به گفته سردبیر مجله گزارش، پس از همین اظهارات بود که «طومار تهیه شد و در مطبوعات انتشار یافت.»

پس از ۹ ماه تعویق، سرانجام ارتش اسرائیل روز جمعه ۲۸ دی ماه، بخش‌هایی از شهر فلسطینی الخلیل (حبرون) را تخلیه کرد و اداره آن را به دولت فلسطین سپرد. الخلیل که پیش از ۱۳۰ هزار نفر جمعیت دارد، ۳۰ سال پیش در جریان جنگ ۶ روزه توسط اسرائیل اشغال شد. یک پنجم الخلیل از جمله مرکز شهر، بازار قدیمی و مسجد حضرت ابراهیم، همچنان در اشغال اسرائیل باقی خواهد ماند. در این منطقه ۳۰۰ نفر یهودی و ۲۰ هزار فلسطینی زندگی می‌کنند. بر اساس توافق نامه اسلو که در سال ۹۳ بین یاسر عرفات و اسحاق رابین نخست وزیر فقید اسرائیل امضا شد، قرار بود تا نیمه خرداد ماه سال گذشته همه سربازان اسرائیل از الخلیل خارج شوند، یهودیان ساکن آن به درون خاک اسرائیل انتقال یابند و اداره شهر به طور کامل به دولت فلسطین واگذار شود. پس از پیروزی نتان یاهو بر شیمون پرنز، به علت مخالفت شدید حزب لیکود با تخلیه مناطق اشغالی و سیاست «زمین در برابر صلح»، نتان یاهو مناسبات با فلسطین را به سمتی سوق داد که عرفات ناچار شد برای تحرک بخشیدن به فراگرد صلح، تجدید گفتگو در پاره مفاد قرارداد خروج سربازان اسرائیلی از الخلیل و روستاهای کرانه غربی رود اردن را بپذیرد. خواست نتان یاهو آن بود که متن توافق نامه تغییر یابد و تخلیه زمین‌های کرانه غربی دو سال به تعویق

قرار داد الخلیل: استخوان لای زخم

یاسر عرفات بعد از ۳۰ سال وارد شهر الخلیل شد

نتان یاهو: اورشلیم پایتخت جاودانی اسرائیل است

افتد. نمایندگان طرفین پس از ماه‌ها گفتگو، روی مفاد قرارداد به توافق رسیدند و متن توافق نامه نهایی الخلیل شامگاه سه شنبه ۲۵ دی ماه در شهر غزه با حضور یاسر عرفات، نتان یاهو، نماینده اتحادیه اروپا و فرستاده ویژه آمریکا امضا شد. برای اجرای

قرارداد باید پارلمان فلسطین، کابینه و پارلمان اسرائیل نیز آن را تصویب می‌کرد. روز چهارشنبه، قرارداد الخلیل در هیات دولت اسرائیل مورد بررسی قرار گرفت. از میان ۸ وزیر عضو هیات بقیه در صفحه ۲



بدنبال کنگره هشتم حزب دمکرات کردستان ایران و بروز اختلاف در صفوف این حزب بخشی از کادرها و اعضا آن، فعالیت خود را بنام «حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی» ادامه دادند. اخیراً این دو جریان در بیانیه مشترک اعلام داشتند که به پدیده وجود دو سازمان بنام حزب دمکرات کردستان ایران خاتمه داده و حزب وحدت صفوف خود را باز یافته است. جای خوشحالی است که مسئولین دو حزب دمکرات کردستان ایران طی دیدارهای ۱/۵ ساله موفق شدند گامی اساسی در جهت رفع اختلافات و مشکلات بردارند و مجدداً صفوف مبارزان حزب دمکرات را مستحکم سازند.

تردید نیست که این اقدام مسئولان مایه دلگرمی مردم دلاور کردستان خواهد شد.

امید آن است که این یکپارچگی امکان و شرایط مساعدی برای حزب دمکرات کردستان ایران جهت تحقق برنامه‌هایش فراهم سازد و در عین حال باب همکاری‌های هرچه گسترده‌تر با دیگر احزاب و سازمان‌های چپ و دمکرات کشور را بگشاید.

در ذیل بخشی از بیانیه‌ی مشترک کمیته مرکزی دو حزب دمکرات راکه به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۹ انتشار بیرونی یافته است درج می‌کنیم:

«هشت سال، وجود دو سازمان به نام حزب دمکرات کردستان ایران و مشکلاتی که به این علت پیش آمد،

بقیه در صفحه ۸

دفتر مرکزی مجاهدین خلق در بغداد هدف گلوله‌های توپ قرار گرفت

عباس دلنواز، مسئول یکی از تیم‌های مجاهدین در

گیلان غرب در درگیری با مامورین امنیتی کشته شد

مناطق غرب کشور انتشار دادند. براساس این گزارش‌ها، ۹ نفر از اعضای مجاهدین خلق در درگیری با پاسداران کشته و ۳ نفر دستگیر شدند. بقیه در صفحه ۲

در فاصله روزهای ۱۴ تا ۱۷ دی ماه، خبرگزاری‌ها به نقل از منابع جمهوری اسلامی گزارش‌هایی در باره درگیری نیروهای امنیتی و انتظامی با اعضای سازمان مجاهدین خلق در

تحصن ۵۵ روزه فعالین چپ در استکهلم

در اعتراض به سیاست‌های اختناق و ترور دامن‌گستر علیه دگراندیشان و بویژه اهل قلم توسط رژیم جمهوری اسلامی، گروهی از فعالین چپ (طرفدار سازمان‌های مختلف چپ و یا منفردین چپ) از تاریخ جمعه ۲۲ نوامبر اقدام به تحصن در دفتر حزب چپ سوئد در کمون ریسنکه‌بی سوئد نمودند.

خواستهای متحصنین عبارتند از: ۱- دولت سوئد رسماً رژیم ایران را به عنوان یک رژیم تروریستی محکوم کند. ۲- وزارت امور خارجه سوئد برای روشن شدن وضعیت فرج بقیه در صفحه ۷

بیست و شش سال بیکار فدائیان خلق در راه صلح، آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم را گرامی بداریم!

زمان: شنبه ۲۷ بهمن ۷۵ برابر با ۱۵ فروردین ۹۷

مکان: محل اصلی - BEUL - BUCARIN FORUM FRENCH BROMER GDE 17

گفتگو با مسئولین سازمان: ساعت ۱۷ برنامه‌های متنوع هنری: ساعت ۱۹

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

لطفاً از آوردن دوربین فیلمبرداری و عکاسی و تلفن دستی به سالن جشن اکیداً خودداری فرمائید

ضرورت هماهنگی نیروهای اپوزیسیون در انتخابات آتی ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در خرداد ماه آینده برگزار می‌شود. انتخابات در دوره‌های قبلی مورد توجه خاص همه نیروهای سیاسی قرار داشته و هر نیرو از زاویه خاص خود به آن برخورد می‌کرد. بین حکومتیان به عنوان یک مجموعه، انتخابات محلی برای قانونی جلوه‌دادن حکومت استبدادی و خودکامه بوده است و اینکه در نظامی اساساً مغایر با رای و اراده مردم حاکمیت ملایان بر پایه نهادها و روندهای ظاهراً انتخابی و با پوشش امروزی استعمار و تداوم یابد. هیچگاه هیچ بیگانه با حریم ولایت فقیه به دایره انتخابات آنان راه نداشته است. انتخابات حکومتی دور از اراده و رای واقعی مردم و حضور تشکلهای سیاسی و صنفی آنان برگزار شده است.

در عین حال در درون دایره حکومتیان، دوره‌های مختلف انتخابات بویژه انتخابات مجلس، صحنه جدال قدرت و درگیری بین جناح‌های مختلف آن بوده است و راه و روشی برای تصرف اهرم‌ها و نهادها و اجرائی و قانون‌گذاری. نتایج این انتخابات و تغییرات ناشی از آن در چارچوب و محدوده همان دایره، بی‌تأثیر بر روندهای سیاسی و سیاست‌های حکومتگران نبوده است. این خود انگیزه بخش‌هایی از مردم برای انتخاب بین بد و بدتر را شکل داده است. از سوی دیگر بخشی از نیروهای اپوزیسیون نیز، انتخابات را به عنوان فرصتی برای تأکید بر حقوق بنیادی شهروندان در تعیین حاکمیت سیاسی و تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی کشور و نمایش نقض خشن این حقوق توسط جمهوری اسلامی نگریسته‌اند. این هدف متناسب با موقعیت و مواضع سیاسی مختلف نیروهای اپوزیسیون به اشکال گوناگون از جمله تحریم انتخابات پیش برده شده است.

دور آتی انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی تدارک می‌شود که هیچگونه گشایشی در فضای سیاسی کشور پدید نیامده است. نمایندگان ارتجاعی‌ترین و سرکوبگرترین جناح‌های حکومتی، بنیادگرایان، طرفداران قفه سنتی و بازار، زیر علم ولی فقیه با تشدید سرکوب و اختناق و با توسل به تمهیدات گوناگون، دور هفتم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی را مطابق میل خود می‌آرایند و تدارک می‌بینند. آنها حتی یک رقابت جدی در درون نیروهای وابسته به نظام را نیز بر نمی‌تابند. به انصراف کشاندن میرحسین موسوی نخست وزیر سابق رژیم نمود این امر است. همه تمهیدات چیده می‌شود تا کاندیدای جناح حاکم، ناطق نوری بر کرسی ریاست جمهوری نشانداده شود. اما هم‌زمان همچنین کوشش بقیه در صفحه ۱۱

در این شماره

آینده چپ
پل سوئیزی شهری مگداف
صفحه ۱۱

در نقد نگاه حزب توده ایران
به جهان
سهراب مبشری
صفحه ۷

برگهائی در شناخت بهتر شهر
صفحه ۶

بیان توسعه انسانی
سازمان ملل متحد
صفحه ۸

واپسین فریاد

قرارداد الخلیل: استخوان لای زخم

در شماره ۱۴۸ نشریه کار، خبر از فاجعه جانگداز خودکشی رفیق گلناز اعظمی دادیم که ماه گذشته در برلین به زندگی خود پایان داد. مانند هر انسان دیگری که داوطلبانه با زندگی وداع می‌کند، گلناز نیز با این واپسین فریاد خود، همه ما را خطاب قرار داد که بیاندیشیم چرا؟

آمار خودکشی در میان ایرانیان به حد هولناکی بالا رفته است. مصائب بی‌شمار زندگی به ویژه در داخل کشور شمار هر چه بیشتری از هم‌وطنان ما را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای خود، مفری نمی‌بینند و از ادامه زندگی سر می‌پسند. صفحات حوادث روزنامه‌های ایران، پر از اخبار خودکشی است. هر چند عوامل و انگیزه‌های خودکشی در میان ایرانیان خارج از کشور، با انگیزه‌های خودکشی در ایران به کلی تفاوت دارد و از مقوله دیگری است، اما مجموعه تصویری که این رویدادهای اسفبار به دست می‌دهد، حاکی از بحران روحی عمیق یک ملت است. بحرانی که امید به زندگی را در بخش بزرگی از جامعه زایل کرده و شمار فزاینده‌ای از اعضای آن را به انتحار سوق می‌دهد. مسئولیت این بحران، قبل از همه بر عهده کسانی است که اداره جامعه را در دست دارند.

اما این تنها تصویر کلی این فضای فاجعه‌آفرین است. نمی‌توانیم با انگشت گذاشتن بر این حقیقت که ریشه این فجاج فردی، به فجاج اجتماعی باز می‌گردد، خود را از اندیشیدن بیشتر به مسئولیتی که برای پیشگیری از تکرار چنین وقایعی داریم، برهانیم.

مهاجرین ایرانی در خارج از کشور، به ویژه آن بخش از مهاجرین که در کشور خود در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شرکت داشته‌اند، در محیط بیگانه قبل از هر چیز از فقدان پیوندهای انسانی رنج می‌برند. نسلی که در نیمه اول دهه ۶۰ به دلیل حاکم شدن استبداد خونریز، ناچار به ترک میهن شد، در سال‌های پر جوش و خروش ۵۶ تا ۶۰، بسیار پر شور و پرکار زیست. آن سال‌ها، سال‌های ۴۸ ساعت زندگی در هر ۲۴ ساعت، سال‌هایی بود که در هر روز و هفته آن، پیوندهای جدید با پیرامون خود برقرار می‌کردی و از این احساس که این محیط، به این پیوندها با تو نیاز دارد، نیروی زندگی می‌گرفتی. آن سال‌ها گذشت و بخشی از انسان‌هایی که به آن زندگی با ریتم تند خود کرده بودند، ناگزیر از ورود به محیطی شدند که به نظر می‌رسد نیازمند به این پیوندها یا تو نیست. محیطی که اصل خودکفایی و فردگرایی بر آن حاکم است و از انسان‌ها، خصوصیات روینسون کروزوگون می‌طلبد. با این حال کمتر مهاجری است که از همان آغاز ترک میهنش، ابعاد این تحول را دریابد. به ویژه مهاجران سیاسی، در سال‌های نخست زندگی در غربت، نسلی از امید به زندگی را از انتظار بازگشت قریب‌الوقوع می‌گیرند. بیهوده نبوده که ۱۰-۱۵ سال پیش، تقریباً در هر نشریه ایرانیان در خارج، آن شعر برشت را می‌یافتی که می‌گفت مهاجر، حتی از اینکه در خانه جدید، برای او بختن قیای خود، میخی به دیوار بکوبد و نمادی از اقامت طولانی‌تر ایجاد کند، ابا دارد.

آن سال‌ها نیز گذشت، اکنون، اغلب مهاجران سیاسی ایرانی بیش از یک دهه از عمر خود را در خارج گذرانده‌اند. روزشماری برای بازگشت، جای خود را به جریان پکنواخت زندگی در غربت داده است. بسیاری از جوامعی که مهاجران به آن پناه آورده‌اند، در طبیعت خود مهاجرپذیر نیستند و اغلب اعضای آن از هر چهره و پدیده نو و نامانوس، دوری می‌گزینند. بحران سرمایه‌داری و تبعیض‌های نژادی، به بسیاری از مهاجران، امکان این را که انگیزه حرکت را در محیط کار و فعالیت اقتصادی بیابند، نمی‌دهد. برای بسیاری از هم‌وطنان ما، محیط خانواده و نزدیک‌ترین دوستان، تنها ملجا و ماواست.

در چنین شرایطی، ما در قبال هم مسئولیت داریم. حساسیت در مورد روحیات انسان‌های پیرامون، دنبال کردن تغییراتی که در رفتار و حالات آنان می‌بینیم، اندیشیدن به علل این تغییرات، و بالاخره، مهم‌تر از همه، گوشودن باب گفتگو و برقراری ارتباط، کاری است که از دست نزدیکان فردی که به بن‌بست نزدیک می‌شود، ساخته است. گاه ممکن است دچار این خطا شویم که نباید در خلوت روحی انسانی که انزوا گزیده است، مزاحم او شد. گاه واکنش‌ها و برخوردهای خود او است که ما را از برداشتن گام نخست برای برقراری ارتباط و گوشودن باب گفتگو با او بر حذر می‌دارد. گاه فداکاری، بردباری و گذشت لازم است تا بتوانی پوسته سختی را که دوستت به دور خود تنیده است، بشکنی. او قبل از هر چیز از این رنج می‌برد که می‌پندارد هیچ کس نیست که بحرانش را در همه ابعاد آن دریابد و بتواند به او در برون رفت از آن یاری رساند. بزرگترین مشکل او، نخست ناامید شدن از ارتباط و سپس، از دست دادن توانایی ارتباط با سایر انسان‌هاست. او در حقیقت با سکوت خود، دست یاری به سوی ما دراز می‌کند و صدایی در درون او است که می‌پرسد چرا به سوی من نمی‌آیید. تا آخرین لحظه‌ای که به زندگی ادامه می‌دهد، این کورسوی امید در دل او زنده است که شاید به خطایم و یاری رسانی خواهد رسید. وقتی آخرین گام را برمی‌داری، این شعله‌سوی امید آخرین زبانه را می‌کشد و خاموش می‌شود. کمتر کسی است که دست به انتحار بزند و نخواهد که دیگران بدانند چنین کرده است. گام او به سوی پر تگاه نابودی، آخرین فریادی است که با آن از ما یاری می‌طلبد.

بکوشیم تا بسیار قبل از این واپسین فریاد، دست یاری به سوی یکدیگر دراز کنیم. بدون تردید، راه و شیوه یاری رساندن به هر انسان با دیگری متفاوت است و به زحمت بتوان قواعد کلی در این تلاش بر شمرد. اما نخستین گام در هر مورد، یکی است: اینکه در محیط سرد بی‌تفاوتی و انزواطلبی، شعله‌ای از انسانیت و شور زندگی با هم و برای هم برپا کنیم.

دفتر مرکزی مجاهدین...

بقیه از صفحه اول

روز ۱۴ دی ماه خبرگزاری‌ها به نقل از منابع رژیم اعلام کردند: «مجاهدین در روز چهارشنبه از عراق وارد خاک ایران شده و طی حمله به قصر شیرین، یک تن از عشاری‌ها مرز نشین را کشته‌اند». در روز ۱۵ دی ماه، کشته شدن دو نفر از مجاهدین و دستگیری دو نفر از آنان در غربت کشور گزارش شد. در روز ۱۶ دی ماه، خبر دستگیری یک مجاهد و کشته شدن دو نفر از آنان در خوزستان به نقل از مسئولان امنیتی استان انتشار یافت و در پی آن کشته شدن ۳ نفر از مجاهدین به هنگام عبور از مرز در برخورد با مین گزارش گردید. روز ۱۷ دی رادیو دولتی اعلام کرد از «نفرات» مجاهدین که از پادگان اشرف در عراق اعزام شده‌اند، اسلحه و بمب و

بقیه از صفحه اول

دولت، ۷ تن از وزرا به آن رای مخالف دادند و یکی از وزرا در اعتراض به «نرمش» نستان یسارو در قبال فلسطینی‌ها، از سمت خود استعفا داد. در کنتست، پارلمان اسرائیل، به هنگام بحث بر سر مفاد قرارداد، جمعی از نمایندگان دست راستی نتان یاهو را به عدول از شعارها و وعده‌های انتخاباتی خود متهم کردند. وی در جریان انتخابات گفته بود سیاست «زمین در برابر صلح» را نخواهد پذیرفت و با عرفات گفتگو نخواهد کرد. نتانیاو در پاسخ به مخالفان و در دفاع از تغییر رفتار خود گفت: در این مرحله، به دو هدف اصلی حزب که «اصلاح اقتصادی» بود، رسیده است. نتانیاو در سخنرانی خود در کنتست، خطاب به ساکنان محله یهودی‌نشین الخلیل گفت: «ما به شما به عنوان ادامه‌دهندگان چهار هزار سال یهودیت می‌نگریم». نمایندگان احزاب ایوزیسیون، به ویژه حزب کارگر با استقبال از پذیرش

هم‌چنین در قرارداد، آزادی زندانیان فلسطینی از زندانهای اسرائیل، صدور اجازه کار برای اعراب مناطق اشغالی، ضوابط رفت و آمد ذکر شده‌اند. بر اساس این موافقتنامه، ۹ ماه پس از واگذاری روستاهای کرانه غربی رود اردن، باید گفتگوهای نهایی برای حل مسئله اورشلیم، بازگشت آوارگان فلسطینی، آزادی زندانیان، گشایش بنادر و فرودگاهها، کنترل مرزهای دریایی و زمینی، آبادیهای یهودی‌نشین و غیره پایان یابد. بر اساس توافقنامه اسلو، تا سال ۱۹۹۹ باید همه اقدامات مربوط به واگذاری اختیارات به دولت فلسطین انجام شده باشد. دو ماه دیگر گفتگوهای مقدماتی در این زمینه آغاز خواهد شد.

روز شنبه ۲۹ دی‌ماه نتانیاو اظهار کرد در پایان مرحله سوم مذاکرات، ممکن است فلسطینی‌ها در مناطقی که به آنان واگذار شده است به عنوان کشور مستقل اعلام موجودیت کنند. وی تاکید کرد هیچ‌گاه در باره اورشلیم (بیت المقدس) با فلسطینی‌ها

برچیندن پاسگاهها و موانع از نقاط مختلف شهر الخلیل است. طبق این قرارداد، ۸۰ درصد شهر باید تا ده روز پس از تصویب قرارداد تخلیه شود و تا مین امنیت آن به ۴۰۰ پلیس فلسطینی واگذار گردد. مأموران انتظامی فلسطینی بر خلاف سربازان اسرائیلی غیر از سلاح کمری نباید سلاح دیگری داشته باشند. اما سربازان اسرائیلی هم‌چنان تجهیزات خود را حفظ می‌کنند. آنها به سلاح کمری، انواع نارنجک، گاز اشک‌آور، تفنگ‌های خودکار و غیره مجهز هستند. بر اساس موافقتنامه، تخلیه خیابان شهدا که شمال و جنوب شهر را به هم وصل می‌کند و از مرکز شهر، بازار و از محله یهودی‌نشین می‌گذرد مرحله به مرحله و در فاصله زمانی طولانی‌تر صورت خواهد گرفت و بازگشایی مغازه‌ها به مرور انجام خواهد شد. حراست از مسجد حضرت ابراهیم و یک پنجم شهر که ۴۰۰ نفر یهودی و ۲۰ هزار نفر از اعراب فلسطینی در آنجا ساکن هستند هم‌چنان



مذاکره خواهد کرد، زیرا اورشلیم پایتخت جاودانی اسرائیل است. درارتباط با آینده اورشلیم، آوارگان فلسطینی، تعیین حدود و مرزها را زمانی مطرح سازند که در میان مردم باور به زندگی مشترک ریشه‌دواند و نیروی طرفدار صلح در دو سو برای برخورد با مشکلات دشوار آماده شده باشد. نتانیاو شاید خوشحال باشد که به هدف «اصلاح موافقتنامه اسلو» دست یافته است اما به همان اندازه از روح و مضمون آن دور شده و بر بی‌اعتنایی اعراب، به ویژه ساکنان اورشلیم و الخلیل به روند صلح افزوده است. اکنون نگرانی آن است که مردم، عرفات و نتانیاو را در صحنه گفتگوها تنها بگذارند و صلح آنها را صلح ملت‌ها ندانند.

آخرین خبرهای رسیده حاکی است که عرفات بعد از ۳۰ سال قدم به خاک شهر الخلیل گذاشت و حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر از فلسطینی‌ها از او استقبال کردند. عرفات در سخنرانی‌اش در شهر الخلیل ابراز امیدواری کرد که روند صلح پیش برود و مسائل فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها حاصل گردد.

تیم‌های خودکشته شده است. کشته شدن دلتواز در آخرین اطلاعیه مجاهدین تایید شده است، اما نه به دست هم تیمی خود، بلکه در درگیری با پاسداران در منطقه گیلان غرب. عباس دلتواز در عملیات فروغ جاویدان که در سال ۱۶۷۶ اجرا شد، شرکت داشت. در روز ۱۸ دی ماه، دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد هدف گلوله‌های توپ قرار گرفت و به ساختمان‌های اطراف آن آسیب شدیدی وارد شد. در این

تحت اشغال ارتش و در اختیار اسرائیل می‌ماند. در این قسمت شهر فلسطینیان تابع دستورات و قوانین ارتش و دولت اسرائیل خواهند بود.

بخش دیگر قرارداد مربوط به واگذاری زمین‌های کرانه غربی رود اردن می‌باشد. بیش از ۷۰ درصد این زمین‌ها هنوز در اشغال نیروهای اسرائیل است. این مناطق طبق «قرارداد اسلو» می‌بایستی تا تابستان سال جاری تخلیه و به دولت فلسطین واگذار شود. در قرارداد الخلیل تخلیه زمین‌های کرانه غربی یک سال به تعویق افتاده است و در آن یک برنامه سه‌مرحله‌ای برای خروج سربازان اسرائیل تا پایان آگوست سال ۹۸ از مناطق اشغالی پیش‌بینی شده است. ارتش اسرائیل بنا به صلاحدید امنیتی تصمیم می‌گیرد، در کجا به جابجایی نیرو بپردازد، کجا را تخلیه کند و چه زمانی آن را به فلسطینیان تحویل دهد. دولت آمریکا نیز در نامه‌ای جداگانه ضمانت کرده است که تعیین زمان و محل خروج سربازان اسرائیلی باید با در نظر داشت مصالح امنیتی این کشور باشد و حق تصمیم برای اسرائیل محفوظ بماند.

کردند و نوشتند که وی در «جریان درگیری با نیروهای مرزی» کشته شده است. مسئولان امنیتی رژیم از مردم خواستند در شناسایی این جسد همکاری کنند. روز جمعه ۲۸ دی ماه، رادیو اسرائیل به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد فرد کشته شده شناسایی گردیده و نام او عباس دلتواز است. بنا به ادعای خبرگزاری جمهوری اسلامی عباس دلتواز برادر زن مسعود کشمیری، به دست هم

سیاست «زمین در برابر صلح» از سوی نتانیاو، در رای‌گیری آرای خود را به نفع وی به صندوق ریختند و علیرغم مخالفت عده‌ای از نمایندگان حزب لیگود، در کنتست قرارداد الخلیل با ۸۷ رای موافق، ۱۷ رای مخالف و یک رای ممتنع به تصویب رسید.

در پارلمان فلسطین که برای بررسی قرارداد الخلیل تشکیل، پس از دو روز بحث، بدون رای‌گیری خاتمه یافت. نمایندگان از مفاد قرارداد ناراضی هستند و در جلسات مجلس به شدت از عملکرد یاسر عرفات رئیس جمهور فلسطین و صائت ارکات سرپرست هیات نمایندگی فلسطین در گفتگوهای صلح، انتقاد کردند. آنان اعتراض می‌کردند که چرا پیش از امضای قرارداد، متن آن در اختیار نمایندگان قرار نگرفته است. نمایندگان می‌گویند با امضای این توافقنامه مجلس در تنگنا گذاشته شده است.

مفاد عمده قرارداد

قرارداد الخلیل از دویخس عمده تشکیل شده است. یک قسمت آن مربوط به خروج سربازان اسرائیل و

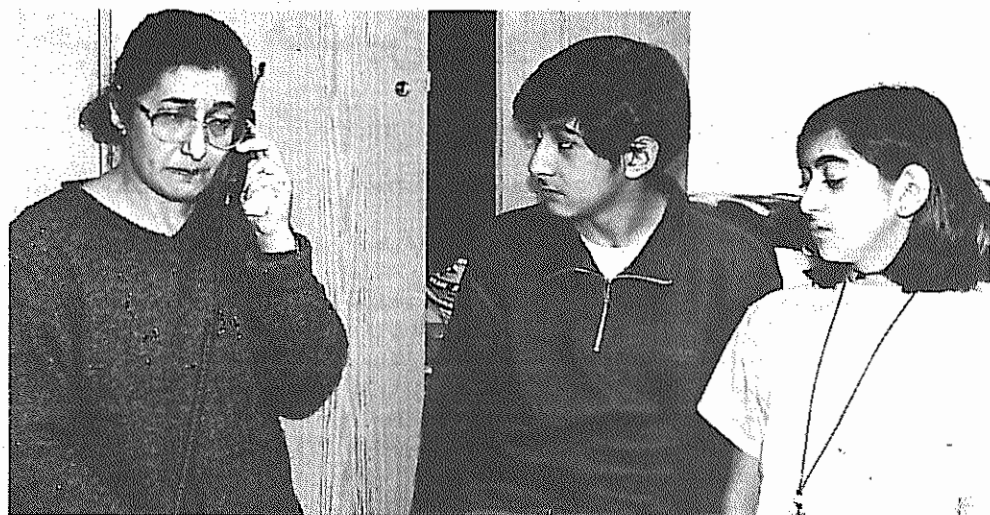
نیروهای مقاومت به شهادت رسیدند و موج دستگیری‌های گسترده در صفحات غرب کشور هم‌چنان ادامه دارد.»

منابع امنیتی جمهوری اسلامی هم‌زمان با انتشار گزارش درگیری‌ها مدعی شدند که مجاهدین «سو قصد با بمب در ملاعمومی و ترورهای کور را از سر گرفته‌اند». روز ۲۰ دی ماه، روزنامه‌های ایران، ابران، کیهان و سلام تصویر جسدی را چاپ

خوشحالی کردند. روزنامه الاهرام چاپ قاهره نوشت: خوشحالی که مشکل الخلیل حل شد و قطار صلح به راه افتاد. اما بایستی منتظر جزئیات قرارداد و رفتار اسرائیل باشیم. مطبوعات لبنان نسبت به حسن نیت اسرائیل تردید نشان دادند. روزنامه‌های این کشور نوشتند: نمی‌توان اطمینان داشت که اسرائیل به تعهدات خود عمل کند. در تهران خامنه‌ای در نماز جمعه قرارداد الخلیل را «مذاکرات سازش» خواند و گفت که جوانان فلسطینی به «نهضت» ادامه خواهند داد. در سوریه روزنامه نیمه رسمی البعث نوشت: این قرارداد نشانه دفن صلح در خیابانهای الخلیل است. البعث افزود: هیچ عرب وطن‌پرستی نمی‌تواند این قرارداد را تحمل کند. از روند مذاکرات صلح حافظ اسد بیش از همه ناراضی است. وی که قصد داشت در این مذاکرات نقش مهمی برعهده گیرد عملاً از طرف آمریکا و اسرائیل از جریان اصلی گفتگوها کنار گذاشته شده است. سوریه حتی حاضر نشده است تجدید نظر کند. یکی از شرایط سوریه آن است که اسرائیل بلندی‌های جولان را که در جنگ ۶ روز سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است، بدون قید و شرط تخلیه کند. نتانیاو در مصاحبه با روزنامه فرانسوی فیگارو تاکید کرده جولان اهمیت استراتژیک دارد و هیچ‌گاه حاضر نخواهد شد آن را در مذاکره به معامله بگذارد.

واکنش مردم الخلیل دوگانه است، احساس شادی و نگرانی آنان درهم آمیخته شده است. آنها خوشحال‌اند از این‌که بعد از ۳۰ سال رویایشان واقعیت یافته و پرچم فلسطین در شهر به اهتزاز درآمده است. اما انتظار نداشتند که با تازگی تازه‌های روبرو شوند و الخلیل رسماً دو تکه شود. قلب شهر هم‌چنان در اختیار سربازان اسرائیلی است و ۲۰ هزار نفر از اعراب ساکن این منطقه از آنچه که پیش آمده نه تنها خوشحال نیستند، بلکه خود را برای انتفاضه دیگر آماده می‌کنند. در اینجا مردم می‌گویند این پیمان صلحی که بسته شده، میان دولت‌هاست و نه میان ملت‌هاست. مضمون قرارداد صلح میان ملت‌ها بود. هدف قرارداد اسلو آن بود که طرفین گام به گام با اجرای توافقنامه اعتماد مردم اسرائیل و فلسطین را به روند صلح و آشتی جلب کنند و آنها را برای گفتگوهای دشوار و چشم‌پوشی از دل‌بستگی‌ها آماده سازند. به همین دلیل رایین و عرفات در ادامه شیمون پرز آگاهانه تلاش کردند تعیین سرنوشت نهایی دولت فلسطین، شهر اورشلیم، بازگشت آوارگان فلسطینی، تعیین حدود و مرزها را زمانی مطرح سازند که در میان مردم باور به زندگی مشترک ریشه‌دواند و نیروی طرفدار صلح در دو سو برای برخورد با مشکلات دشوار آماده شده باشد. نتانیاو شاید خوشحال باشد که به هدف «اصلاح موافقتنامه اسلو» دست یافته است اما به همان اندازه از روح و مضمون آن دور شده و بر بی‌اعتنایی اعراب، به ویژه ساکنان اورشلیم و الخلیل به روند صلح افزوده است. اکنون نگرانی آن است که مردم، عرفات و نتانیاو را در صحنه گفتگوها تنها بگذارند و صلح آنها را صلح ملت‌ها ندانند.

آخرین خبرهای رسیده حاکی است که عرفات بعد از ۳۰ سال قدم به خاک شهر الخلیل گذاشت و حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر از فلسطینی‌ها از او استقبال کردند. عرفات در سخنرانی‌اش در شهر الخلیل ابراز امیدواری کرد که روند صلح پیش برود و مسائل فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها حاصل گردد.



همسر و فرزندان سرکوهی همچنان نگران سرنوشت وی هستند

نگرانی از سرنوشت فرج سرکوهی

است. اما به او اجازه خروج نمی‌دهند. سرکوهی در جواب به این سؤال که آیا به کمک مالی نیاز دارد، گفته است: «به پول نیازی ندارم، زندگی من که ارزشی ندارد». فریده زبردی نگران این است که فرج سرکوهی به فراموشی سپرده شود. فراقسیون‌های مختلف مجلس‌المان که قضیه را پی‌گیری می‌کردند اکنون مسئله را مسکوت گذاشته‌اند و می‌گویند: «ما نمی‌خواهیم سرکوهی را به خطر بیاندازیم».

گزارشات رسیده از ایران حاکی از آن است که بر سر مسئله فرج سرکوهی، رسوایی بین‌المللی جمهوری اسلامی و «ناشی‌گری» سازمان اطلاعات و امنیت ایران «واواک» بین جناح‌های حکومتی بحث و جدل‌های فراوان درگرفته است.

«فکر می‌کنم که فشار روز بروز بر او افزایش می‌یابد» این جمله گفته فریده زبردی است که نگرانی در چهره وی موج می‌زند. درست همان روز که فرج سرکوهی در فرودگاه مهرآباد ظاهر شد با خانواده‌اش تماس تلفنی گرفت و گفت: «متاسفم از این که انتظارات شما برآورده نشد». فریده می‌گوید تقریباً هر روز با فرج در تماس است، اما یک روز قبل از اینکه وی گوشی تلفن را بردارد از کارت تلفن وی پالس کم شد و این امر نشانه کنترل تلفن فرج است. یک روزنامه‌نگار سوئدی که دوست فرج سرکوهی است می‌گوید: وقتی من با شماره تلفن فرج تماس گرفتم کسی گوشی را برداشت و خود را سرکوهی معرفی کرد اما مرا نشناخت. بعد از تحقیقات معلوم شد که فرج در آن زمان در شیراز بوده است.

همسر سرکوهی می‌گوید وی در صدد خروج از ایران

ایجاد کمیته پارلمانی ویژه ایران در سوئد

استقبال نیروهای اپوزیسیون ایرانی و محافل مترقی سوئد مواجه شد. ناظران معتقدند که این کمیته با تمرکز نیرویی که روی مسائل ایران خواهد داشت در صورتیکه با دقت لازم اطلاعات خود را از کانال‌های گوناگون اخذ نماید می‌تواند در جهت روشن شدن شناخت پارلمان و دولت سوئد از رویدادهای ایران و همچنین جایگاه هر یک از بلوک‌بندی‌های سیاسی موجود در بین اپوزیسیون ایران نقش مثبتی ایفا نماید.

اهداف این کمیته، تعقیب جدی‌تر رویدادها و تحولات ایران با جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف و تدوین سیاست راهنمای پارلمان و دولت سوئد در مورد پایمال شدن حقوق بشر در جمهوری اسلامی است. در این کمیته نمایندگان سرشناس پارلمان سوئد از جمله اوا ستربرگ از حزب چپ، کارل بیرشمارک از حزب لیبرال مردم، بنک سیلورستراند از حزب سوسیال دموکرات کارگری عضویت دارند. تشکیل این کمیته با

در پی تشدید فشار و اختناق علیه دگراندیشان در ایران و بویژه هجوم اخیر رژیم به اهل قلم و در پی فعالیت‌های پیگیرانه نیروهای اپوزیسیون ایرانی و محافل و احزاب سوئدی و انعکاس نسبتاً وسیع توطئه‌های جمهوری اسلامی علیه مخالفان خود در مطبوعات سوئد احزاب پارلمانی سوئد اقدام به تشکیل یک کمیته پارلمانی در مورد ایران نمودند. در این کمیته هر ۷ حزب حاضر در پارلمان سوئد شرکت دارند.

نزاع در فتنجان

هر چه که زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلامی نزدیک‌تر می‌شود، چهره‌های سرشناس جناح‌های رقیب در جمهوری اسلامی بیشتر به تفسیر محوری‌ترین موضوعات در قانون اساسی یا ایجاد تغییرات در آن شدند و مثلاً ولی فقیه آنرا تأیید نکرد. موضوعی که برآب اصلی‌تر و مهم‌تر است، چیزی نگفت. عبدالله نوری فقط به این اشاره کرد که: «قانون اساسی قانون الهی نیست. ممکن است بعد از چند سالی به این نتیجه برسیم که دوازدهم هرگونه اعمال نظر و جانبداری گروهی و جناحی، از هرگونه تضييع حقوق مردم جلوگیری کند». به دیگر سخن، آقای نوری، همچنان بر لزوم دستگاه شورای نگهبان که چه به لحاظ تعریف آن در ساختار قانون اساسی و چه عملکرد ۱۵ ساله آن مظهر مخالفت با هرگونه تجلی اراده آزاد در برابر احکام ولایت فقیه و منویات آن بوده است، مهر تأیید می‌زند.

روشن است که تلاش عبدالله نوری و همفکران وی مقابله با جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسوی

فقیه بر تغییر قانون تأکید کرد اما مردم آن را تأیید نکردند. قانون عوض نمی‌شود. عبدالله نوری اما در این باره که اگر مردم خواستار تغییر قانون اساسی یا ایجاد تغییرات در آن شدند و مثلاً ولی فقیه آنرا تأیید نکرد، موضوعی که برآب اصلی‌تر و مهم‌تر است، چیزی نگفت. عبدالله نوری فقط به این اشاره کرد که: «قانون اساسی قانون الهی نیست. ممکن است بعد از چند سالی به این نتیجه برسیم که دوازدهم هرگونه اعمال نظر و جانبداری گروهی و جناحی، از هرگونه تضييع حقوق مردم جلوگیری کند». به دیگر سخن، آقای نوری، همچنان بر لزوم دستگاه شورای نگهبان که چه به لحاظ تعریف آن در ساختار قانون اساسی و چه عملکرد ۱۵ ساله آن مظهر مخالفت با هرگونه تجلی اراده آزاد در برابر احکام ولایت فقیه و منویات آن بوده است، مهر تأیید می‌زند.

روشن است که تلاش عبدالله نوری و همفکران وی مقابله با جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسوی

۶ نفر به اتهام جاسوسی دستگیر شدند

کشوری که آنها برایش جاسوسی کرده‌اند، اشاره نشد و تنها گفته شد که در آذربایجان غربی به دام افتاده‌اند. دستگیرشدگان متهم هستند که اطلاعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین عکس‌هایی از مناطق استراتژیک و نظامی را جمع‌آوری

خبرگزاری جمهوری اسلامی هفته گذشته به نقل از یک مقام امنیتی اعلام کرد که ۶ نفر در آذربایجان غربی به اتهام جاسوسی برای بیگانگان شناسایی و دستگیر شده‌اند. در گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نام دستگیرشدگان و

توقیف شود، ممنوع شود، حذف شود...

چاپ رسانده است: «بروم عرق خوری، بروم هرزگی» حذف شود. نام صادق هدایت حذف شود. «خندان خانم آن کارها که شما فکر می‌کنید...» حذف شود. «دو سیزده‌ای هستم هیجده ساله با...» حذف شود. «چشم‌هایم میشی است...» حذف شود. «شما زباید» حذف شود. «شما به من حرارت می‌دهید» حذف شود. «نکنند عاشقش هستی» حذف شود. «او عاشق شماست» حذف شود. «عزیزم» حذف شود. «قمار» با یک کلمه دیگر عوض شود. از «فکر می‌کنم عاشق تو شده باشم تا می‌دانستی» حذف شود...

۱۳۱ فیلم‌نامه رد شد

● مرکز گسترش سینمای مستند در تهران اطلاعاتی منتشر کرد که در آن آمده است: «از میان ۱۴۸ فیلم‌نامه، ۱۷ فیلم‌نامه تمامی شئونات مقدس اسلامی را که مورد نظر این مرکز بوده است، مورد توجه قرار داده و ۱۳۱ فیلم‌نامه به دلیل رعایت نکردن معیارهای از پیش تعیین شده، مورد تصویب قرار نگرفته است.

● به گزارش نشریه «پویا»، ۶ فیلم از فیلم‌های ابوالفضل جلیلی برنده جایزه پالون طلایی فستیوال سه قاره در نانت فرانسه، توقیف شده است. فیلم‌های توقیف شده عبارت‌اند از: میلاد (سال ۱۳۶۱)، گال (سال ۱۳۶۴)، درنا (سال ۱۳۶۷)، رقص خاک (سال ۱۳۷۰)، دت یعنی دختر (سال ۱۳۷۲)، یک داستان واقعی (سال ۱۳۷۵).

● بنا بر دستور بخش سینمایی وزارت ارشاد اسلامی، استفاده از پوسته‌های سر در سینماها که در آن چهره زن دیده شود، در صورت رنگی بودن، ممنوع می‌باشد.

● فیلم آدم برفی، ساخته داوود میرباقری، از سوی اداره کل نظارت و ارزشیابی معاونت امور سینمایی و سنی و بصری وزارت ارشاد توقیف شد. در این فیلم، اکبر عبدی هنرپیشه مشهور ایران بازی می‌کند. عبدی در صحنه‌هایی از فیلم لباس زنانه می‌پوشد و گویا همین صحنه‌ها موجب توقیف فیلم شده است.

نمودی بیینی» را که با صدای کوبیتی پور خوانده شده است، به تمسخر گرفته بودند که: «ممد نبود بیینی رقص آزاد گشته!»، یک نهاد مسئول بازرسی و نیز یک مقام مسئول، اقدام به طرح شکایت علیه این ۴ تن نموده و خواستار مجازات آن‌ها شده‌اند. به دنبال انتشار این خبر، گروه‌های حزب الله خواهان آن شدند تا «خاطیان» را به دست آنان سپارند تا راساً آن‌ها را به اشد مجازات برسانند.

به نوشته نشریه پویا، فاطمه معتمد آریا، یکی از هنرپیشگان از بیم خطر به فرانسه سفر کرده و هنرپیشه دیگر، ایرج طهماسب به کانادا پناهنده شده است. دو نفر دیگر، مرضیه پروموند و حمید جبلی در ایران به سر می‌برند.

چه چیز ممنوع است؟

وزارت ارشاد اسلامی جزوهای پیرامون سیاست‌ها و روش‌های اجرایی سینمای ایران منتشر کرده است. این جزوه دارای ۹۵ صفحه است و معیارهای اسلامی فیلم‌سازی را تشریح کرده است. مطابق این معیارها نام‌گذاری شخصیت‌های منفی با نام‌هایی که ریشه مذهبی دارند ممنوع است. کاربرد لباس‌هایی که به هر نحو از آنها نمایانگر حجم و اعضا بدن باشد، ممنوع است. پوشیدن لباس مردان توسط زنان و بالعکس ممنوع است. تعدد لباس‌های بازیگران مذموم است. استفاده از کراوات و پاپیون فقط باید دارای توجیه منطقی باشد. آرایش

چهره بانوان ممنوع است. تصویر نماهایی با قاب تصویری درشت از چهره بانوان ممنوع است. هر گونه تماس بدنی بین زن و مرد ممنوع است. استفاده از وسایلی که به نحوی از آنها معرف ایمان است (مثل چادر) توسط شخصیت‌های منفی فقط با توجیه منطقی مجاز است...

چه چیز حذف می‌شود؟

نشریه پویا در شماره فوق‌العاده خود، نمونه‌ای از «موارد اصلاحی» وزارت ارشاد در مورد یک کتاب را به

نشریه «پویا» که در پاریس منتشر می‌شود، در شماره فوق‌العاده خود به تاریخ ۳ دی ماه (۲۳ دسامبر) گزارش‌هایی از فشار رو به افزایش دسته‌های چماقدار و وزارت ارشاد اسلامی بر جامعه هنری ایران منتشر کرده است.

۴ هنرپیشه مشهور در دادگاه «مبارزه با مفاسد اجتماعی» محکوم شدند

سرقت یک کاست ویدئویی از خانه یکی از هنرپیشگان سینما، بهانه‌ای شد تا سازمان تلویزیون، وزارت ارشاد و کمیته مبارزه با مفاسد اجتماعی، ۴ تن از بازیگران مشهور سینما را به دادگاه ببرند و آن‌ها را به مدت ۶ ماه از فعالیت‌های هنری محروم کنند. در این کاست ویدئویی صحنه‌هایی از یک میهمانی خانوادگی ضبط شده است که در آن «زن و مرد با هم رقصیده‌اند». سارقان پس از آن که موفق نشدند با استفاده از این کاست از هنرپیشگان حق‌السکوت یک میلیون تومانی بگیرند، کاست را در اختیار حراست تلویزیون قرار دادند. حراست تلویزیون، در هماهنگی با حراست وزارت ارشاد، «پرونده» را به کمیته مبارزه با مفاسد اجتماعی فرستادند. دادگاه هر یک از هنرمندان را به پرداخت ۴۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم کرد. در دادگاه به هنرمندان گفته شد: «از لحاظ قانون اساسی نمی‌توانیم از فعالیت شما جلوگیری کنیم و باید اجازه کنار کردن داشته باشید، اما بهتر است خودتان هیچ گونه فعالیتی انجام ندهید تا خودمان به شما اطلاع دهیم و در صورت انعکاس اخبار به بیرون، عواقب بعدی آن به عهده خودتان خواهد بود».

حراست تلویزیون، کلیه تصاویر مربوط به ۴ هنرپیشه را سانسور کرد و خبر به ماهنامه صبح داده شد. این ماهنامه از جناحی خبر «پیروزی» تازه حزب الله را به توجیه زیر اعلام کرد: «۴ سینماگر موهن به ارزش‌ها، از کار ممنوع شدند. این ۴ تن که در برنامه‌های تلویزیونی نیز حضور دارند، در یک محفل عیاشی و رقص و پایکوبی مختلط، نوحه معروف «ممد

مرکز فرهنگی ایران در پاکستان به آتش کشیده شد

در بسیاری از شهرهای پاکستان، به ویژه ایالت پنجاب، مغازها در اعتراض به رویدادهای اخیر بسته شده‌اند و شبه نظامیان دولتی در سراسر این ایالت به حال آماده‌باش درآمده‌اند تا از درگیری‌های ناخواسته جلوگیری کنند. هفته گذشته حسن روحانی دبیر شورای امنیت جمهوری اسلامی از دولت پاکستان خواست که از تشدید فشار علیه شیعیان جلوگیری کند. هاشمی رفسنجانی نیز در دیدار با صاحب زاده یعقوب‌خان وزیر خارجه پاکستان، برخورد تندروهای سنی را با شیعیان پاکستان محکوم کرد.

۱۸ نفر دیگر روز شنبه در ایالت پنجاب پاکستان بر اثر انفجار بمبی که از راه درو کنترل می‌شد، کشته شدند. بمب در یک موتور سیکلت جاسازی شده بود. در این عملیات تروریستی ۷۵ نفر و از جمله معاون ضیاءالرحمان فاروقی به شدت آسیب دیدند و به بیمارستان انتقال یافتند. گروه سنی صحابه، یک گروه شیعه، به نام «گروه تحریرک جعفری» را مسئول این انفجارها می‌داند. گروه تحریک اگرچه مسئولیت انفجار و کشته شدن اعضای صحابه را تکذیب کرده، اما سنی‌ها هم چنان انگشت اتهام را به سوی اقلیت شیعه گرفته‌اند.

صداهای افراسیون سنی وابسته به گروه صحابه روز یکشنبه ۳۰ دی ماه مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی را در شهر لاهور مورد هجوم قرار دادند و آن را به آتش کشیدند. خواستار اخراج سفیر جمهوری اسلامی از پاکستان شدند. آتش‌سوزی به کسی آسیبی نرسید اما همراه با مرکز فرهنگی ایران، دفتر حقوقی رئیس مجلس سنی پاکستان نیز نابود شد. گروهی که مرکز فرهنگی را به آتش کشیدند از تشییع جنازه ضیاءالرحمان فاروقی رهبر گروه صحابه و ۱۸ تن از اعضای آن بازمی‌گشتند. ضیاءالرحمان فاروقی و

دل‌جویی سران سوریه از حکام رژیم

حکومتی ایران در پایان مذاکراتشان نتایج آن را موفقیت‌آمیز دانستند، اما سرانجام روشن نشد که تداوم روابط دوستانه‌ی رژیم با سوریه به‌خاطر آن است که سوریه از موضع حمایت از ادعاهای ارضی امارات متحده عربی دست برداشته است یا به‌دفعه پافشاری این کشور بر موضع خود، منافع مشترکی که ابعاد آن برای مردم کشور ما کاملاً روشن نیست، سران دو رژیم را به هم پیوند می‌دهد.

ادعاهای ارضی امارات عربی متحده در قبال جزایر ایرانی سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسا مورد تأیید قرار گرفته است. عبدالحمید خدام در سفر خود به تهران کوشید که بر منافع مشترک دو رژیم انگشت بگذارد و از تشدید تنش‌های موجود بکاهد. از مسئولان عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر و سوریه (۶+۲) صادر شده، بوده است. در این بیانیه به صراحت

هفته‌ی گذشته عبدالحمید خدام معاون رئیس جمهور سوریه به قصد تخفیف تنش‌های اخیراً پدید آمده در روابط دو رژیم به تهران آمد و با رفسنجانی و حبیبی دیدار و گفتگو کرد. مهم‌ترین موضوع مذاکرات، ظاهراً بررسی موضع سوریه در قبال بیانیه‌ی موسوم به قاهره که توسط شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر و سوریه (۶+۲) صادر شده، بوده است. در این بیانیه به صراحت

کرده و به عوامل بیگانه داده‌اند. برخی از ناظران سیاسی می‌گویند این دستگیری‌ها با فعالیت پ. کا. کا و محل آموزش آنها در ارتباط است. هفته گذشته مجله آلمانی اشپیکل فاش ساخت که پ. کا. کا در شهر قم مرکز آموزش نظامی دارد. دستیابی به چنین خبری برای دولت ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد.

اخباری از هفتمین دوره انتخابات رئیس جمهوری رژیم

حبیبی رفت

تا اول بهمن ماه اعلام خواهد کرد.

محمد هاشمی چه؟

مطبوعات نزدیک به کارگزاران و خط‌امامی‌ها در کنار خاتمی و حبیبی از محمدهاشمی در هفته‌های اخیر نیز به کرات نام بردند. اما شیوهی طرح نام او در کنار خاتمی و حبیبی چنان بود که ائتلاف دو جناح تنها از روی ناچاری و در صورت امتناع هر دو نفری که مطرح هستند ممکن است هاشمی را کاندیدا نمایند.

سربازگیری از

جناح‌های رقیب

ناطق نوری با این ترفند که بر مبنای احساس تکلیف شرعی کاندیداتوری ریاست جمهوری را پذیرفته است و خواهان حضور کاندیداهای دیگر در صحنه انتخاباتی و رقابتی سالم، پزی شبیه مراحل اولیه انتخابات پنجمین دوره مجلس که رقابت‌ها چندان حاد نشده بود و وی پیروزی قاطع جناح خود را قطعی می‌دانست، به خود گرفته است و با اظهار این که پس از انتخاب به صلاحیت‌ها خواهد اندیشید و جناحی عمل نخواهد کرد،

محافل حکومتی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها در روزهای از هفته پیشین از «نرمش» حبیبی و امکان قبول کاندیداتوری از سوی وی سخن به میان آوردند، تا جایی که تقریباً محرز به نظر می‌آمد که وی کاندیدای مشترک ائتلاف جناح‌های «کارگزاران سازندگی» و «خط امام» خواهد بود، اما سخن از این «نرمش» یک هفته پیش‌تر دوام نیاورد و قطعی شد که حبیبی قصد پا گذاشتن به میدان مبارزه برای کسب مقام ریاست جمهوری رژیم را ندارد.

نظر مساعد خاتمی؟

با این که نشریه «ارزش‌ها» ارگان جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب در شماره اخیر خود نوشت که خاتمی مخالفت قطعی خود را نسبت به نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده است، نشریات نزدیک به جناح‌های جویای ائتلاف نوشتند که خاتمی پس از بازگشت از سفری که به خارج از کشور داشته است با نظر مساعد به موضوع کاندیداتوری خویش فکر می‌کند و نظر قطعی خود را

استخدام ساعتی پزشکان

دکتر تهرانی مدیر کل تأمین و توزیع نیروی انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رژیم اعلام کرد: پزشکانی که خدمات قانونی آنها تمام شده و پایان خدمت خود (پایان خدمات قانونی، پایان خدمت پیام‌آوران بهداشت، پایان خدمت وظیفه عمومی و معاف‌شدگان از خدمات قانونی) را دریافت کرده‌اند طبق مجوز اخذ شده و با توجه به نیاز منطقه می‌توانند بصورت ساعتی و ماهانه حداکثر ۲۰۰ ساعت کار کنند.

معاینه فنی رایگان خودروها

شرکت کنترل کیفیت هوا وابسته به شهرداری تهران آمادگی خود را برای معاینه فنی رایگان خودروهای شهروندان تهرانی در روزهای ۲۹ و ۳۰ دی و اول بهمن اعلام کرد. این اقدام که در آستانه سومین سالگرد صدور بلیتیه هوای تهران ۷۲ صورت می‌گیرد کاهش آلودگی هوا را هدف گرفته است چرا که تحقیقات نشان داده است که ۷۰ درصد آلودگی هوای تهران ناشی از وسایل نقلیه موتوری است و تنظیم به موقع و دقیق خودروها، می‌تواند تا پانجاه درصد

از حجم آلودگی بکاهد. شایان ذکر است که سه سال پیش گروه گسترده‌ای از کارشناسان محیط‌زیست، پزشکان، دست‌اندرکاران درمان و بهداشت، مدیران خدمات شهری و... با صدور بیانیه‌ای موسوم به هوای تهران ۷۲ نسبت به عواقب نگران‌کننده روزافزون گسترش آلودگی هوای تهران هشدار دادند و خواستار اقدام عاجل، جدی و قاطع مسئولان جمهوری اسلامی در مقابله با این امر شدند.

کوش می‌نماید در شرایط واماندگی اصلی‌ترین جناح‌های رقیب افرادی از هواداران و وابستگان آنان را به خود جلب نماید. ری شهری رئیس سابق ساواک رژیم که هم‌اکنون نیز در دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی نفوذ تعیین‌کننده‌ی دارد، این‌روزها دموکرات‌مایانه گفته است: «به اعتقاد من جامعه‌ی که خطی و قالبی فکر کند و در برخورد با مخالفان سیاسی چماق تکثیر را بردارد هرگز رشد نخواهد کرد.» و در جای دیگر: «جمعیت دفاع از ارزش‌ها از عناصر افراطی و متعصب روی‌گردان است»

تظاهر به بی طرفی

لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما رژیم که وابستگی‌اش به جناح روحانیت مبارز محرز است و در جریان انتخابات مجلس نشان داد که از اختیاراتش چگونه سوءاستفاده می‌کند، مدعی شد که صدا و سیما جنبه‌ی خاصی نیست و این که بعضی افراد فکر می‌کنند پخش خبرهای مربوط به بعضی مقامات مانند رئیس مجلس جنبه تبلیغاتی دارد در اشتباه هستند.

یزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در دیدار خود با مسئولان دادگستری استان لرستان، دستگاه قضایی را از طرفداری شخص خاصی در انتخابات برحذر داشت.

توکلی می‌آید؟

تا هفته‌ی پیش گفته می‌شد توکلی

جمعیت کشور به ۶۰ میلیون نفر نمی‌رسد

به گفته‌ی عباس‌علی زالی رئیس مرکز آمار ایران، براساس نتایج مقدماتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، جمعیت کل کشور ۵۹/۵ میلیون نفر است. اما این ارقام هنوز نهایی نمی‌باشند و برای دریافت نتیجه‌ی قطعی باید تا پایان سال خورشیدی جاری صبر کرد. زالی هم‌چنین گفت که براساس آمار مقدماتی جمعیت شهری کشور ۶۱ درصد کل جمعیت برآورد شده که این نسبت در سال ۶۵ حدود ۵۷/۱ درصد

بوده است. وی اعلام کرد که بعد خانوار در کل کشور نیز ۴/۸ نفر، در شهرها ۴/۶ نفر و در روستاها ۵/۲ نفر و در تهران ۴ نفر برآورد شده است. نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت در فاصله‌ی دو سرشماری سال‌های ۶۵ و ۷۵ معادل ۱/۸۱ درصد بوده است. زالی گفت: تعداد متولدین در سال‌های ۷۰ تا ۷۵ نسبت به سال‌های ۶۵ تا ۷۰ حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته است.

مقررات تازه‌ی معافیت از سربازی

معاون نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوای رژیم مقررات تازه‌ی اعطای امتیازهای ویژه به خانواده‌های شهدا، معقودالان‌ها، جانبازان، آزادگان، رزمندگان و مشمولان دارای شرایط خاص را اعلام کرد. به گفته‌ی وی مشمولانی با شرایط زیر از سربازی معاف می‌شوند: یکی از فرزندان جانباز ۴۰ درصد و بالاتر، کلیه مشمولان جانباز بالای ۱۵ درصد و یکی از فرزندان افرادی که بیش از

۵۰ ماه سابقه حضور در جبهه‌های جنگ داشته باشند. هم‌چنین پرسنل وظیفه‌ی که در مناطق عملیاتی و محروم در شرایط سخت خدمت می‌کنند، به عنوان تشویق به ازای ۱۲ ماه خدمت یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر از خدمت نظام ترخیص می‌شوند. بر پایهی مقررات جدید قرار است که مدت معافیت موقت کفالت و پزشکی از ۵ سال به ۲ سال کاهش یابد.

امام جمعه‌ی شیراز در جستجوی

«کلاه شرعی»

«در نظام اسلامی باید بررسی شود که چگونه می‌شود به جای ارتباط نامشروع و مخفی جوانان که با چهره‌ی دوستی انجام می‌گیرد، راه شرعی پیدا کرد.» جمله‌ی قصار فوق حسب انتظار از «درفشانی»‌های آیت‌الله حائری شیرازی امام جمعه‌ی شیراز است که به عنوان کارشناس فقه و امور جوانان رژیم جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر در رسانه‌های داخلی بحث‌های جالبی را موجب شده است. وی دو هفته پیش در نخستین «گردهم‌آیی سراسری بررسی

مرد نوکر زن است یا قائم بر او؟ تهران بود که گفت: «این پیش‌نهاد به نفع زنان نیست چون استفاده آنها از همه اعتبارات را محدود می‌کند. در اشتغال اولویت با مردان است چرا که خدای تعالی مرد را نوکر زن قرار داده که برود کار کند و با دو دست مواضع پول حلال را به دامن او بریزد.» اما قبل از آن که جملات وی به دل نمایندگان زن مجلس بنشیند، عباسی نماینده‌ی بندرعباس فریاد زد: مرد نوکر نیست قائم است.

خبرهای کوتاه

علی دایی، به‌ترین گل‌زن سال ۱۹۹۶

علی دایی بازیکن برجسته تیم ملی فوتبال ایران از طرف کمیته‌ی تاریخ و آمار فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) به عنوان به‌ترین گل‌زن جهان در سال ۱۹۹۶ معرفی شد. دلیل انتخاب وی آن است که او در سال گذشته‌ی میلادی موفق شده است در بازی‌های رسمی ۲۲ بار توپ را به نفع تیم ملی ایران وارد دروازه‌ی حریفان کند.

دیگر کسی کفش اضافه نمی‌خرد

روزنامه‌ی اخبار چاپ تهران در یکی از ضمیمه‌های انتقادی خود با نوشتن مطلب کوتاهی به کاهش شدید میزان معاملات در بازار کفش کشور اشاره کرده و نوشته است در حالی که مردم در سال‌های گذشته به طور متوسط سالیانه دو جفت کفش خریداری می‌کردند، این میزان یک جفت در سال کاهش یافته است که علت آن کاهش قدرت خرید عمومی بر اثر تورم اقتصادی و گرانی بیش از حد متعارف کفش می‌باشد.

تحریکات طالبان در مرزهای کشور

به نوشته‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی نیروهای طالبان در مناطق مرزی ایران دست به تحرکات تهدید کننده‌ی زده‌اند. این روزنامه از قول عده‌ی از اهالی استان سیستان و بلوچستان نوشته است که گروه طالبان تعدادی از ثروتمندان ایرانی ساکن نوار مرز شرقی کشور را به بهانه‌های واهی بازداشت نموده و آنان را مورد شکنجه و آزار جسمی و روانی قرار داده است. این روزنامه هم‌چنین از قول منابع اطلاعاتی رژیم در خاک افغانستان اطلاع داده است که طالبان در هفته‌های اخیر آن دسته از خانواده‌های سرزنشین را که روابط حسنه‌ی با جمهوری اسلامی دارند به عمق خاک افغانستان انتقال داده و خانواده‌های شتون مورد اعتماد خود را جایگزین آنان کرده است.

۱۷۰ نفر در اصفهان داوطلب شدند

ستاد انتخابات میان‌دوره‌ی پنجمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی استان اصفهان اعلام کرد که ۱۷۰ نفر در ۵ حوزه‌ی انتخابیه‌ی این استان نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شده‌اند. از این عده ۸۸ نفر از اصفهان، ۲۱ نفر از برخوار و میمه، ۳۴ نفر از نطنز، ۱۳ نفر از نائین و ۱۴ نفر از نجف‌آباد می‌باشند که ۱۱ نفر از آنان زن هستند. قرار است از حوزه‌ی انتخابیه‌ی اصفهان ۵ نفر و از هرکدام از چهار حوزه‌ی دیگر یک نفر به مجلس شورای اسلامی راه یابد.

مرعشی: زنان می‌توانند قضاوت کنند

آیت‌الله سید حسن مرعشی سرپرست گروه بازنگری حقوق جزایی به طور ضمنی به ناعادلانه بودن قوانین مربوط به زنان اعتراف کرد. وی در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی اعلام کرد که موارد اختلافی حقوق جزایی بین زن و مرد، قضاوت زنان، سن بلوغ دختران، دیه و عسر و حرج از جمله مهم‌ترین مواردی است که باید در اولویت قرار کار گروه بازنگری حقوق جزایی قرار بگیرد. وی گفت: مسئله‌ی قضاوت چون به دو صورت اجتهادی و براساس قانون مدون مطرح است و امروز قضاوت براساس قوانین مدون انجام می‌شود قضاوت زنان میسر است.

خطر کم آبی تهران را تهدید می‌کند

کارشناسان شرکت آب و فاضل‌آب تهران پیش‌بینی می‌کنند که از آنجا که مخزن اولیه تأمین آب آشامیدنی (برف) در سال جاری از میان رفته است، حتا اگر ظرف ماه‌های آینده در تهران باران زیادی هم بیارد، صرفه‌جویی در مصرف آب به شدت ضروری می‌باشد. این درحالی است که برای مثال مصرف آب در شیراز نسبت به سال قبل ۱۳ درصد افزایش نشان می‌دهد.

انتخاب نماینده در هیئت نظارت

در انتخابات نماینده‌ی مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات که اخیراً صورت گرفت دکتر گوردن افتخار جهرمی با ۸۳ رأی از مجموع ۱۲۷ رأی به پیروزی رسید و عباس سلیمی نمین مدیر مسئول نشریه‌ی کیهان هوایی ۴۴ رأی کسب نمود.

نصب تابلوی راهنمای مساجد در معابر

از سوی شرکت عرف ایران وابسته به شهرداری تهران کار نصب تابلوی راهنمای مساجد شهر تهران آغاز شد. در تهران حدود ۱۴۰۰ مسجد وجود دارد و قرار است برای هر مسجد، ۵ تابلوی راهنما در معابر اصلی و فرعی نصب شود.

اجاره‌نشینان کشور ۷ میلیون نفراند

جمشید قنبری رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی مجلس شورای اسلامی هفته‌ی گذشته اعلام کرد که مسئله‌ی تأمین مسکن مردم به‌حدی جدی است که حل آن نیاز به یک عزم ملی دارد. در حال حاضر حدود ۲۱۰ هزار خانوار کشور که نزدیک به یک میلیون نفر از جمعیت را تشکیل می‌دهند با مشکل اساسی تأمین مسکن مواجه‌اند و حتا برای پرداخت حق اجاره خود نیز مشکل دارند.

تهران، پنهان در زیر دود و مه

پایداری هوا، کاهش سرعت وزش باد و وقوع وارونگی دما، موجب شد که تهران در هفته‌ی گذشته آلوده‌ترین هوا را در مقام مقایسه با هفته‌های پیش از آن داشته باشد. غلظت ذرات معلق در هوای تهران به حدی رسیده بود که همچون مه، سطح شهر را پوشانده و برای نخستین بار در زمستان جاری، فاصله دید را به حداقل ممکن رسانده و چشم‌اندازهای اطراف شهر را از نظرها پنهان کرده بود.

کار را بروی

شبکه جهانی اینترنت Internet

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن News & Views را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس: <http://www.magnet.at/iran.kar.fadai.aksariyat/> ملاحظه فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at

فاجعه‌ی خیابان گاندی و قضیه‌ی «تهاجم فرهنگی»

حادثه‌ی دهشتناک قتل یک برادر و خواهر به دست خواهرشان و دوست پسر او که سه هفته‌ی پیش در تهران روی داد و حیرت و تأسف آگاه‌شدگان از فاجعه را در داخل و خارج کشور برانگیخت، این روزها دست‌اویزی برای رسانه‌های گروهی رژیم شده است تا با قلمداد کردن آن به عنوان شهادی پر «تهاجم فرهنگی» و به دلیل وقوع آن عرصه را بر مردم آگاهی طلب کشورمان تنگ‌تر سازند.

جریان از این قرار است که دو دل‌بسته هم‌سیره‌ی نوجوان، سمیه و شاهرخ ۱۶ ساله، به دنبال مخالفت خانواده‌هایشان با تداوم ارتباط و متعاقباً ازدواج ایشان، کینه‌توزانه با هم‌دستی یک‌دیگر خواهر ۱۴ ساله‌ی سمیه را در خواب و برادر ۸ ساله‌ی وی را در وان حمام خفه کردند و متعاقب آن با چاقو به مادر خانواده حمله بردند. عمل وحشیانه‌ی که البته نه به فراوانی، ولی هر از گاه در گوشه‌ی از جهان اتفاق می‌افتد و شنیدن خبر آن لرزه برانداز شونندگان می‌اندازد.

بدیهی است که نفس بروز این‌گونه

قساوت‌ها که علل روانی مشخصی دارد و از واکنش حساد و افراطی سرخوردگان و واماندگان نائل‌نشده به هدف خویش بر زمین‌ی اختلالات شخصیتی مُمکن ناشی می‌شود، به عنوان عوامل خارجی کمکی و جنبی از قبیل «آموزش»‌های نادرست ترویج شده در فیلم‌های جنایی و گنشی (action) غرب و خساردهور و هسند تأثیر می‌پذیرد، اما بسامد آن در درجه‌ی اول با سطح فرهنگ و توسعه‌ی مدنیّت و بهداشت روانی در جامعه رابطه‌ی تنگاتنگ و نسبت معکوس دارد. به این اعتبار گناه بروز چنین فجایی که مورد یادشده تنها نمونه‌ی از آن است و دامنه‌ی وقوع آن هرروز گسترش می‌یابد، بیش از همه بر دوش سران و پایوران رژیم است. کسانی که امکان رشد سالم و کم‌دغدغه‌ی دختران و پسران جوان و نوجوان را در حساس‌ترین مراحل زندگی که شخصیت‌شان شکل می‌گیرد از آنان سلب نموده‌اند. در چنین شرایطی اکثر نوجوانان کشور با ناکامی‌های متعدد در ژوند گام‌گذاری به عرصه‌ی اجتماع و تعیین حدود و ثغور ارتباطشان با دیگر افراد جامعه از جمله هم

سن‌وسال‌هایشان از جنس مخالف روبرو می‌شوند و در این حد از اعمال فشار اجتماعی از دیدگاه روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه تعجبی ندارد که در اینجا و آنجا حوادث واکنشی افراطی نظیر آنچه که روی داد، باز هم رخ دهد.

مسئولان تولید و بازتولید خشونت در کشور ما در وهله‌ی اول، کارگزاران سیاسی و فرهنگی رژیم به‌طور اعم و دستگاه‌های اطلاعاتی و سرکوب آن و دارو-سسته‌های فاشیستی و شبه‌فاشیستی درون و پیرامون حکومت به‌طور اخص می‌باشند. با این همه نمایندگان آنان در رسانه‌های گروهی داخل کشور فراقکتانه نعل وارونه می‌زنند و کوشش می‌کنند که گناه خودکرده را به گردن دیگری اندازند. ایشان به این منظور مسئله‌ی «تهاجم فرهنگی» را پیراهن عثمان کرده‌اند، تا در پوشش و بهانه‌ی آن، آن‌بخش از محصولات رشد علمی و فنی جهان امروز را که انقلابی در ارتباطات آدمیان در سطح جهان ایجاد کرده است، به باد حمله‌گرند. در این راستا، رسالت ارگان جناح ارتجاعی‌تر روحانیت-بازار در رژیم

خبرهای علمی

بهرام، آثار حیات، امکان حیات

کشف یک شهاب‌سنگ در قطب جنوب در چندماه پیش هیجان تازه‌ی را در میان زیست‌شناسان و دانشمندان علوم فضایی ایجاد کرد. دانشمندان معتقدند که این شهاب‌سنگ بر اثر برخورد اجرام فضایی با مریخ و انفجار ناشی از آن پانزده میلیون سال قبل، از سطح کره‌ی مریخ (بهرام) جدا شده و تا ۱۳ هزار سال پیش در فضا سرگردان بوده و سپس به جو زمین رسیده و در تپه‌های آلن قطب جنوب سقوط کرده است. آنها توانسته‌اند آثار فسیلی موجودات زنده‌ی را که شباهت بسیاری به باکتری‌ها دارند بر روی این شهاب‌سنگ مشاهده کنند که ۳/۵ میلیارد سال قدمت دارند.

پژوهش‌گران معتقدند که مریخ در آن زمان (۳/۵ میلیارد سال پیش) شباهت بسیاری به زمین چهار میلیارد سال قبل داشته؛ به این معنی که در اتمسفر آن اکسیژن وجود نداشته و جوی نازک از دی‌اکسید کربن (CO2) اطراف آن را فرا گرفته بوده و سطح آن از باران‌ها و آتش‌فشان‌ها پوشیده بوده است. با این تفاوت که تپه‌هایی که بعداً در زمین روی داد در مریخ رخ نداده است. چراکه دی‌اکسید کربن موجود در اتمسفر زمین جذب آب شده و به صورت کربنات در بستر دریاها جای می‌گیرد. کره‌ی زمین که از مریخ بزرگتر است، پوسته‌ی نازک‌تر و درونی مذاب دارد. این پوسته که از املاح کربنات ساخته شده تا اعماق زمین ادامه دارد و هرچه به اعماق زمین نزدیک‌تر شویم کربنات‌ها بیشتر به دی‌اکسید کربن تبدیل می‌شوند و از طریق آتش‌فشان‌ها به اتمسفر باز می‌گردند.

در مریخ نیز دی‌اکسید کربن جذب آب شده و به صورت کربنات‌ها رسوب می‌کند ولی در این سیاره که پوسته‌ی آن ضخیم‌تر و مرکز سردتر است، راهی برای تبدیل دوباره‌ی کربنات‌های رسوب شده در بستر اقیانوس‌ها به دی‌اکسید کربن وجود ندارد و در نتیجه جو مریخ به تدریج رقیق‌تر و سطح آن سرد و آب‌های آن منجمد شده است.

حال در صورتی که حیات در هر یک از این دو سیاره به‌طور جداگانه وجود آمده باشد، نظریه انتقال این حیات از مریخ به زمین و یا از زمین به مریخ چندان اغراق‌آمیز نیست. عده‌ای از پژوهش‌گران هم‌چنین نظریاتی برای زنده کردن این سیاره‌ی مرده بوسیله‌ی ای‌بک‌رکن یخ‌ها و دو قطب آن داده‌اند. با انتشار اطلاعات بالا توجه افکار عمومی دوباره به مریخ جلب شده است. در ماه نوامبر و دسامبر گذشته ۳ سفینه به مقصد مریخ پرتاب شدند که سفینه‌ی روس‌ها به‌علت نقص فنی منفجر شد. اما دو سفینه‌ی ناسا با نام‌های Global Surveyer (کاوشگر جهانی) و Pathfinder (راه‌یاب) به مقصد مریخ در راه هستند تا اطلاعات بیشتری از این سیاره مخابره کنند.

Global Surveyer قرار است بر روی یک نصف‌النهار مریخ قرار گیرد و پس از گذار مکرر از دو قطب مریخ وارد اتمسفر نازک مریخ شود که این عمل خود ۴ ماه طول می‌کشد و سپس تا دو سال عکس‌ها و اطلاعاتی از سطح مریخ به زمین مخابره کند.

Pathfinder که با انرژی خورشیدی کار می‌کند نیز قرار است اطلاعاتی راجع به آب و هوا و همچنین جنس خاک و ... به زمین مخابره کند. داخل Pathfinder روبات دیگری به نام Mars Rover قرار دارد که قرار است سنگ‌های مریخ را آزمایش و آنالیز کند این روبات با چرخ‌ها و شکل خاصی که دارد تا هنگامی که واژگون نشود می‌تواند به کار ادامه دهد. Mars Rover در آزمایش‌هایی که روی زمین (با نیروی گرانش زمین) با آن شده تا شب‌های ۶۰ درجه را تحمل کرده است.

در صورتی که هیچ مشکلی پیش نیاید قرار است اولین خبرها از مریخ اول ژوئیه به زمین مخابره شود.

بشر تا به حال ۲۷ سفینه به مقصد مریخ فرستاده که تنها ۹ بار این تلاش‌ها به نتیجه رسیده‌اند. قرار است تا سال ۲۰۰۵ میلادی ناسا ۱۰ سفینه‌ی دیگر به مقصد مریخ بفرستد و تا سال ۲۰۱۹ یک تیم فضانوردان نیز به مریخ اعزام شود.

اصول ارگونومی کار با کامپیوتر

پژوهش‌های علمی نشان داده است که کار با کامپیوتر می‌تواند به دردهای استخوانی و ماهیچه‌ی ناشی از بدن‌نشستن به مدت طولانی و هم‌چنین ناراحتی‌های چشمی و بسیاری از عوارض و مشکلات دیگر منتهی شود. برای جلوگیری از این امر پزشکان و مهندسان ارگونومی اصول ساده‌ی را پیش‌نهاد کرده‌اند که با رعایت آنها می‌توان از این مشکلات دوری جست. خلاصه‌ی آن از اهم این توصیه‌ها بدین شرح است:

وضعیت چشم‌ها نسبت به صفحه‌ی مانیتور طرز نشستن فرد روبروی کامپیوتر را تعیین می‌کند. بهترین زاویه‌ی دید حالتی است که صفحه‌ی مانیتور در میدان دید فرد واقع شود، گردن باید راست نگاه داشته شود، چانه به طرف داخل کشیده شود و مسیر دید نیز باید به سمت پایین باشد.

صندلی مورد استفاده هنگام کار با کامپیوتر باید دارای پشتی‌ی باشد که گودی کمر را در برگیرد و پشتی‌ی از نظر افقی و عمودی تراز و قابل تنظیم باشد. ارتفاع صندلی باید با ارتفاع میز متناسب باشد. براساس اصول ارگونومی که از سوی سازمان بین‌المللی کار (ILO) اعلام شده، ارتفاع نشیمن‌گاه صندلی باید ۲۵ الی ۳۵ سانتی‌متر پایین‌تر از سطح میز کار و محل قرار گرفتن دست‌ها در نظر گرفته شود. در ضمن فضای در نظر گرفته شده برای پاها در زیر میز کار نیز باید مناسب باشد.

صفحه‌ی کلید مورد استفاده باید دقیقاً در مقابل فرد و در محلی قرار گیرد که در هنگام کار با آن، ساعد و بازوها زاویه‌ی بین ۸۰ تا ۱۰۰ درجه ایجاد نمایند. در این حالت بازو باید به زمین عمود باشد و میج دست نباید هیچ‌گونه فشاری را متحمل شود و نباید به بالا، پایین یا داخل خم شود.

هنگام نشستن، پشتی صندلی باید گودی کمر را پر کند. در صورتی که صندلی این امکان را نمی‌دهد، از یک بالش کوچک استفاده کنید. تمامی سطح کف پا باید بر روی زمین قرار گیرد و زانو در امتداد لگن واقع شود (یعنی ران‌ها با زمین موازی شوند). در صورت کوتاهی قد باید از زیرپای استفاده نمود چراکه آویزان بودن پاها فشار زیادی را به ناحیه کمر وارد می‌کند.

مناسب‌ترین فاصله بین چشم‌ها تا صفحه‌ی مانیتور ۴۶ سانتیمتر می‌باشد. صفحه‌ی مانیتور نباید درخشندگی زیادی داشته باشد و هم‌چنین نباید نور را منعکس کند و باید تشعشعات خطرناک کم‌تری ساطع نماید. البته برای کم‌کردن تشعشع و درخشندگی می‌توان از فیلترهای مخصوص استفاده کرد.

هنگام کار با کامپیوتر هم‌چنین باید به کنترل عوامل فیزیکی موجود در اتاق کار از جمله نور، صدا، دمای مناسب و هوای تازه (بدون دود سیگار) نیز توجه شود.

نابرابری زنان و مردان در برخورداری از حق طلاق

خواهان: خانم ...
خواننده: آقای ...
خواستہ: طلاق

با ایراد جملات فوق، بسیاری از دادرسی‌های دادگاه‌های خانواده در جمهوری اسلامی آغاز می‌شود. «خواهان» که یک زن است، در اغلب موارد از هفت‌خوان بزرگی برای رسیدن به این مرحله از دادخواهی گذشته است با این امید که حکمی به نفع خود دریافت کند. گرچه زنان غالباً پس از طلاق با دشواری‌های تازه‌ی در اجتماع مواجه می‌شوند، اما برای آنان که زندگی مشترک ناموفق با همسرشان به جهنمی تبدیل شده است، کسب حکم طلاق پیروزی بزرگی محسوب می‌شود، چراکه گرفتن حکم طلاق برای زنان با دشواری‌های به مراتب بیشتری از مردان همراه است. پس از آن‌که در پدو انقلاب، قانون حمایت خانواده که در سال ۱۳۴۶ حقوق معین و محدودی را برای زنان در نظر گرفته بود، بی‌اعتبار اعلام شد تاکنون قوانین شرعی بر روابط زنان و مردان حکم‌روایی می‌کند. قوانینی که بر مبنای آن‌ها حق طلاق به مثابه یک حق طبیعی فقط برای مردان به رسمیت شناخته شده است و زنان تنها در شرایط خاص از آن برخوردار می‌شوند، یعنی هنگامی که در متن قرارداد ازدواج (عقدنامه) شرایطی تعیین شده باشد و شوهر از رعایت آن‌ها عدول کرده باشد.

از جمله مواردی که زن می‌تواند حسب مورد از دادگاه تقاضای صدور اجازت طلاق نماید چنین است:

- ۱- استتکاف شوهر از دادن نفقه (هزینه‌ی گذران زندگی) به زن به مدت ۶ ماه به هر عنوان.
- ۲- محکومیت قطعی زوج بر اثر ارتکاب جرم و اجراء هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد.
- ۳- ابتلاء زوج به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه‌ی زندگی برای زوجه دشوار باشد.

و... مواردی شبیه آن که در بعضی عقدنامه‌ها مشاهده می‌شود.

برای اطلاع بیشتر به صحنه‌هایی که مشابه آن هرروزه در سالن‌های دادگاه‌های کشور روی می‌دهد، به پاره‌ی از آن‌ها نظری اجمالی بیافکنیم:

می‌آید، به‌ویژه در دوره‌ی خُماری (withdraw) معیارهای اخلاقی وی را به حداقل می‌رساند. در این حالت نمی‌توان از چنین فردی انتظار اداره امور خانواده و حتا خودش را داشت. خانواده تمام کارکردهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی‌اش را از دست می‌دهد و فرو می‌باشد.

بالین‌همه، صرف‌اعتیاد شوهر در اغلب موارد دلیل کافی برای پایان دادن به پیوند ازدواج به‌شمار نمی‌رود و تنها در مرحله‌ی که شخص معتاد از پرداخت نفقه طفره رود یا قادر به پرداخت آن نباشد، همسر او می‌تواند دیگر شکایت کرده و محکومش می‌کند، دیگر نمی‌توانم تحمل کنم از روی ناچاری تقاضای طلاق دارم.

سه سال پیش باهم ازدواج کرده و تنها در حدود یکماه زندگی مشترک داشته‌ایم. ایشان قبل از ازدواج چک برگشتی داشتند و تحت تعقیب بودند که بازداشت و زندانی شدند. مدت محکومیت‌شان هم برای ما معلوم نیست.

شوهر: من به هیچ عنوان طلاق نمی‌دهم.
قاضی: شما در قبالةنامه‌ی ازدواج، شرطی را قید و امضا کرده‌اید که بر

را به‌خاطر اینکه بدون اجازه به خانه خواهرم می‌روم کتک می‌زنند. قاضی: خوب باید هرجا می‌رفتی اجازه می‌گرفتی.
زن: چرا چطور آقا می‌تواند برود چند تا زن بگیرد، اجازه نمی‌خواهد، من می‌روم خانه‌ی خواهرم، آنها با مادرم، اجازه می‌خواهد؟ این طور هم که شما می‌گوئید نیست.
با این‌که کتک‌زدن و ناسزاگویی مردان منع صریح قانونی دارد، حکام شرع و قضایان دادگاه‌ها که در بسیاری از موارد دیگر سخت‌گیر هستند، در این‌گونه موارد که گاه به مرگ یا نقص عضو زنان منجر می‌شود، از خود شکیبایی و واداری نشان می‌دهند و دوران اعتیاد به تدریج در وی پدید

می‌آید، به‌ویژه در دوره‌ی خُماری (withdraw) معیارهای اخلاقی وی را به حداقل می‌رساند. در این حالت نمی‌توان از چنین فردی انتظار اداره امور خانواده و حتا خودش را داشت. خانواده تمام کارکردهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی‌اش را از دست می‌دهد و فرو می‌باشد.

بالین‌همه، صرف‌اعتیاد شوهر در اغلب موارد دلیل کافی برای پایان دادن به پیوند ازدواج به‌شمار نمی‌رود و تنها در مرحله‌ی که شخص معتاد از پرداخت نفقه طفره رود یا قادر به پرداخت آن نباشد، همسر او می‌تواند دیگر شکایت کرده و محکومش می‌کند، دیگر نمی‌توانم تحمل کنم از روی ناچاری تقاضای طلاق دارم.

سه سال پیش باهم ازدواج کرده و تنها در حدود یکماه زندگی مشترک داشته‌ایم. ایشان قبل از ازدواج چک برگشتی داشتند و تحت تعقیب بودند که بازداشت و زندانی شدند. مدت محکومیت‌شان هم برای ما معلوم نیست.

شوهر: من به هیچ عنوان طلاق نمی‌دهم.
قاضی: شما در قبالةنامه‌ی ازدواج، شرطی را قید و امضا کرده‌اید که بر

شوهر: من به هیچ عنوان طلاق نمی‌دهم.
قاضی: شما در قبالةنامه‌ی ازدواج، شرطی را قید و امضا کرده‌اید که بر

اساس آنها خانم شما می‌توانستند خوششان را پس از مراجعه به دادگاه مطلقه کنید.
تنها چیزی که در این‌گونه موارد می‌تواند زن را از رنج یک زندگی طولانی با همسر نامناسب خود نجات دهد، تعیین دقیق شروط ضمن عقد ازدواج است که اگر توسط زوجین به امضاء رسیده باشد، قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا در حکم صادره‌ی خود می‌تواند به آنها استناد کند. این موارد در قبالةنامه‌های ازدواج به صورت چاپی درج شده و با امضای بندهای آن توسط زن و مرد اعتبار می‌یابند. اما با وجود صراحت شروط ضمن عقد، باز هم در دادگاه کارشکنی‌هایی از سوی طرفی که اثبات تحقق شرط به ضررش می‌باشد، صورت می‌گیرد

نپرداختن مخارج زندگی

زن: شوهرم رفته و خرجی نمی‌دهد. وکیل خواهان: ترک اتفاق، ترک خانه و ازدواج مجدد بنا به اقرار زوج در پرونده محرز است.
مرد: راجع به ترک اتفاق، ایشان را مستحق نفقه نمی‌دانم. در خصوص عقد غیردائم هم‌اکنون مدت آن تمام شده است و نیازی به‌اجازه ایشان نبوده است.

قاضی خطاب به مرد: ازدواج مجدد شما خالی از اشکال نیست و باید از خانم اجازه می‌گرفتید. در سند ازدواج آمده است اگر مرد دست به ازدواج بزند برای زن حق طلاق ایجاد می‌شود. لفظ ازدواج عام است و ازدواج دائم و منقطع را در برمی‌گیرد.
عدم شناخت طرفین قبل از ازدواج از مسائل مهمی است که بعدها مشکلات بزرگی ایجاد می‌کند. در مورد فوق زن و شوهر هر دو به پزشک و هم‌کار بوده‌اند، اما زندگی مشترکشان دوام چندانی نیافت.

در خصوص ترک اتفاق در قانون مدنی آمده است که نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث‌الیه که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او بواسطه‌ی مرض یا نقصان اعضاء و ترک اتفاق مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه را به دنبال دارد.

طبیعی است که دلایل کلیه‌ی اختلافات خانوادگی که به جدایی می‌انجامد، در چهارچوب چهار حالت یادشده نمی‌گنجد. آنچه که ذکر شد تنها نمایانگر گوشه‌ی کوچکی از ستم گسترده‌ی است که بر زنان کشورمان روا می‌شود.



می‌آید، به‌ویژه در دوره‌ی خُماری (withdraw) معیارهای اخلاقی وی را به حداقل می‌رساند. در این حالت نمی‌توان از چنین فردی انتظار اداره امور خانواده و حتا خودش را داشت. خانواده تمام کارکردهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی‌اش را از دست می‌دهد و فرو می‌باشد.

بالین‌همه، صرف‌اعتیاد شوهر در اغلب موارد دلیل کافی برای پایان دادن به پیوند ازدواج به‌شمار نمی‌رود و تنها در مرحله‌ی که شخص معتاد از پرداخت نفقه طفره رود یا قادر به پرداخت آن نباشد، همسر او می‌تواند دیگر شکایت کرده و محکومش می‌کند، دیگر نمی‌توانم تحمل کنم از روی ناچاری تقاضای طلاق دارم.

سه سال پیش باهم ازدواج کرده و تنها در حدود یکماه زندگی مشترک داشته‌ایم. ایشان قبل از ازدواج چک برگشتی داشتند و تحت تعقیب بودند که بازداشت و زندانی شدند. مدت محکومیت‌شان هم برای ما معلوم نیست.

شوهر: من به هیچ عنوان طلاق نمی‌دهم.
قاضی: شما در قبالةنامه‌ی ازدواج، شرطی را قید و امضا کرده‌اید که بر

یکی از عمده‌ترین دلایل طلاق بانوان از همسران‌شان معتاد بودن وی

برگ‌هایی در شناخت بهتر شعر در معرفی گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر

در معرفی گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر

سومین شماره‌ی «گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر» که تاریخ آذرماه را بر خود دارد اینک پیش روی ماست. این گاه‌نامه که شعر «لذت بردن از شعر یک هنر است، این هنر را بیاموزیم» را زیر صفحه‌ی پشت جلد خود کرده به همت و سردبیری سعید یوسف، شاعر و منتقد ایرانی مقیم آلمان و از سوی کانون فرهنگی لاهوتی (فرانکفورت) انتشار می‌یابد. شمارده‌ی سوم گاه‌نامه پروپیمان‌تر از دو شماره‌ی پیش است و مقالات، تقداه و شعرهای خواندنی متعددی را در خود جای داده است. پس از درآمد سردبیر در صفحه‌ی ۳، بخش «تازه‌ها از شعر و شاعران» شروع می‌شود که حاوی خبرها و نکته‌ها از این سو و آن سوی دنیا درباره‌ی فعالیت شاعران ایرانی و انجمن‌ها و جشن‌واره‌های متفاوت است. در این شماره‌ی «گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر» صفحاتی چند به یادمان سعید سلطان‌پور، شاعر و مبارز زنده‌یاد اختصاص داده شده که اصالت پانزدهمین سالگرد مرگ دردناک او به همین روزیم جمهوری اسلامی است. در این بخش ابتدا شعرهایی که اسماعیل خوبی، نعمت میرزازاده و سعید یوسف در همان روزهای خرداد و تیر ۱۳۶۰ یعنی در هنگامه‌ی جان باختن سعید سروده‌اند، درج شده‌اند، سپس پرویز خضرائی جنبه‌های زندگی سعید را در مطلبی کوتاه گنجانده و آن‌سوتر سعید یوسف در ضمن بازگویی خاطرات دیدارهایش با سعید، در دفاع از شعر او به چالش با کسانی که این شعرها را شاعر می‌دانند برخاسته و در قیاس‌های متفاوت به و نامردن ارزش‌های شعر او کوشیده است. وی در جایی از نوشتار خود می‌نویسد: «اگر بگویم شعر جایش در شعر نیست، در واقع شعر را



دلایلی دیگر، که می‌توانست بسیار متنوع باشند، شعر ضعیفی هست و در ضمن، شاید بر حسب تصادف، شعاری هم در آمده. اما چه بسیار شعرها که شعاری هم ندارند و باز ضعیف‌اند. پس شعر می‌تواند شعاری باشد، اما هر شعاری شعر نیست... آن‌چه که ما از شعر می‌فهمیم معمولاً یک حرف سیاسی تهییجی است، اما تنها آن‌چه که مخالف سلیقه‌ی سیاسی ما باشد شعر نیست؛ سهراب سپهری، شاعر گریزان از سیاست، نیز به نوع دیگر شعر می‌دهد، خیام و حافظ و غیره

نیز به نوع دیگر... جقدر در همین شعر فارسی به نفع می و معشوق، به نفع عسافیت‌طلبی و در ترویج اندیشه‌ی بی‌ثباتی دنیا و پوچی تلاش‌های بشری و غیره شعار داده شده است! ... باید گفت سعید در بسیاری از شعرهایش شعار می‌دهد، و این شعرها گاه خوب‌اند و گاه متوسط و یا حتا ضعیف. این‌که بگویم فلان شعرش به خاطر آن که «شعاری» است ضعیف است، به همان اندازه نادرست است که کمال نسبی برخی از شعرهای دیگرش را بخواهمیم به خوبی شعرهایش بدانیم!

پس از نوشتار یوسف به صفحه‌ی «سعید سلطان‌پور از نگاه دیگران» می‌رسیم که در آن نظر کسانی هم چون م.ا. به‌ذین، اسماعیل خوبی، فرامرز سلیمانی، باقر مؤمنی، مهرداد مهربان و اسماعیل نوری‌علاء درج گردیده و حاوی نکاتی خواندنی است. آن‌سوتر عدنان غریبی در نوشتاری که «شعر سیاسی» در ایران» عنوان گرفته و به انگیزه‌ی درج در ویژه‌نامه‌ی سعید سلطان‌پور نوشته، از زاویه‌ی متفاوت از دیدگاه سعید یوسف، «شعر سیاسی» دو دهه‌ی پیش از انقلاب را بدترین اشعار این دوره دانسته است: «به گمان من، شعر سیاسی نزد ما به هدف پاسخ‌گویی به یک نیاز سیاسی نوشته شده است، و نه نیاز شعری، و مجموعه‌ی آن بدترین اشعار عمدتاً دو دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ است که توسط شعری سروده شده‌اند که می‌بایست مقاله‌ی سیاسی می‌نوشتند، و چون این امر (به هر دلیل - شخصی یا اجتماعی) ممکن نبود، شعر می‌سرودند. بی‌خبری از شعر و فنون شاعری از بقیه در صفحه ۸

«غریبه‌ی دل‌مدرده، از راه رسیده‌ی راه‌گم کرده، خسته و ناتوان، حیران و ناآشنا، ناآشنا و متحیر و عاجز، با انبانی از اوام و کابوس‌های غریب».

غلام‌حسین ساعدی (گوه‌مراد)، در روزهای ابتدای بهار ۱۳۶۱ (مارس ۱۹۸۲) در غربت خود را این‌گونه می‌یافت. چاکن شدنی دهشت‌بار از خانه و کاشانه، دل او را چندان به درد آورده بود که تنها وقتی همه‌ی دوستان و آشنایان به دورش جمع می‌شدند آرام می‌گرفت. در ابتدای کار مشکلات زبان، طعم قنارت و زبردست بودن در دنیای ازماه‌تران فلجش کرده بود. اما این احساس بعدها جای خود را به ترس بی‌مبارزه از همه‌چیز داد. در مدت زندگی‌اش در فرانسه هرگز با محیط جدید خو نگرفت و فرانسه نیاموخت. خود می‌گفت: «از روی لیج حاضر نشدم زبان فرانسه را یاد بگیرم و این حالت را یک نوع مکانیسم دفاعی می‌دانم. حالت کسی که بی‌قرار است و هر لحظه ممکن است به خانه‌اش برگردد.» بنابراین نمایش‌نامه‌نویس بزرگ ایرانی در طول اقامتش در فرانسه با یک سالن نمایش نگذاشت. سناریست پروتوانی که سناریوی بسیاری فیلم‌های مطرح سینمای ایران را نوشته بود، هرگز دیگر به سینما نرفت تا فیلم‌های جدید را ببیند. این دوری از زبان جامعه‌ی میزبان باعث شد که به گفته‌ی خودش به شدت به زبان فارسی بیاندیشد، سعی کند که نوشته‌هایش تمام ظرایف زبان فارسی را داشته باشد و نیز جنبه‌ی تمثیلی کارهایش بیشتر شود. در نامه‌ی به تاریخ بهمن ۱۳۶۱ خطاب به برادرش و همسر او نوشت: «اگر ممکن شد عکس‌ها را برای من بفرستید تا در دخمه‌ی دو متر در دومی از تماشای صورتشان احساس کنم که زنده‌ام!»

خاموشی دو چهره‌ی فرهنگی ابهام در علت مرگ دکتر تفضلی

اوایل آذرماه گذشته استاد محمدتقی دانش‌پژوه کتاب‌شناس نام‌دار و فهرست‌نگار برجسته‌ی ایران چشم از جهان فرو بست. دکتر احمد تفضلی ایران‌شناس صاحب‌نام ایران نیز دوشنبه‌ی گذشته (۲۴ بهمن) به علتی نامعلوم درگذشت. استاد دانش‌پژوه زاده‌ی سال ۱۲۹۰ بود و تحصیلات عالی خود را در دانش‌کده‌ی معقول و منقول و دانش‌سرای عالی به پایان برده بود. وی چند سالی ریاست کتابخانه‌ی دانشگاه تهران را به‌عهده داشت و بعدتر دانش‌یار تمام‌وقت دانش‌کده‌ی ادبیات شد. به همت و پای‌مردی دانش‌پژوه آثار بسیاری در کتابخانه‌های ایران شناسایی و فهرست شدند و نیز کتاب‌های متعددی به‌دست او تصحیح گردیدند و نیز به مدد وی بود که فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی در ایران بیش از پیش به رشته‌ی جدی بدل شد و نام ایران به لحاظ فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی آثار فارسی، در جهان جای‌گاهی شایسته و درخور اعتناء یافت. دکتر احمد تفضلی تحصیلات خود را در تهران و لندن به پایان برد و به هنگام مرگ استاد دانش‌کده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. وی علاوه بر تسلط بر زبان‌های باستانی ایران، با چند زبان زنده‌ی دنیا نیز آشنائی کامل داشت. تفضلی علاوه بر مقاله‌هایی که در باب چند و چون زبان‌های تاریخ و ادبیات ایران در دوران پیش از اسلام نوشته، چندین کتاب نیز به رشته‌ی تحریر درآورده و لذا هم اینک علاوه بر آوگ‌اشانتاین که هنوز ۲۵ درصد سهام اشپیکل را داراست، کارکنان با ۵۰ درصد و کسرن انتشاراتی Gruner+Jahr با ۲۵ درصد از دیگر سهام‌داران آن هستند. دفتر مرکزی اشپیکل در هامبورگ قرار دارد و تاکنون ۲۴۰۰ شماره از آن منتشر شده است.

اشپیکل ۵۰ ساله شد تجربه‌ی قابل اعتنا در تاریخ مطبوعات جهان

عملکرد دولت‌ها در این عرصه‌ها موفق بوده و اخبار و گزارش‌های افشاکراننده‌ی به استغافهای متعددی در سطوح بالا و پایین دستگاه حکومتی آلمان انجامیده است. با این همه اشپیکل اینک آن نفوذ و تأثیر پیشین خود را ندارد که این امر علت‌های متعدد و متفاوتی دارد: اشپیکل تا پیش از وحدت دو آلمان در انتقاد از هلموت کهل و دولت او صریح و بی‌پرده بود. این گرایش پس از سقوط دیوار برلین و ظاهر شدن کهل در هیئت پدر وحدت آلمان تا حدودی تخفیف یافته و خود مجله نیز از سوری پاره‌ی از روشن‌فکران و محافل چپ به سبب هیجان بیش از حد در قبال وحدت دو آلمان به گرایش‌های ناسیونالیستی راست‌گرایانه متهم شده است. عده‌ی نیز بر این عقیده‌اند که دوران سیاست‌های بزرگ، سیاست‌مداران بزرگ و اخبار افشاکری‌های بزرگ به سر آمده و اگر واقعه‌ی سال ۱۹۶۲ حالا روی دهد چندان توجهی بر نمی‌انگیزد. به‌علاوه گسترش وسایل ارتباط جمعی الکترونیکی نیز در مجموع از سرعت و



دوم می‌گذشت. آلمان در کنترل ۴ قدرت پیروز جنگ قرار داشت و در شهر هاننور نیروهای انگلیسی مستقر بودند. سه افسر این نیرو در چهارچوب رسالتی که (به قول صاحب امتیاز اشپیکل) قدرت‌های غربی پیروز در جنگ برای یازسازی دموکراتیک فرهنگ مردم آلمان قائل بودند، به چند روزنامه‌نگار و از جمله رودولف آوگ‌اشانتاین فقدان یک مجله‌ی خبری را گشودند کرده و آن‌ها را به راه انداختن چنین مجله‌ی برانگیختند. مجله‌ی «News Review» (مروری) برای اخبار انگلیسی را هم به عنوان الگو پیش روی آن‌ها نهادند و شاخص‌های آن را چنین برشمردند: اخبار عینی، توصیف رویدادها و کنش‌ها و توضیح علت، روند و تأثیرات آن‌ها. بدین‌سان بود که هفته‌نامه‌ی «Diese Woche» (این هفته) پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. مجله‌ی که از همان ابتدا انگلیسی بودن خورد و به سبب مخالفت و اعتراض کشورهای دیگر عضو جبهه‌ی متفقین که در آلمان نیرو مستقر کرده بودند به محاق سانسور و تأخیر افتاد و ۶ هفته بعد از انتشار باز ایستاد. انگلیسی‌ها اما امتیاز نشر یک مجله با نامی دیگر را در کف آوگ‌اشانتاین نهادند و سعی کردند که خود دیگر دخالت مستقیمی در انتشار مجله‌ی که از نظر آن‌ها برای آلمان ضروری بود نداشته باشند. آوگ‌اشانتاین با همکاری‌اش دست به کار شد و روز ۴ ژانویه‌ی ۱۹۴۷ هفته‌نامه‌ی منتشر کرد که نام «اشپیکل» (اینکه بر صفحه‌ی اول آن رقم خورده بود و در سبک و شیوه‌ی کار به «News Review» و تایم تاسی می‌کرد. خود آوگ‌اشانتاین هم به دوام مجله‌اش چندان امید نداشت، اما اشپیکل به سبب سبک و شیوه‌ی ویژه‌اش در «امر روشنگری»، «دفاع از

در نقد نگاه حزب توده ایران به جهان

سهراب مشیری

علل شکست سوسیالیسم واقعاً موجود

مهم‌ترین اختلاف ما با نحوه نگرش حزب توده ایران به جهان، بر سر ارزیابی علل شکست سوسیالیسم واقعاً موجود است. حزب توده ایران، آن‌لگو را علیرغم اشاره به کمبودها و کاستی‌هایش، گماکان‌الگو می‌داند که چه باید بشریت را به پذیرش آن فراخواند. از نظر حزب توده ایران، قرن بیستم نشان داد اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم عملی است، اما عمدتاً سه عامل، یعنی عقب‌ماندگی تاریخی روسیه، فشار خارجی و بالاخره خیانت رهبری حزب کمونیست شوروی در زمان گارباچف، به ناموفق ماندن تلاش برای عملی کردن این اندیشه‌ها انجامید. حزب توده ایران می‌گوید بشریت باید در قرن بیست و یکم، تلاشی را که در قرن بیستم شکست خورد، تکرار کند و به سرانجام رساند.

در یکی از جزوه‌های «پرسش و پاسخ» نخستین سال‌های پس از انقلاب، دبیر اول وقت حزب توده ایران در بحث با گروه‌های چپی که معتقد بودند در شوروی چند دهه پس از انقلاب اکتبر، سرمایه‌داری دولتی جای سوسیالیسم را گرفته است، خطاب به این گروه‌های چپ گفته بود شما که می‌گویید بزرگترین تلاش جمعی بشر برای برقراری سوسیالیسم، به سرمایه‌داری و سوسیال‌امپریالیسم انجامیده است، چگونه می‌خواهید مردم را متقاعد کنید بار دیگر برای سوسیالیسمی که یک بار عاقبتش باز هم همان سرمایه‌داری بوده است، فداکاری کنند؟

اکنون همین نوع پلیمیک را می‌توان علیه نظرات فعلی حزب توده ایران به کار گرفت. وقتی می‌گوییم خیانت یک بساند فرصت‌طلب در رأس حزب کمونیست شوروی، ابرقدرت سوسیالیستی را که هفتاد سال مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داری را پشت سر گذاشته بود نابود کرد، چه تضمینی وجود دارد که چنین تجربه تلخی تکرار نشود؟ مگر سرمایه‌داری در تلاش دوم، دست از توطئه‌چینی برخواهد داشت؟ اصولاً این چه سوسیالیسمی است که یک گروه کوچک فرصت‌طلب می‌تواند دستاوردهای هفتادساله آن را ظرف مدتی کوتاه بر باد دهد؟ ما در این سوسیالیسم، چه چیز را می‌خواهیم تغییر دهیم که تجربه شوروی تکرار نشود؟

طرح برنامه حزب توده ایران در ارزیابی خطاهای حزب کمونیست شوروی، به اشاره‌های گذرا به تحدید جدی دمکراسی، ضربه زدن به نظام شورایی و اعمال شیوه‌های فرماندهی اکتفا می‌کند و به سادگی از کنار «اشتباهات در زمان استالین» می‌گذرد. برای کسانی که می‌دانند دستگاه سرکوب استالینی حتی پیش از فاشیسم هیتلری از میان اعضای حزب کمونیست شوروی قربانی گرفت، این اشارات گذرا به اشتباهات ظنی تراژی-کمیک دارد. تاریخ از ما می‌پرسد چه تضمینی دارد که این «اشتباهات» را تکرار نخواهد کرد. سخن نه بر سر یک سانحه کوچک در ساختمان سوسیالیسم، که بر سر خرد شدن میلیون‌ها انسان، از جمله میلیون‌ها کمونیست مؤمن به آرمان‌های سوسیالیستی در زیر چرخ‌های ماشین استبدادی است که ادعای داشتن انحصار حقیقت را داشت. سخن بر سر این است که کدام عناصر در باورها و ذهنیات کمونیست‌ها باعث شد تا کیش شخصیت را به خرد جمعی، ماکیاولیسم سیاسی را به انسان‌گرایی مارکسیسم و بریایا را به بوخارین‌ها ترجیح دهند؟ سخن ما این است که عوامل این فاجعه، همان‌هایی بودند که چشمان ما را به روی جنایات جمهوری اسلامی بستند و سبب شدند تا سازمان ما و حزب توده ایران، در دوره‌های حساس از تاریخ معاصر ایران، در کنار یکی از

چنانچه‌کارترین و سیاه‌ترین دیکتاتورهای جهان قرار گیرند، رژیمی که پاسخ حمایت ما را با تیرباران و به دار کشیدن صدها تن از کادرها و اعضای سازمان و حزب و قتل عام اکثریت به اتفاق اعضای رهبری حزب توده ایران داد.

نظریه توطئه حزب توده ایران درباره چگونگی فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود، نه با واقعیات مسلم تحولات ده سال اخیر کشورهای سابقاً سوسیالیستی انطباق دارد و نه با نظر غالب در جنبش چپ و کمونیستی. طرح برنامه حزب توده ایران می‌گوید فرصت‌طلبانی مانند گارباچف با سوءاستفاده از یک فرصت تاریخی، رهبری حزب کمونیست شوروی را به دست گرفتند، سپس به پاکسازی وسیع در حزب پرداختند و آنگاه زمینه بازگشت سرمایه‌داری را فراهم آوردند. واقعیات تاریخی، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد.

اتحاد شوروی در پایان دوره برژنف، دچار بحرانی همه‌جانبه شده بود. در عرصه اقتصادی، رشد این کشور می‌رفت که متوقف شود. پافشاری بر رقابت با آمریکا در همه عرصه‌های نظامی و تسلیحاتی، بنیه اقتصادی کشور را فرسوده بود. ماجراجویی نظامی در افغانستان، پای ارتش سرخ به جنگی مرگبار با مردمی که معتقدات و سنن خود را پایمال یک قدرت مداخله‌گر خارجی می‌دیدند، کشانده بود. در چنین شرایطی، در رهبری حزب کمونیست شوروی این‌نظر هر چه بیشتر طرفدار می‌یافت که این کشور نیازمند یک تحول بنیادین است. یوری آندروپوف که به علت موقعیت خود در رأس سازمان اطلاعاتی، بیش از همه به ابعاد بحران واقف بود، نخستین رهبر برجسته حزب بود که از این‌نظر دفاع می‌کرد. اما عمر او کوتاه‌تر از آن بود که بتواند ایده‌های خود را عملی کند. پس از یک دوره فترت که هنوز اصلاح‌طلبان در کمیته مرکزی اکثریت نداشتند و در نتیجه، چرنوکو به دبیرکلی انتخاب شد، عاقبت متقاعد شدن تعیین‌کننده‌ترین شخصیت‌های حزب و از جمله آندره گرومیکو به لزوم دگرگونی‌های اساسی، راه را برای انتخاب میخائیل گارباچف گشود. آنچه حزب توده ایران توطئه فرصت‌طلبان می‌خواند، به شهادت همه کسانی که از آن دوره گزارش داده‌اند، چیزی نبود جز دفاع قاطع گرومیکو، خدمت‌گزار نظام سوسیالیستی از دوره استالین تا پرسترویکا از گزینش گارباچف. بر خلاف ادعای حزب توده ایران، پس از انتخاب گارباچف، مخالفان اصلاحات نه تنها از دستگاه رهبری حزب و دولت شوروی پاکسازی نشدند، بلکه برای نخستین بار در تاریخ این کشور، به عنوان اپوزیسیون نیرومند رهبری حزب به فعالیت آزادانه پرداختند. پاکسازی از حزب، بیشتر دامن کسانی را گرفت که مانند یلتسین، چیزی فراتر از اصلاح سوسیالیسم، یعنی برقراری سرمایه‌داری را می‌خواستند.

در جنبش جهانی کمونیستی، نظرات حزب توده ایران در مورد ماهیت پرسترویکا گارباچف چندان طرفداری ندارد. به عنوان نمونه، فیدل کاسترو، به عنوان رهبر کشور که از فروپاشی سوسیالیسم لطامت سنگینی دیده است، به هیچ وجه گارباچف را خائن به سوسیالیسم نمی‌داند. کاسترو معتقد است اهداف پرسترویکا به جا بود و سوسیالیسم شوروی، به اصلاحات نیاز داشت.

همه می‌دانند که واپسین ماه‌های زمامداری گارباچف، ماه‌های تلاش او برای حفظ اتحاد شوروی بود، و باز همه می‌دانند که عاقبت، کودتای مخالفان پرسترویکا بود که راه

را برای کودتای یلتسین و همدستانش در سایر جمهوری‌ها علیه موجودیت شوروی گشود.

کدام‌الگو؟

حزب توده ایران که از هنگام تشدید اختلاف بین احزاب کمونیست شوروی و چین در دهه ۱۹۶۰، از هیچ فرصتی برای جانبداری از شوروی و تخطئه کردن مائوئیسم و جانشینانش فروگذار نکرد، اکنون موفقیت رهبری چین در دستیابی به رشد اقتصادی در عین حفظ حاکمیت حزب کمونیست را دلیلی بر اصلاح‌پذیری سوسیالیسم می‌داند. آنهایی که تحولات چین در ۲۰ سال اخیر آشنایی دارند، می‌دانند که رهبری این کشور پس از مرگ مائو و دستگیری «باند چهار نفره»، در عرصه اقتصادی سیاستی را اجرا کرد که از به لحاظ گسترش مناسبات سرمایه‌داری، از اصلاحات دوره گارباچف و حتی یلتسین بسیار فراتر رفته است. اگر کسانی که در روسیه زمینه‌ساز رشد سرمایه‌داری شدند خان به سوسیالیسم‌اند، این حکم به مراتب بیشتر در مورد رهبری حزب کمونیست چین صدق می‌کند. گذشته از این، چین، مانند بسیاری دیگر از کشورهای رشدیابنده، تسریع آهنگ توسعه را به بهای تشدید اختلاف طبقاتی و به اذعان تزه‌های اخیر رهبری حزب کمونیست چین، گسترش اخلاق و طرز فکر فردگرایانه و سودپرستی به دست آورده است. تنها تفاوت چین و اردوگاه سابق شوروی این است که در چین، حزب کمونیست قدرت را حفظ کرده است. حفظ این «دستاوردها» با به خون کشیدن جنبش آزادخواهانه روشنفکران چینی در ۱۹۸۹ همراه بود. الگوی چین، در ایران نه مورد توجه آزادخواهان و نیروهای دمکرات، که مورد استناد مکرر نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی است. چین، مهم‌ترین نمونه‌ای است که تسجوزکنندگان نسخه «دیکتاتوری مصلح» از آن نام می‌برند، اما تنها نمونه آن نیست. از این نمونه‌ها در شرق آسیا باز هم هست، با این تفاوت که در سایر کشورها، حزب کمونیست حکومت نمی‌کند. به راستی الگوی چین، چیزی است که ما به مردم ستم‌دیده و تشنه آزادی ایران ارائه می‌کنیم؟

طرح برنامه حزب توده ایران، «نه» گفتن اکثریت مردم کشورهای اروپای شرقی به سرمایه‌داری لجام‌گسیخته در انتخابات سال‌های اخیر را دلیلی بر سر برآوردن مجدد جنبش کارگری و کمونیستی می‌داند، اما این نکته را ناگفته می‌گذارد که کمونیست‌های سابق در این کشورها با کدام شعارها توانستند پیشروی سرمایه‌داری تاجری را متوقف کنند. نگاهی به مواضع احزاب سوسیالیست اروپای شرقی، رمز موفقیت آنان را نشان می‌دهد: در لهستان و مجارستان، احزاب چپ تنها با نقد بنیادین عملکرد گذشته خود، با دفاع از استقلال کشورهایشان در رابطه با روسیه و با پذیرش اقتصاد بازار است که توانستند از انتخابات پیروز بیرون آیند. آنها در این سیاست خود گاه به مواضع پوپولیستی، گاه به مواضع ملی‌گرایانه و گاه به مواضع سوسیال‌دمکراتیک روی آورده‌اند. کمتر کسی است که باور کند اگر این احزاب مانند حزب توده ایران بر اصول و عقاید گذشته خود پافشاری می‌کردند، می‌توانستند این موفقیت‌های انتخاباتی را به دست آورند. برای پیشگیری از هرگونه سوءتفاهم، لازم است گوشزد کنیم ما با همه سیاست‌های احزاب حاکم در لهستان و مجارستان ضرورتاً موافق نیستیم و قصد نداریم مبلغ نان را به نرخ روز خوردن» و اتخاذ مواضع بینابینی برآی کسب آرای بیشتر بساژیم، اما لازم

موازین اسلامی تاکید نموده و سخنان مقامات جمهوری اسلامی را که برخی از اصول را با موازین اسلامی متعارض می‌دانند رد نموده و در این رابطه اصول سوم و بیست سوم قانون اساسی را مفضلاً مورد بحث قرار می‌دهد.

وی در ادامه مقاله خود این ایده که مردم ایران خواهان آزادی نیستند و آزادی تنها مسئله روشنفکران است را رد کرده و با استناد به تاریخ صد ساله اخیر جامعه ما بر ریشه‌دار بودن این خواست در میان اقشار مختلف مردم تاکید نمود. وی در انتها نظرات خود را در رابطه با سؤال مورد بحث چنین جمع‌بندی نمود:

۱- از یک سو در سطح کلان می‌توان حاکمیت را به رعایت و اجرای نسبی حقوق و آزادیهای اساسی ملت مصرح در فصل سوم قانون اساسی مجبور کرد. البته شیوه‌های عمل باید تابع مقررات و قوانین ناظر بر مبارزات سیاسی، قانونی و مسالمت‌آمیز باشد.

۲- از سوی دیگر می‌توان با طرح مسائل اساسی جریان سازی، زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی لازم را در میان قشرهای مختلف مردم در جهت تسامح و تحمل آرا و عقاید مخالف گسترش داد و بر عمق آن افزود.

۳- جامعه کنونی ایران تمام ویژه‌گیهای یک جامعه متلاطم در حال انتقال را دارد. با طرح و بحث و گفت‌وگو در باره موضوعات اساسی و کلیدی، بدون ورود به مصادیق سیاسی به یک سلسله از جمع‌بندیهای ضروری عام در این موارد دست‌یافت.

۴- در طرح مسائل و موضوعات، لاجرم باید مقتضیات فرهنگی جامعه را در نظر گرفت. ارضای نیازهای روانی و ذهنی روشنفکرانه یک مسئله است و تنفس مفید و زاینده در فضای فرهنگی مقوله دیگریست. نباید به خاطر اولی، دومی را فدا کرد.

دیدیم به این نکته اشاره کنیم که تحلیل واقع‌بینانه و محتاطانه، مانع از این است که نتایج انتخابات در برخی کشورهای اروپای شرقی را طلیعه قدرت‌گیری مجدد جنبش کمونیستی در این کشورها بدانیم.

در روسیه نیز نسبت دادن همه عوامل پیروزی یلتسین در انتخابات به تبلیغات رسانه‌ها، خطاست. بی‌شک این تبلیغات یکجانبه، تأثیری تعیین‌کننده بر نتیجه انتخابات گذاشت، اما این نکته را نیز نباید به فراموشی سپرد که مشی یلتسین در این کشور حدوداً حداقل همان قدر طرفدار دارد که حزب کمونیست. حزب کمونیست روسیه نیز مانند احزاب مشابه در اروپای شرقی، اقتصاد بازار را پذیرفته است و مواضع آن بدون تردید، «پافشاری بر همان اصول و عقاید سابق» نیست، صرفنظر از پاردهای انتقادات بدین حزب، از جمله اینکه کمونیست‌های روسیه به جای مخالفت قاطع با نسل‌کشی ارتش روسیه در چین، در بین دو سیاست‌ناسیونالیسم روس و جانبداری از صلح مردم مانده‌اند. واقعیت این است که حزب کمونیست روسیه نیز نه صرفاً با دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم، بلکه تا حد زیادی با در پیش گرفتن مشی عام‌پسندانه بر آرای خود افزوده است (مگر اینکه حفظ اراضی تسخیر شده توسط تزارها در جنوب امپراتوری روسیه را از دستاوردهای سوسیالیسم بدانیم).

اهمیت نگاه ما به جهان

آیا می‌توان پذیرفت که بحث بر سر نحوه نگرش به جهان در میان نیروهای چپ، یک بحث فرعی است و آنها باید نیروی خود را صرف یافتن اشتراک در سیاست داخلی کنند؟ اگر در مورد هر جنبه سیاسی دیگر چنین باشد، در مورد جبهه چپ چنین نیست.

چپ چند سال است که با ویرانه‌های به جا مانده از فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود مواجه است، و از آنجا هویت خود را با نام و مرام سوسیالیسم گره زده است، ناگزیر است به پرسش‌هایی که در این نوشتار مطرح کردیم پاسخ گوید. همچنانکه در بالا اشاره کردیم، ما مدعی نیستیم که پاسخ همه این پرسش‌ها را یافته‌ایم، اما این را نیز می‌دانیم که پاسخ‌های ما، پاسخ‌های بسیار ساده طرح برنامه حزب توده ایران نیستند. ما بار شکست مشی جنبش کمونیستی در مقیاس جهانی و شکست مشی مشترک حزب توده ایران و سازمان خود در سال‌های پس از انقلاب بهمن را بر دوش خود، سنگین‌تر از آن احساس می‌کنیم که بتوانیم با یک اشاره گذرا به برخی اشتباهات خود در گذشته، مردم را به حمایت از ما علیرغم این خطاها فراخوانیم. ما در جستجوی خود برای یافتن پاسخ‌های نو به پرسش‌های طرح شده در این نوشتار، به برخی اصول و باورهای باز یافته نیز رسیده‌ایم. از آن جمله که باید با هر حکومت دیکتاتوری، صرفنظر از آنکه «به قصد تأمین منافع سرمایه‌داری جهانی» به مردم تحمیل شده باشند یا به مقاصد دیگر، مخالفت کنیم. ما نیز مانند حزب توده ایران، نوعی «بازگشت به اصول» را تجربه کرده‌ایم، اما نه «اصول»ی که مشخصات اقتصادی و سیاسی جهان را محکوم می‌کنند که هشتاد سال و از آن هم فراتر تا پایان حیات سرمایه‌داری، همان مشخصات سال ۱۹۱۶ بمانند، بلکه اصول عمیقاً انسان‌گرایانه‌ای که راهنمای بنیانگذاران مارکسیسم در عزم راسخشان به تغییر و نه فقط تفسیر جهان شدند. این اصول، به ما حکم می‌کنند که حقوق تنکیک‌ناپذیر بشر را در سروحه عمل سیاسی خود قرار دهیم.

می‌توان این اصول را پذیرفت و چپ رادیکال باقی ماند. اما نمی‌توان چنین وانمود کرد که جنبش کمونیستی در تمام طول حیات هشتادساله‌اش، به همه این اصول وفادار بوده است. رد پسا خونینی که انحرافات فاجعه‌بار سوسیالیسم بر جای نهاد، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. تا وقتی این حقیقت را به صدای بلند اعلام نکنیم، کسی تعهد ما به عدم تکرار خطاهای گذشته را جدی نخواهد گرفت.

تحصن ۵۵ روزه...

بقیه از صفحه اول سرکوهی و دیگر ربه‌ده شده‌گان دگراندیش و آزادی فوری آنها، رژیم ایران را تحت فشار قرار دهد.

۳- ایران بعنوان کشوری نا امن شناخته شده و از بازپس‌فرستادن متقاضیان پناهندگی ایرانی به آنجا جلوگیری شود.

خواستهای متحصنین مورد حمایت بیش از ۲۷ حزب، سازمان، انجمن ایرانی و خارجی و از جمله حزب چپ و حزب سبزهای سوئد قرار گرفت.

شورای هماهنگی فدائیان خلق (اکثریت) در سوئد نیز از خواستهای متحصنین حمایت به عمل آورد. رادو فارسی زبان سراسری پژواک و رادیوهای محلی فارسی‌زبان و برخی مطبوعات پرتیراژ این حرکت را منعکس نمودند.

فعالین چپ از جمله در نامه‌ای به وزیر امور خارجه سوئد ضمن بر سر زدن موارد متعدد قتل‌های مشکوک و آدم‌ربایی‌های اخیر رژیم خواستار اقدام عاجل دولت سوئد در جهت برآورده کردن خواسته‌های خود شدند.

تعداد زیادی از ایرانیان مقیم استکهلم با اشکال گوناگون از جمله حضور در محل تحصن از خواستهای آنها حمایت کردند.

تحصن بعد از ۵۵ روز در روز چهارشنبه ۱۵ ژانویه با تجمع در میدان مرکزی شهر و رفتن به وزارت خارجه و تسلیم یک قطعه‌نامه پایان یافت.

قلمرو آزادی بیان

بقیه از صفحه ۱۰ آنها فراهم آورد حتی اگر این امر به بهای صرف نظر کردن موقت از برخی از حقوق باشد.

۸- افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق اساسی و قانونی مندرج در قانون اساسی.

وی در رابطه با بخش دوم و گسترش آزادی بیان اقدامات زیر را ضروری دانست:

۱- گسترش گفت و گوهای نظری در زمینه شناخت شناسی برای تقویت دیدگاه واقع‌باوری انتقادی.

۲- مقابله گسترده با ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه و تغییرهای تمامیت‌خواهانه از دین.

۳- مبارزه سیاسی و فکری برای اصلاح قوانینی که با ابهام خویش امکان سواستفاده صاحبان قدرت و نقض حقوق شهروندان را فراهم می‌آورد.

۴- تقویت جامعه مدنی.

۵- تلاش برای کاهش حدت و شدت ستیزهای اجتماعی.

۶- جلوگیری از تبدیل دولت به کارفرمای بزرگ اقتصادی و همچنین تمرکز و انحصار سرمایه در بخش خصوصی.

ابراهیم یزدی

آقای ابراهیم یزدی چگونگی طرح سؤال را بسیار مثبت ارزیابی نمودند و مطرح نمودند بسیار پر اهمیت است که ما مباحث خود را تنها محدود به اینکه آرمان چیست و

برگ‌هایی در شناخت بهتر شعر

بقیه از صفحه ۶
این اشعار می‌بارد. برخی از شاعران این شعرها به دلایل غیرشاعرانه، شاعرانه شهید شدند. برخی دیگر از آنان خوش‌بختانه زنده‌اند و اگر به بلوغی در شعر رسیده باشند، در بازنگری کارهای خود با دید یک‌پیکانه، دست بالا خواهند گفت که سرایندهان این اشعار آدم‌های خوبی بودند که نیات خیرخواهانه داشتند، اما اشعار آن‌ها از نظر ارزشی میان دو قطب «بی‌ارزش» و «کم‌ارزش» (تا حد فراموشی بعد از خواندن آن‌ها) نوسان دارند.

... شعر سیاسی وجود ندارد؛ تفسیر سیاسی شعر چرا.

بنابراین اگر بخواهیم تصویری بسیار عام و کلی از «شعر سیاسی» بدهیم، باید بگوییم که «شعر سیاسی» می‌تواند هر نوع شعری باشد، که مانند خود سیاست عامل و عنصر تغییر را بپذیرد. با این تفسیر حتا غزل‌های حافظ و مولوی و رباعی‌های خیام هم سیاسی می‌شوند. ویژگی «سیاست» و «سیلان» و «اعتباط» شعر به آن خصوصیت سیاسی می‌دهد. و این ممکن نیست، مگر این‌که «تم» و «موضوع» و «واژه» به شکل منسوری به کار گرفته شوند. در آن صورت است که شعر آن‌جا جهان‌نمایی می‌شود که وضعیت جهان و جهانیان را در هر لحظه از زمان منعکس می‌کند، و این نه فضیلت سیاست، که فضیلت شعر است.

پس از ویژه‌نامه‌ی سعید سلطان‌پور که در میان گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر جای گرفته به نوشتار مهدی استعدادی‌شاد می‌رسیم که عنوان آن «نیم‌رخ از رویا» است و نکاتی است در چند و چون شعر به طور عام و شرح کوتاه و غیرتفادانی جنبه‌ها و زوایای شعر بدلاله و رویایی. سپس نوبت به محمدرضا شفیعی کدکنی می‌رسد تا در مقاله‌ای که برای اولین بار چاپ می‌شود به بررسی «نقش تاریخی و جلالت فردی» بپردازد. شفیعی در جایی از این مقاله می‌نویسد: «هر اثر برجسته هنری ترکیبی است از «خلافت فردی» هنرمند، در یک سوی، و «نقش تاریخی» اثر او از سوی دیگر. آن جوانان ورزیده و با استعدادی که تصور می‌کنند می‌توانند شعری هم‌مانند «زمستان» بشرایند، از این نکته غافلند که گیرم چنان شعرهایی بشرایند، محال است که صد هزار تنی آن شعرها، بتوانند ... جای زمستان را بگیرند، زیرا به لحاظ «نقش تاریخی» «لا‌تکرار فنی‌التجلی»، و در این رودخانه - که بهره‌مندی از نقش تاریخ است - پیش از یک بار نمی‌توان شنا کرد. شاید بعضی از خوانندگان تصور کنند که رابطه‌ی برقرار است میان نقش تاریخی یک شعر و آگاهی خواننده یا شنونده از تاریخ سروده شدن آن، در صورتی که چنین نیست... هر شعری که دارای نقش تاریخی باشد در هر شرایطی که عرضه شود از اصالت برخوردار خواهد بود. شاید بتوان گفت: «نقش تاریخی، همان اصالت است.» به هر حال، تأثیر خاص خود را خواهد داشت. گیرم در تاریخ سروده شدنش نشانی با تاریخی که زیر آن نهاده شده است، تاریخ راستین آن شعر نباشد. نکاتی که کدکنی مطرح می‌کند، جای تأمل دارند، گرچه در برخی از نمونه‌ها و مثال‌هایی که می‌آورد می‌توان اشکال و ایراد وارد کرد.

نسیم خاکسار نیز در این شماره‌ی «گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر» نوشتاری پژوهش‌گرانه دارد با عنوان «وطن» در شعر شاعران تبعیدی» که به جز مقدمه شامل هشت قسمت است با عناوین زیر: اندیشه به وطن در تبعید / نام‌های وطن در شعر شاعران تبعید / جهان یا سرزمین‌های جدا از وطن: مکان تبعید در شعر شاعران / گم شدن آهسته‌ی وطن: وطن آدمی در مه گم می‌شود / جستجوی وطن در چیزهای دیگر / فکر بازگشت به وطن. خاکسار در این ۸ قسمت مدام به شعر شاعران مهاجر رجوع می‌کند. پایان بخش نوشتار خاکسار چنین است: «آیا شعر ما با مفهوم وطن، این پسرمان زنده، با شب‌زنده‌داری و با سرپا ایستادن و خیره شدن به آن درگیر شده است یا ساده‌از کنارش گذشته است؟ وطن آدمی آیا جهانی است که تنها از آدمی است، یا موقعیتی ترازیک است که انسان کنونی عصر ما در

بیان توسعه انسانی سازمان ملل

کشورهای در حال رشد

کشورهای صنعتی

دست آوردها
● از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳ طول عمر متوسط انسان به بیش از یک سوم افزایش یافته است و میزان آن در ۳۰ کشور بیش از ۷۰ سال می‌باشد.
● در ۳۰ سال گذشته تعداد انسانهایی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته‌اند تقریباً دو برابر گشته و از ۳۶٪ به ۷۰٪ رسیده است.

محرومیت‌ها
● در سال ۱۹۹۲ در ۲۴ کشور از ۲۵ کشور صنعتی طول عمر انسانها بیش از ۷۵ سال بوده است.
● حدود ۲ میلیون انسان مبتلا به بیماری ایدز هستند.

آموزش
● جمع کل دانشجویان از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بیش از دو برابر شده و از ۱۵٪ به ۴۰٪ رسیده است.

دست آوردها
● از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳ طول عمر متوسط انسان به بیش از یک سوم افزایش یافته است و میزان آن در ۳۰ کشور بیش از ۷۰ سال می‌باشد.
● در ۳۰ سال گذشته تعداد انسانهایی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته‌اند تقریباً دو برابر گشته و از ۳۶٪ به ۷۰٪ رسیده است.

محرومیت‌ها
● حدود ۲ میلیون انسان مبتلا به بیماری‌های قابل علاج مسری و انگلی از قبیل اسهال، مالاریا و سل می‌میرند.
● بیش از ۹۰٪ انسانهایی که مبتلا به بیماری ایدز هستند در کشورهای در حال رشد زندگی می‌کنند.

درآمد و اشتغال
● بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۲ درآمد سرانه واقعی، سالانه بیش از ۳٪ افزایش داشته است.
● کاهش ارزش پول سالیانه در دهه ۸۰ بطور متوسط زیر ۵٪ بوده است.

آموزش
● بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۱ تعداد دانش آموزان دوره ابتدایی بیش از دو سوم افزایش یافته و از ۲۸٪ به ۷۷٪ رسیده است.

آموزش
● هنوز هم میلیونها کودک از رفتن به مدرسه محرومند. ۱۳۰ میلیون کودک در دوره ابتدایی و ۲۷۵ میلیون در دوره متوسطه درس می‌خوانند.

زنان
● بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ تعداد زنان در رشته‌های علمی و صنعتی بیش از دو برابر افزایش یافته و در کنار ۱۰۰ دانشجوی مرد در گذشته ۲۵۰ دانشجو زن قرار دارند.

تغذیه
● تقریباً ۸۰۰ میلیون انسان به اندازه کافی غذا برای خوردن ندارند و حدود ۵۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه مزمن هستند.

تأمین آب آشامیدنی
● در سال ۱۹۹۰، ۱۳۰ هزار مورد تجاوز ثبت می‌گردد.
● هر یک نفر پنج کتاب کتابخانه و یک رادیو و هر دو نفر یک تلویزیون در اختیار دارند. از هر سه نفر یک نفر روزنامه می‌خواند.

تولید
● حدود یک سوم جمعیت جهان (۱/۳ میلیارد انسان) در فقر زندگی می‌کنند.
● از ۱۰۰ هزار مادر به هنگام زایمان ۳۸۴ نفر می‌میرند و این مقدار برای بیشتر از کشورهای صنعتی است.

تأمین آب آشامیدنی
● در سال ۱۹۹۰، ۱۳۰ هزار مورد تجاوز ثبت می‌گردد.
● هر یک نفر پنج کتاب کتابخانه و یک رادیو و هر دو نفر یک تلویزیون در اختیار دارند. از هر سه نفر یک نفر روزنامه می‌خواند.

تولید
● حدود یک سوم جمعیت جهان (۱/۳ میلیارد انسان) در فقر زندگی می‌کنند.
● از ۱۰۰ هزار مادر به هنگام زایمان ۳۸۴ نفر می‌میرند و این مقدار برای بیشتر از کشورهای صنعتی است.

تأمین آب آشامیدنی
● در سال ۱۹۹۰، ۱۳۰ هزار مورد تجاوز ثبت می‌گردد.
● هر یک نفر پنج کتاب کتابخانه و یک رادیو و هر دو نفر یک تلویزیون در اختیار دارند. از هر سه نفر یک نفر روزنامه می‌خواند.

تولید
● حدود یک سوم جمعیت جهان (۱/۳ میلیارد انسان) در فقر زندگی می‌کنند.
● از ۱۰۰ هزار مادر به هنگام زایمان ۳۸۴ نفر می‌میرند و این مقدار برای بیشتر از کشورهای صنعتی است.

تأمین آب آشامیدنی
● در سال ۱۹۹۰، ۱۳۰ هزار مورد تجاوز ثبت می‌گردد.
● هر یک نفر پنج کتاب کتابخانه و یک رادیو و هر دو نفر یک تلویزیون در اختیار دارند. از هر سه نفر یک نفر روزنامه می‌خواند.

تولید
● حدود یک سوم جمعیت جهان (۱/۳ میلیارد انسان) در فقر زندگی می‌کنند.
● از ۱۰۰ هزار مادر به هنگام زایمان ۳۸۴ نفر می‌میرند و این مقدار برای بیشتر از کشورهای صنعتی است.

وحدت دو حزب دمکرات کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران حزب همه مبارزان دمکرات بوده و به این ترتیب آرزوی دیرینه‌ی توده‌های مردم کردستان و دوستان آن حزب به تحقق پیوسته است.
در این اقتضا، بر خود لازم می‌دانیم از کلیه‌ی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی کرد، ایرانی و خارجی که طی چند سال گذشته در جهت وحدت دوباره‌ی مبارزان دمکرات تلاش نموده و به این ترتیب دل‌بستگی خود نسبت به یکپارچگی حزب دمکرات را نشان داده‌اند، از صمیم قلب تشکر نماییم.
از سوی روابط عمومی شورای مرکزی سازمان ما به مناسبت وحدت دو حزب دمکرات کردستان ایران پیام تبریکی برای کمیته مرکزی این حزب ارسال شد.

بقیه از صفحه اول
زیبانه‌ی بزرگی بر جنبش ملی - دمکراتیک مردم کردستان ایران وارد آورد. لیکن به یمن تلاش و کوشش دوستان حزب و دوستان خلق کرد، خوشبختانه در بهار ۱۳۷۴ باب گفت و شنود برای حل این مشکلات گشوده شد و بعد از چند جلسه و تبادل نظر، طرفین توافق کردند که به پدیده‌ی وجود دو سازمان بنام حزب دمکرات کردستان ایران خاتمه داده و همه مبارزان دمکرات برای تحقق بخشیدن به شعار دیرینه‌ی حزب «دمکراسی برای ایران» و خودمختاری برای کردستان» در صفی متحد و یگانه به مبارزاتی خود ادامه دهند. از اینرو با خوشحالی به همه دوستان حزب و خلق کرد در کردستان ایران و کلیه‌ی دل‌بستانان صلح و آزادی مژده می‌دهیم که از تاریخ انتشار این بیانیه،

ارزش نظری آن را اینچنین و آنجا در سایه قرار می‌دهد و ذهن خواننده را به گسترده‌های فرعی می‌کشاند. صفحات ماقبل آخر گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر به پاسخ به نامه‌ها و نیز «نق زدن‌ها» اختصاص دارد. ستون «نق زدن‌ها» به انتقاد تلگرافی سردبیر از برخی از مقاله‌های منتشر در همان شماره اختصاص دارد، بدعتی که در نشریات جدی شرق و غرب عالم کمتر می‌توان سراغ گرفت و شاید حاکی از گندذهن‌انگاشتن خواننده و نابوری به درک و قوه‌ی داوری او باشد. در زمینه‌ی شعر و شاعری، یک یا دو مطلب به زبان انگلیسی و شعرهایی به زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسوی مطالب واپسین صفحات گاه‌نامه را تشکیل می‌دهند. شماره‌ی سوم «گاه‌نامه‌ی ویژه‌ی شعر» از روند فرارونده و تکاملی این نشریه حکایت دارد و پررتر شدن آن چیزی نیست که از دیده‌ها پنهان بماند. همه‌ی کسانی که به شعر و شاعری و مباحث مربوط به این زمینه‌ها علاقه دارند و نیز آن‌هایی که خواهان افزایش درک حسی، نظری و زیباشناسانه‌ی خود از شعر هستند می‌توانند در این گاه‌نامه مطالبی سودمند بیابند. آدرس آن به قرار زیر است:

Lahuli Kulturverein e.V.
Postfach 101457
60014 Ff/M
Germany

اطلاعیه

از علاقمندان به دریایی میز کتاب در محل برگزاری جشن بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران، دعوت می‌کنیم درخواست خود را همراه با شماره تلفن و یا فاکس حداکثر تا ۳۰ ژانویه به شماره فاکس ۰۲۲۱۳۳۱۸۲۹۰ ارسال نمایند.
با توجه به محدودیت جا به تعداد معینی از درخواست‌کنندگان توسط ستاد پاسخ‌دهی داده خواهد شد.
ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ساموئل هانتینگتون و تئوری جنگ فرهنگ‌ها

برزو

عراق نداشت، در حالی که سایر فرهنگ‌ها، مانند فرهنگ بودایی (که معلوم نیست هانتینگتون آن را جزئی از فرهنگ چینی - کنفوسیوسی می‌داند یا متعلق به قلمرو هندویی)، همانندگی با طبیعت را همواره از ارزش‌های مهم دانسته‌اند. امروز، جامعه جهانی این اصل را نیز در زمره اصول جهان‌شمول خود گنجانده است. چه آقای هانتینگتون به چنین اصول جهان‌شمولی قائل باشد یا نه.

سناریویی که هانتینگتون در کتاب خود برای جنگ آینده جهانی ترسیم کرده است، از همه وجه دیگر نظریات او مبتدل‌تر و مضحک‌تر است. هانتینگتون این سناریو را به عنوان یک احتمال، در کتاب خود چنین بسط می‌دهد: چین در دعوای بر سر نفت فلات قاره، به ویتنام حمله می‌کند، ویتنام از واشنگتن کمک می‌خواهد (هانتینگتون، محلیانه چنین سناریوی را ساخته است تا حساسیت‌های تاریخی در غرب آمریکا نسبت به جنایات ارتش آمریکا در ویتنام به عنوان نمونه‌ای از توسعه‌طلبی، خشنی سازد)، یکی از آخرین ناوهای هواپیمابر باقی‌مانده آمریکا در منطقه، عازم منطقه بحران می‌شود، اما ژاپن به آمریکا اجازه استفاده از پایگاه‌هایش در این کشور را نمی‌دهد. هند با استفاده از فرصت، به پاکستان حمله می‌کند. در کشورهای اسلامی، یک موج ضدغربی اوج می‌گیرد و آخرین دولت‌های میانه‌رو عرب به دست بنیادگرایان سرنگون می‌گردند. یک حمله بزرگ به اسرائیل انجام می‌گیرد. کشورهای اروپایی، از پیوستن به آمریکا در این جنگ خودداری می‌کنند و با پیوستن ژاپن به چین، جنگ جهانی آغاز می‌شود.

هر کس که این سناریو دور از ذهن را به عنوان یک احتمال واقع‌بینانه ارزیابی کند، از دیدگاه هانتینگتون قاعدتاً باید چنین نتیجه بگیرد که اولاً لازم است آمریکا حضور نظامی خود را به عنوان «نیروی نظامی‌سازنده» در قلمروهای سایر «تمدن‌های دشمن» حفظ کند تا آنها به فکر تجاوز به دیگران نیفتند و ثانیاً اروپایی‌ها باید رهبری آمریکا را در این جهان که در آن مرزهای خونی، تمدن غرب را از دیگر تمدن‌های جدا می‌کند، بپذیرند.

می‌جنگند و جان می‌دهند» و نقش منافع اقتصادی، نقش فرعی است. خبرنگار اشپیگل در مصاحبه با هانتینگتون به او یادآور می‌شود که نظریه او، بیش از آنکه قاعده داشته‌باشد، استثنا دارد، و به عنوان نمونه‌هایی از جنگ‌های پس از پایان جنگ سرد که با تئوری هانتینگتون سازگار نیستند و آنگونه که هانتینگتون می‌گوید، در امتداد مرزهای فرهنگ‌ها رخ نداده‌اند، از جنگ کویت، درگیری هوتوها و تووتسی‌ها در رواندا، مبارزه کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در ایرلند و جنگ طالبان با سایر نیروها در افغانستان نام می‌برد. هانتینگتون تنها به یکی از این موارد پاسخ می‌دهد و بر خلاف واقعیات مسلم، مدعی می‌شود که ایران در جنگ کویت از عراق حمایت کرده است. این دروغ یا بی‌دقتی آشکار، شایسته کسی که دارنده یک کرسی استادی در یک دانشگاه معتبر است نیست. اینجاست که آشکار می‌شود هدف هانتینگتون نه اثبات یک تئوری علمی، بلکه نشان دادن یک ایدئولوژی جدید به جای ایدئولوژی کمونیسم‌ستیزی در دورانی است که خود او مدعی است در آن دیگر اعتبار ایدئولوژی‌ها به سر رسیده است.

هانتینگتون مدعی است جوهر تمدن غرب، «ماگنا کارتا» است و نه فرهنگ مصرفی (ماگنا کارتا، عنوان منشوری است که در سال ۱۲۱۵ میلادی با آن اشراف و روحانیون انگلیس، برخی حقوق مدنی و سیاسی را از جان، پادشاه این کشور گرفتند و آغاز عصر پارلمان‌تاریسم محسوب می‌شود). وی می‌گوید احترام به حقوق بشر، از ویژگی‌های فرهنگ غربی است و نه یک ارزش جهانی. این نظریه هانتینگتون قاعدتاً باید با مذاق آخوندهای ایرانی نیز که منکر معیارهای جهان‌شمول حقوق‌انسانی‌اند، سازگار باشد.

نشر کتاب «جنگ فرهنگ‌ها» نوشته ساموئل هانتینگتون، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد آمریکا، در آمریکا و اروپا بحث‌های گسترده‌ای را درباره تئوری رابرت هانتینگتون آن را «مهم‌ترین قطب‌نما برای جهت‌یابی در نقشه سیاسی جدید جهان» می‌نامد، برانگیخته است. موافقان و مخالفان نظریه هانتینگتون در نشریات و سایر رسانه‌های گروهی به طرح و نقد محتوای کتاب او پرداخته‌اند. از آنجا که اکنون به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از محافل حاکم در آمریکا و اروپا به پذیرش نظریات هانتینگتون تمایل نشان می‌دهند (کسینجر، وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، کتاب «جنگ فرهنگ‌ها» را «از مهم‌ترین کتاب‌ها از پایان جنگ سرد بدین سو» نامیده است)، نقد این نظریات با استناد به آخرین اظهارات هانتینگتون در سفر اخیرش به اروپا ضروری به نظر می‌رسد.

هانتینگتون با هفته‌نامه آلمانی اشپیگل مصاحبه‌ای داشت که در آن می‌توان خلاصه نظرش را خواند. وی معتقد است دوران ایدئولوژی‌ها به سر رسیده است و پس از پایان جنگ سرد، این سرخورد فرهنگ‌هاست که تعیین‌کننده سمت و سوی روندهای جهانی است. هانتینگتون، جهان را به قلمرو هفت یا هشت فرهنگ تقسیم می‌کند: فرهنگ غربی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ چینی، فرهنگ ژاپنی، فرهنگ هندو، فرهنگ اسلاو - ارتدکس، فرهنگ آمریکای لاتین و احتمالاً فرهنگ آفریقای. وی می‌گوید فرهنگ چینی - کنفوسیوسی در آینده نزدیک با جهان اسلام متحد خواهد شد و رویارویی این اتحاد با غرب، به «مهم‌ترین رویارویی آتی جهان» تبدیل خواهد گشت. نتیجه‌گیری‌های سیاسی هانتینگتون از این تئوری این است که آمریکا باید متحد شود، آمریکا باید مشی کاستن از تسلیحات را که از سال‌های پایان جنگ سرد آغاز شده است ترک کند، غرب باید به جای اینکه بکوشد معیارهای خود را جهانی سازد، در درون خود قدرتش را تحکیم نماید، به سبیل مهاجرت از سایر قلمروهای فرهنگی به غرب پایان دهد و از اندیشه یک جامعه فرهنگی دست بکشد.

این نتیجه‌گیری‌ها، به مذاق نیروهای راست‌گرا در غرب بسیار خوش آمده است. اولاً سناریوی هانتینگتون برای جهان آتی، کساکان یک سناریوی نظامی - قهرآمیز است و صرف مبالغه‌گفتن برای تسلیحات را توجیه می‌کند. ثانیاً تصویری که «جنگ فرهنگ‌ها» از جهان ارائه می‌دهد، رد پای عمیق نژادپرستی در برخورد با انسان‌هایی دارد که به گونه‌ای با الگوهای مانوس جوامع غربی متفاوت‌اند (بحث درباره جامعه چندفرهنگی که نیروهای راست حاضر به پذیرش واقعیت وجود آن نیستند، یکی از مباحث محوری اجتماعی در برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان است). ثالثاً در اتحاد اروپا و آمریکا، بدیهی است که باید با توجه به خصلت نظامی‌دگرگونی‌های تصویر شده آتی، نقش رهبری را به آمریکا داد که بدین طریق جای شوری به مشابه تصویر دشمن، پر می‌شود. و بالاخره، نباید از یاد برد که تئوری‌های توجیه‌گر سرمایه‌داری، از هر نظریه‌ای که تضاد ثروت و فقر را تحت‌الشعاع قرار دهد، استقبال می‌کنند. هانتینگتون مدعی است انسان‌ها «برای ایمان خود

گوناگون

بازی عوامفریبانه با آمار و ارقام

باشد، بیشتر از آن هم نیست. چنان که مشاهده می‌شود، مسئله مهمی همچون میزان رشد جمعیت که تأثیر عمده‌ای در برنامه‌ریزی کوتاه و درازمدت هر حکومتی دارد به راحتی در جمهوری اسلامی دستکاری شده و قربانی مصلحت‌های تبلیغاتی می‌شود. گفتنی است که کارشناسان سازمان ملل بر اساس آمار و ارقام و محاسبات متعارف، رقم جمعیت ایران در سال ۱۹۹۳ را ۶۲ میلیون نفر اعلام کرده بودند. مورد دیگر، میزان بدهی‌های خارجی جمهوری اسلامی است. در ابتدا مقامات رژیم کلاً منکر چنین بدهی‌هایی بودند. بعدها که دیگر جای انکار نماند از ۱۰ میلیارد شروع کردند و آهسته، آهسته بالا آمدند، اما عمدتاً در همان حول و حوش ۲۰ میلیارد دلار متوقف شدند. رفسنجانی در مصاحبه اخیر خود با اشپیگل رقم بدهی‌های خارجی را بسیار ناچیز اعلام کرد و اگر حافظ گوناگون نویسنده اشتباه نکند از ۱۶ میلیارد دلار سخن گفت. اما هفته پیش که مجلس شورای اسلامی در باره بودجه سال ۱۳۷۶ شور می‌کرد، مخر کمسیون خاص بودجه اعلام کرد که تا پایان برنامه دوم (۳ سال دیگر) حدود ۸ میلیارد و ۶۴۰ میلیون دلار از سقف تعهدات خارجی ایران کاسته خواهد شد و تازه آن زمان رقم بدهی‌های کشور به ۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. و این همه قرض و قروضی است که به جای استفاده از آن در راه توسعه صنعتی و کشاورزی کشور صرف ورود کالاهای لوکس و یا اقلامی گردیده که خودمان در داخل مشابه‌اش را تولید کرده‌ایم و با ورود کالاهای خارجی که معمولاً قیمت ارزاتر و احتمالاً کیفیت بالاتری هم دارد تولیدش متوقف و کارخانه‌اش ورشکست شده است. حکایت از نفیشتن استقراضی و وارداتی جمهوری اسلامی است. باری، ماجرای ور رفتن جمهوری اسلامی با آمار و ارقامی که به حیات و سرنوشت یک کشور مربوط می‌شود، منحصر به یک یاد و مورد نیست و شرح همه آنها مثوبی هفتادمی خواهد شد.

این را دیگر خواجه حافظ هم می‌داند که در جمهوری اسلامی آمار و ارقام تابعی از مصلحت‌ها و نیازهای تبلیغاتی حکومت هستند. از این رهگذر ارقام مربوط به رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی و پیشرفت‌های عمرانی و آموزشی و ... ماهانه و گاه روزانه بالا کشیده می‌شوند و برعکس شمار بیسوادان، تعداد جمعیت، میزان بدهی‌های خارجی، موارد فساد و فحشا و زدوی و قتل و جنایت و ... پیوسته پائین آورده می‌شوند. چه می‌شود کرد، حکومت عدل فقهاست و تبلیغات و عوامفریبی هم جز لاینفک آن. خوانندگان ما حتماً یادشان هست که سال ۱۳۶۵ که اولین سرشماری جمعیت در جمهوری اسلامی انجام شد، نرخ رشد جمعیت ۳/۹ درصد و کل جمعیت کشور ۴۹/۵ میلیون نفر اعلام گردید و معلوم شد که افزایش نفوس ایران در دوران حکومت فقها از کل افزایش جمعیت در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵ پیشی گرفته است. فقهای «عزیز» خود هم از اینکه رشد سریع جمعیت و عدم ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای فزاینده مردم پایه‌های حکومتشان را سست کند به وحشت افتادند و بر خلاف همه احکام و فتاوا و شعارهای پیشین خود به کنترل جمعیت رضایت دادند. از سال ۱۳۶۷ که این کنترل به مورد اجرا گذاشته شد تاکنون بارها جمهوری اسلامی در بوق و کرنا دمیده است که رشد جمعیت در عرض همین مدت اندک از ۳/۹ درصد به ۱/۷ درصد رسیده و بعضی مواقع هم حتی از ۱/۵ درصد سخن گفته می‌شود، کاهشی که از نظر کارشناسان با معجزه هم نمی‌توان به آن دست یافت. در چارچوب همین بازی عوامفریبانه با ارقام، آخرین آمار جمعیت کشور که حدود ۶۱ میلیون نفر اعلام شده بود، در پی سرشماری امسال به ۵۹/۵ میلیون نفر کاهش داده شد. این کاهش یا باید نتیجه رشد منفی جمعیت باشد و این یعنی زاد و ولد کمتر از میزان مرگ و میر بوده است، امری که با همان رقم رشد ۱/۷ درصدی که خود رژیم اعلام کرده نمی‌خواند. و یا این که باید آمار سرشماری سال ۱۳۷۰ غلط باشد که آن هم با توجه به حساسیت‌های تبلیغاتی رژیم اگر کمتر از رقم واقعی واقعه‌ی شده

نصیحت نافرجام

می‌تواند منشأ سرطان شش و سکنه قلبی باشد. به ویژه کودکان و جنین به سختی از دود سیگار آسیب می‌بینند. واقعیات فوق را بسیاری از خود سیگاری‌ها هم می‌دانند و نسبت به آخر و عاقبت سلامت خود و خانواده و دوستان خویش هم بی‌اعتنا نیستند، لیکن ترک و رها کردن دود هم برایشان آسان نیست. نصیحت کردن آن‌ها هم آب در هواون کوبیدن و مصداقی از شعر «نصیحت» است که پیچاموراتی شاعر معاصر هند سروده و صغیر تقی‌زاده به فارسی برگردانده است: پدر بزرگ به پدرم گفته بود: «سیگار نکش!» / او نیز همانگونه مرا نصیحت کرد. / من نیز به نوهی خود، پسر مرا / باور کنید، / واقعیت این است که / همه‌ی ما سیگاری شدیم / سیگارهای گران‌قیمتی کشیدیم. / باور نداری اگر، / از نوادم بی‌رس.

اگر دیدید فرد بغل‌دستی اتان سیگاری روشن کرد بدانید که اگر آن را تا به آخر بکشد ۴۰۰۰ ماده شیمیایی را وارد هوای اطراف خواهد کرد که دست کم ۴۰ تا آن‌ها سرطان‌زا هستند. فرد سیگاری با هر پکی که به سیگار می‌زند، تنها یک چهارم دود تولیدی را به داخل ریه‌ها می‌کشد و سه چهارم آن را بیرون می‌دهد.

دود سیگار برای کسی که خود سیگاری نیست، می‌تواند علاوه بر آزاردهندگی موجب سردرد، اختلال تنفسی، سرفه، سرگیجه و برنشیت شود. وجود مواد شیمیایی موجود در دود سیگار در خون، ارادار و بزاق فرد غیر سیگاری که دائم در میان سیگاری‌ها به سر می‌برد از طریق یک تست آزمایشگاهی قابل اثبات است. پژوهش‌های متعددی که از ۱۰ سال پیش جریان داشته‌اند ثابت می‌کنند که فرو دادن ناخواسته دود سیگار

اگر سعدی زنده می‌شد

تو که گفته‌ای تأمل نکنی جمال خوبان بکنی اگر چو سعدی نظری بیازمایی من از آن گذشتم ای دوست که بشنوم نصیحت برو ای فقیه و بسا ما مفروش پارسایی

آن چه که سعدی از آن انتقاد می‌کرد، امروز فقهای ما با شدت بیشتری به مورد اجرا گذاشته‌اند. این که آنان حتی تحمل شنیدن آوای زنان را هم ندارند حکایت از سنگوارگی حسن زیباشناسی در آنها و بلاغتیر ماندن آن از زمان سعدی قید و بیشتر از آن دارد. احکام این فقها هنگامی که به سطوح اجرایی می‌رسد و از سوی حزب‌اللهی‌ها هوادار آن‌ها مورد شرح و تفسیر قرار می‌گیرد دیگر نور علی‌النور می‌شود. مثلاً خانم پروانه نظرعلی که مسئولیت اداره ورزش بانوان استان تهران را به عهده دارد در مورد حد مجاز ورزش بانوان می‌گوید: «این‌ها را ما نمی‌توانیم تعیین کنیم. فقها تعیین می‌کنند که کدام می‌تواند باشد و کدام نمی‌تواند باشد». و بعد در مورد علت مجاز بودن اسپسواری برای بانوان و ممنوعیت دوچرخه‌سواری برای آن‌ها می‌گوید: «اسپسواری مثل این است که یک مسجسه روی اسب گذاشته شده است. نهایت یک خم شدن به جلو دارد حرکتی که بدن زن را نشان بدهد، جایز نیست ... من معتقدم که زن می‌تواند سمل نگاه پشودولی مرد نه. دنیا هم به این حرف رسیده است ... زن ویژگی‌هایی دارد که خودش تحسینش می‌کند؛ ولی مرد ندارد. ببخشید آقایان چه زیبایی دارند که مثلاً کسی ببیند ناراحت شود یا فکرس منحرف شود؟» (ماهنامه زن/ شماره ۳ / ص ۱۱) و آقای بهمن پشینی‌زاده که با تفسیر برنامه‌های تلویزیونی ورزش زنان سر و کار دارد و خودش هم ظاهراً از احکام فقها به سرگیجه دچار شده، در مورد علت قطع پخش ورزش و نرمش بانوان می‌گوید: «یک مقدار محدودیت داریم در تصور کردن ورزش بانوان. ما داریم روی یک انیمیشن کار می‌کنیم برای سری آینده». خبرنگار می‌پرسد: پرسوناژهای انیمیشن شما زن هستند؟ یا بخشی زاده پاسخ می‌دهد: بله، قطعاً. خبرنگار به کنایه می‌گوید: خوب، آن‌ها هم اگر حجاب اسلامی نداشته باشند، اشکال دارد. بخشی‌زاده: بله ولی چون نقاشی است، قابل کنترل است. (همانجا/ ص ۳۶ و ۳۷)

در باره این که حس زیبایی شناسی و لذت از زیبایی از کی و کجا در انسان‌ها پدید آمده فرضیه‌ها و تئوری‌های گوناگونی وجود دارد. یکی از این فرضیه‌ها را نویسنده و نقد نویس ایرانی، بهمن بازرگانی اخیراً در شماره ۳۰ فصل‌نامه «نگاه نو» به بررسی و تشریح گرفته و می‌نویسد: «انسان‌های اندیشه‌ورز نوین (ثاندرتالها) نخستین انسان‌هایی هستند که مرگ را نفرین سرنوشت دیدند و ناگهان فضای هراس از مرگ به وجود آمد، تشدید شد و گسترده شد. آنها نخستین جانداران این سیاره بودند که به مرگ به عنوان پدیده‌ای انتزاعی نگرستند. از آن پس هیولای مرگ جان‌ستان زاده شد. ... (اما) آنها با آشنادایی از قدرت پاروری زنانگی، باطل‌السحر مرگ را کشف کردند ... اگر عفريت مرگ آدم‌ها را یکی به یک در کام خود می‌کشید و به بنام و نشان می‌برد، زنانگی جادویی مدام در کار آفرینی هستی بود ... آشنادایی از قدرت پاروری زنانگی، روابط درون‌گله‌های بشری را چندان دگرگون کرد و به جای خشونت سترون مردانه خلاقیت زایای زنانه را نشانید که دیری نگذشت و انقلاب زیباشناسی به بار نشست و برای نخستین بار این موجود دویا توانست تحسین کند؛ پدیده‌ای که تا آن زمان در هیچ جنبه‌های مشاهده نشده بود ... این کشف که بر انقلاب زیباشناسی است، راه را برای گسستن دانشی از روابط حیوانی و روان حیوانی هموار کرد و تکوین روابط اجتماعی و روان بشری را تسریع کرد».

می‌توان با اصل و اساس این نظریه موافق نبود، اما شک نمی‌توان داشت که توان لذت بردن از زیبایی خصیصه‌ای است که هر چه در انسان‌ها قوی‌تر باشد روان و شخصیتی استوارتر نرم‌خوتر و چند سویه‌تر به آن‌ها می‌دهد. راه دوری نیرویم بخشی از خشونت و رفتار و کردار خشک و عبوسانه فقهای حاکم بر ایران ناشی از همین کاستی حس زیباشناسی در آن‌هاست. پدیده‌ای که به امروز و دیروز بر نمی‌گردد و برای مثال از سعدی استاد اجل تا ایرج میرزا و ... با این نقصان آخوندها به کنایه و یا به صراحت در افتاده‌اند. سعدی خطاب به همین فقهاست که می‌گوید: که گفت بر رخ خوبان نظر خطا باشد؟ خطا بود که نیند روی زیبا را و یا در جای دیگر می‌سراید:

هانتینگتون مدعی است جوهر تمدن غرب، «ماگنا کارتا» است و نه فرهنگ مصرفی (ماگنا کارتا، عنوان منشوری است که در سال ۱۲۱۵ میلادی با آن اشراف و روحانیون انگلیس، برخی حقوق مدنی و سیاسی را از جان، پادشاه این کشور گرفتند و آغاز عصر پارلمان‌تاریسم محسوب می‌شود). وی می‌گوید احترام به حقوق بشر، از ویژگی‌های فرهنگ غربی است و نه یک ارزش جهانی. این نظریه هانتینگتون قاعدتاً باید با مذاق آخوندهای ایرانی نیز که منکر معیارهای جهان‌شمول حقوق‌انسانی‌اند، سازگار باشد.

نکته را از یاد برده است، و آن این است که آنچه امروز به عنوان معیارهای جهانی حقوق بشر شناخته شده است، تنها دستاورد تمدن بشری در یک محدوده جغرافیایی محدود یعنی غرب نیست، مگر پرفسور هانتینگتون نمی‌داند که حقوق مساوی افراد بشر صرفاً از تعلق نژادی آنان، تا همین سی - چهل سال پیش رسماً از سوی مقامات کشور وی انکار می‌شد و تا همین امروز، رگه‌های نژادپرستی در اندیشه و «فرهنگ» میلیون‌ها تن از حاملان «تمدن» غربی وجود دارد؟ هر کس که کوچکترین آشنایی با تاریخ داشته باشد، می‌داند که تمدن موسوم به تمدن اسلامی (یا بهتر بگوییم تمدن در قلمرو اسلام) در همان سال‌های «ماگنا کارتا» جلوه‌های درخشانی از شکبایی اجتماعی و شکوفایی علمی و اقتصادی به فرهنگ بشر ارائه داده است که دستاوردهای آن امروز همانقدر در ارزش‌های جهان‌شمول جای دارد که دستاوردهای غرب. به عنوان نمونه، برابری نژادی ارزشی است که برای نخستین بار، تمدن اسلامی آن را با تأکید مطرح کرده‌است. پیچیده نبود که در اوج مبارزات سیاهان آمریکا علیه نژادپرستی، بسیاری از انسان از مسیحیت، دین اکثریت سفیدپوست گسستند و به اسلام روی آوردند. نمونه دیگر، فرهنگ سازگاری با طبیعت، پرهیز از غارت منابع آن و قناعت‌پیشگی است. این فرهنگ، بی‌شک تا ۱۰ - ۲۰ سال گذشته در فرهنگ غرب محلی از

می‌تواند حضور داشته باشد. این قانون عملاً وجود سندیکا مستقر را غیرممکن می‌کند.

هفته گذشته سندیکاهای اروپایی هیبتی را به سه سوال فرستادند و با خواسته‌های کارگران این کشور که بسیار مشابه خواسته‌های کشورهای صنعتی است اظهار همتبستگی کردند.

مبارزه راتا سقوط دولت کره ادامه خواهد داد. سندیکای دیگر کره جنوبی FKTU با ۱/۲ میلیون عضو، دولتی است. طبق قانون کار دولت کره در هر محل کار فقط یک سندیکا

مقاومت بیسابقه ...

مقاومت بیسابقه ...

مقاومت بیسابقه ...

مقاومت بیسابقه ...

قلمرو آزادی بیان

نشریه کیان که نظرات بخشی از روشنفکران مذهبی در داخل کشور را منعکس می‌کند، در شماره اخیر خود این سوال را «برای حفظ و گسترش آزادی بیان چه می‌توان کرد؟» با بخشی از صاحب‌نظران اسلامی در میان گذاشته و پاسخ آنها را درج نموده است. کیان در توضیح این موضوع نوشته است:

«در جامعه ما دو نگاه متفاوت به موضوع ربط آزادی بیان و دین شده است. نخست رویکردی که استمرار احیای دین و تقویت گفتار دینی را همچنان در آزادی بیان جستجو می‌کند و دوم رویکردی که دین را به صورتی تازه‌ای از مشروعیت پیشین نظم سیاسی تبدیل می‌کند و ادامه آمده است که این سوال با پاره‌ای از صاحب‌نظران اسلامی دو طیف حوزه‌ای و دانشگاهی مطرح گردید که از طیف اول علیرغم پیگیری‌های مداوم، پاسخی ندادند و از طیف دوم پاسخ‌هایی دریافت شد.»

مرتضی اسعدی:

آقای مرتضی اسعدی (که چند هفته پیش درگذشتند) مطرح نمودند که بنا بر دیدگاه‌های اسلامی (ولو آنکه به صورت ایدئولوژی هم درنیامده باشند) انسان مخلوق خداوند و خلیفه الله و لذا کارگزار خداوند در اجرای قواعد و قوانینی است که خود وضع نکرده است. قول به این چنین وضعیت و جایگاهی برای انسان در هستی اساساً و قطعاً با قول به آزادیهای مطلق یا بسیاری از انواع آزادیهای پر دامنه و متکثر و پر دامنه برای انسان در جوامع دینی بخصوص در جوامع اسلامی شریعت و فقه حد آزادی است. قول به ضرورت آزادی‌های مطلق و متکثر و پر دامنه برای انسان اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا قانون اساسی فرانسه در قرن هجدهم و در همه تحولات اجتماعی - سیاسی پس از آن در غرب مبتنی بر نوع هستی‌شناسی غیردینی و یا در واقع ضد دینی بود که از رنسانس تا عصر روشنگری در غرب تکوین و تبلور یافته بود. قضیه سلمان رشدی به بهترین وجهی و جبهی تناقض جوهری این دو نوع نگرش را نشان می‌دهد. از دیدگاه غرب سلمان رشدی از همه انواع حقوق و آزادیهای مفروض یا مدون قانون اساسی بعنوان یک تبعه انگلیس برخوردار است و حق دارد در مقام نویسنده حرفه‌ای بزند و هیچ‌کس حق مداخله او را ندارد. اما از نظر اسلام و جوامع اسلامی سلمان رشدی مسلمان زاده و لذا ملزم به رعایت الزامات شریعت است. و در جوامع ما تا بحال به این گره‌گاہها یعنی مغایرت‌های جوهری میان دو نوع هستی‌شناسی غربی و اسلامی و مالا دو نوع تعریف از انسان و حدود و حقوق او در غرب و جوامع اسلامی بی‌توجهی شده است. ولی از آنجا که کشورهای اسلامی تماماً بر اساس الگوهای اسلامی شکل نگرفته و تحول نیافته‌اند و امروز با وام‌گیری‌های فراوان از مفاهیم و

ناصر ایرانی:

آقای ناصر ایرانی در پاسخ خود مطرح نمودند که آزادیهای فردی و اجتماعی و از جمله آزادی بیان، نزد انسان معاصر چندان عزیز است و از چنان احترام و حتی قدوسی برخوردار است که نه تنها هیچ انسان پرخوردار است که نه تنها هیچ انسان آزمانگرایی با فرهنگی نیست که دل‌بسته و پایبند آن آرمان بزرگ نباشد بلکه همه مستبدان زیرک نیز با شعار آزادی هدف استبدادیشان را پوشانده‌اند. ولی باید بر حقایق نیز تاکید کرد که نه خوشایندند و جامعه دوست ندارد آنها را بشنود. اگر تاکید شود قدرتمندان زورمدار در تاریخ ایران همواره نفس آزادیخواهان را در سینه حس کرده‌اند طبیعی است که آنها همان کرده‌اند که می‌پایست می‌کردند ولی مردم در دفاع از آزادی چه کرده‌اند و مهمتر از این پرسش در هر دوره کوتاه یا دراز که بدلیل فروپاشی نظامهای استبدادی امکان پیدا کرده‌اند با موهبت آزادی چه کرده‌اند.

وی سپس به تفصیل سه فرصت بزرگ صدسال اخیر، فرصت پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، فرصت پس از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ و فرصت پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بررسی کرده و بر این امر تاکید کرده که در همه این فرصتها هرج و مرج و آشوب غالب گردیده و عمده‌ترین جریانهای بظاهر آزادیخواه در هر دوره اعتقادات استبدادی و توتالیتر خود را در لوی آزادی پنهان داشته‌اند. وی بر مسئولیت روشنفکران انگشت گذارده و مطرح نمود که تنها قدرتمندان زورمدار نبوده‌اند که استبداد را بر کشور حاکم نموده‌اند و از برای مثال آورده است بسیاری از روشنفکران ما آنجا که مبارزه با قدرت مستبد حاکم است قاطعانه از آزادی دفاع می‌کنند ولی اگر کسی آمده‌ها و یا مقالات آنها را رد کند در عمل همانند

مستبدان حاکم با این فرد و نظرات وی برخورد می‌کند و او را براحستی از بهشت آزادیخواهی بیرون می‌کنند و برای مثال برای بسیاری از روشنفکران ما مخالفت با حاکمان مستبد سهل‌تر است تا انتقاد از برخی جنبه‌های عمل و نظر شخصیت‌های محبوب. و در جامعه‌ای که همه بخواهند قوانین آزاد را آنجا که می‌توانند و قدرت دارند بسود خود زیر پا گذارند آزادی به هرج و مرج بدل خواهد شد. وی در ادامه مقاله نوشته است که جامعه ما چه پسندد و چه نپسندد مدتهاست که به درون عصر جدید رانده شده و آزادی‌های فردی و اجتماعی از الزامات عصر جدید است. تا اندیشه و آزادی بیان نباشد خلاق‌ترین نیروهای فکری جامعه گرد نمی‌آیند و راه برون‌شدن از بحرانها را نمی‌یابند ولی از سوی دیگر اگر آزادی اندیشه و بیان باشد ما نشان داده‌ایم که نه آن را درست بکار می‌گیریم و نه می‌توانیم حفظش کنیم. وی تنها راه تغییر شرایط را شکل‌گیری نسل زایایی از روشنفکران علمی و دینی و اخلاقی و ادبی می‌داند که بتوانند ویژگیهای عصر جدید را در اندیشه و عملشان انعکاس دهند و با از بین بردن یک یا چند سیاست‌مدار و یا مرد برجسته مسیر جامعه تغییر نکند.

عزت‌الله سبحانی:

آقای عزت‌الله سبحانی در مقدمه پاسخ خود به تشریح مفهوم آزادی و رابطه آن با مسئولیت دینی پرداخته می‌نویسد: مسئولیت دینی و پاداش اخروی امریست که بین فرد و ذات رب‌العالمین جاری می‌شود ولی معیار مسئولیت اجتماعی از این تعیین می‌شود که چقدر از همان جامعه الهام می‌گیرد و چقدر در راه حل مسائل و دغدغه‌های اصلی جامعه مفید است. بحث آزادی بیان در واقع رابطه بین مسئولیت دینی و اجتماعی است. وی در ادامه مقاله مفصلاً توضیح می‌دهد که این دو مسئولیت متناظر نیست و مابین آنان اشتراک وجود دارد و در توضیح موانع آزادی بیان می‌نویسد، عامل اول که خواستار محدودیت تا سرحد تعطیل آزادی بیان است، قطب‌های مسلط بر قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است ولی این تنها عامل نیست و جو و فضا و فرهنگ سیاسی نیز از موانع آزادی است. اگر روح نقدپذیری و تساهل و تسامح در جامعه بصورت فرهنگ در نیامده باشد و فرد از بین جو و فضای عمومی با جنجال رقیبان دهان خود را ببندد قدرت سیاسی نیز بر حسب اعتبار اجتماعی گرایش به تحمل آزادی بیان نخواهد داشت. مانع دیگر کمبود حوصله اندیشیدن و دقت و خلاقیت فکری است که فرد مایل است کسان یا دستگاهی از جانب او فکر کنند و وی را راه برند و در چنین شرایطی روشنفکران نیز جز معدودی به تکرار کلیشه‌های موروثی متمایل می‌شوند. مانع دیگر دستگاههای اندیشه‌های فلسفه‌ها و مکاتب ایدئولوژیکی است که خود را قیم مردم دانسته و هر گونه آزاد فکری را با حربه انحراف از اصول دینی یا مکتبی خفه می‌کنند. وی سپس نتیجه می‌گیرد که سطوح درونی و وجدانی بیان از صلاحیت و دخالت جامعه و بطریق اولی از صلاحیت دولت خارج است

و تنها حکومت‌ها و نظامهای جبار و استبدادی برای خود چنین توان و صلاحیتی قائل می‌شوند. آنچه فرد باید بسخاطرش پاسخگو باشد رفتار اجتماعی یا بیان افکار است که تحت مقررات و قوانینی ناظر بر همین رفتار اجتماعی می‌تواند مورد دخالت و نظارت قرار گیرد. وی در انتها نتیجه‌گیری می‌کند که فکر و بیان آزاد مستلزم احترام به جماعت است و اگر کسی که نسبت به اموری که جامعه را سرپا و زنده و امن و آرام و خالی از دغدغه فقر و انحطاط نگاه می‌دارد، مکلف و مسئول بداند حد دیگری بر آزادی بیان او نیست و ادامه می‌دهد حراسات از آزادی بیان مستلزم جسارت و شجاعت است. آزادی فکر و بیان اموری کسب شدنی و گرفتاری هستند و نه اعطایی و تاکید می‌کند که کسب آزادی اگر تدریجی باشد عمیق‌تر و پایدارتر است تا آزادی بسته‌بندی شده و یکباره، زیرا آن آزادی برای صاحبش مفید است که با تجربه و اقدام آگاهانه خود جذب شود و این تنها در یک حرکت تدریجی و دیالکتیکی امکان پذیر است. تجربه یک صدسال مبارزات آزادیخواهی در کشور ما مویذ این امر است.

علیرضا علوی تبار:

آقای علیرضا علوی تبار در پاسخ خود سوال را به دو جز «برای حفظ سطح موجود آزادی بیان چه می‌توان کرد» و «برای گسترش آزادی بیان چه باید کرد» تقسیم کرد و پاسخ سوال اول را بیشتر سیاسی و قضایی و سوال دوم را بیشتر نظری و نهادی دانست. در رابطه با حفظ سطح فعلی آزادی بیان ایشان اقدامات زیر را ضروری دانستند:

- ۱ - جلوگیری از به هم خوردن توازن قوا بنفع دو جریان راست سنتی و راست تندرو. وی مطرح نمود که دو جریان فوق خود را شدیداً در تقابل با آزادی‌های موجود می‌دانند و آنچه تاکنون مانع از تحقق دیدگاههای ضد آزادی آنها در جامعه شده است عدم حاکمیت کامل آنها در عرصه سیاست است.
- ۲ - گفت‌وگو و مذاکره با مسئولین نظام و جلب اعتماد و اطمینان آنها به اینکه نظام سیاسی ما نظام مستحکم و پایدار است و گسترش آزادیها به هیچ‌وجه به استحکام آن لطمه‌ای وارد نمی‌کند.
- ۳ - مطرود و منزوی کردن افراد و جریانهای غیر مسئولی که با طرح مباحث نامعقول و توهین به باورها و ارزشهای عمومی زمینه را برای استفاده جریانهای انراطی مخالف آزادی بیان آماده می‌کنند.
- ۴ - گسترش تشکلهای قانونی سیاسی - صنفی برای دفاع دسته جمعی از حقوق قانونی شهروندان از جمله حق آزادی بیان.
- ۵ - برخورد قویتر حقوقی - قضایی با موارد نقض حق آزادی بیان. زیرا دستگاه قضایی کشور علیرغم ضعفها و کمبودهایی که دارد بالقوه از ظرفیت بالایی برای دفاع از حقوق قانونی افراد برخوردار است.
- ۶ - دفاع نظری و عملی از قوانینی که در صورت اجرای کامل می‌تواند حداقلی قابل قبول از حقوق عمومی را بقیه در صفحه ۷

گردهم آیی اعتراضی در شهر کلن

گردهم آیی سیاست‌های رژیم اسلامی علیه ادبیات و هنر افشا می‌شود و بر مبارزه مشترک همه نیروهای اهل قلم و هنر در راه آزادی بیان در ایران تاکید خواهد گردید.

هفته گذشته تعداد زیادی از اهل قلم و هنر طی اطلاعیه‌ای اعلام کردند که مقدمات یک گردهم آیی اعتراضی را در شهر کلن در روزهای ۱۵ و ۱۶ فوریه تدارک دیده‌اند. در این

نشست مشترک

شخصیت‌های مبارز، ۴ - اعلام حمایت و دعوت به همبستگی ملی از کلیه اقوام، ایلات و عشایر و نیروهای مسلح کشور برای استقرار آزادی، دموکراسی و دفاع از ارزش‌های ملی و فرهنگی و حفظ تمامیت ارضی و یک پارچگی میهن. در پایان این اجلاس شورای هماهنگی برای پیشبرد برنامه فوق انتخاب گردید. اعضای این شورا عبارتند از: دکتر عزت‌الله همایون‌فر، خانم مهین ارجمند (مشروطه خواه)، ایرج فاطمی، دکتر محمد رضا صدری (مشروطه خواه)، مهرا ن ادیب (حزب ملت ایران)، حسن کیان‌زاد (جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی).

ماه گذشته به دعوت جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، نشست مشترکی از تعدادی نمایندگان سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون و نیروهای منفرد برگزار گردید. شرکت کنندگان در این اجلاس هر گونه سیاست سازش و مداخلات با رژیم جمهوری اسلامی را رد کرده و برنامه زیر را به تصویب رساندند:

- ۱ - ارتباط و تماس با کلیه احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های منفرد و ملی و آزادی خواه،
- ۲ - تفسیح رفتار، سیاست و ترویس دولتی رژیم و همکاری با سازمان‌های بین المللی حقوق بشر،
- ۳ - حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ از مبارزات ملت ایران، به ویژه

انجمن پژوهشگران ایران: حکومت و مذهب

خواهد گردید. در این اطلاعیه از پژوهشگران و صاحب نظران مسایل ایران که مایل به ارائه مقاله و ایراد سخنرانی در کنفرانس مذکور هستند، خواسته شده با این انجمن تماس شماره فاکس: ۰۰۳۳۱۲۸۰۵۳۲۷۷

انجمن پژوهشگران ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در راستای اهداف خود در زمینه مطالعات بنیادین مسایل ایران، هفدهمین کنفرانس خود را به بررسی حکومت و مذهب اختصاص داده است. این کنفرانس در روزهای ۹ و ۱۰ فوریه در لندن برگزار

ایجاد کمیته دفاع و پشتیبانی از نفتگران ایران

آن‌ها و تلاش در جهت کسب حمایت اتحادیه‌ها و جریانات مترقی از مبارزات نفتگران ایران؛

- ۲ - برگزاری آکسیون‌ها و دیگر اقدامات علنی در کشورهای مختلف برای خنثی کردن سکوتی که در حال حاضر پیرامون مطالبات و مبارزات نفتگران وجود دارد.

در این اطلاعیه از همه احزاب و سازمان‌های مترقی و انسان‌های شرافتمند و آزاده خواسته شده است از مبارزه نفتگران ایران پشتیبانی نمایند.

پس از انتشار خبر اعتصاب سراسری کارگران نفت، در اطلاعیه‌ای با امضای حزب کمونیست ایران، اتحاد چپ کارگری ایران و انجمن کارگران پناهنده مهاجر ایرانی، تشکیل کمیته‌ای در دفاع از نفتگران اعتصابی اعلام گردید. این کمیته اجرای وظایف زیر را در دستور قرار داده است:

- ۱ - انتشار بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی در مورد مطالبات نفتگران، تماس و در جریان قرار دادن رسانه‌های جمعی نسبت به مطالبات

بیست و ششمین سالگرد

بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق را

هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

زمان: شنبه ۸ فوریه مکان: استکهلم، Tensa teräbb

شروع: ساعت ۱۷ همراه با برنامه‌های متنوع هنری

فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک: ()
مدت اشتراک: شش ماه یک سال

نام: _____ تاریخ: _____
آدرس: _____
Name: _____
Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمیر) به آدرس "کار" پست کنید!

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک
سایر کشورها:
شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

I.G.e.v
22442032
37050198
Stadtparkasse Koeln
Germany

شماره فاکس Fax: 0049 - 221 - 3318290

آینده چپ

پل سوئیزی - هری مگداف
برگردان: دکتر مرتضی محیط
برگرفته از نشریه مانتلی ریویو - اکتبر ۱۹۹۶

جور کرده، دولت‌های افراطی دست راستی روی کار آورد و اعلام یک جنگ تمام عیار علیه کار کرد. نبردهای تعیین کننده این جنگ میان کار و سرمایه، یکی اعتصاب سال ۱۹۸۴ کارگران معادن ذغال سنگ انگلیس و دیگری اعتصاب مسئولین کنترل هوایی فرودگاه‌های آمریکا (PATCO) بود. این دو رویداد سرآغاز دوره غلبه کامل قدرت سرمایه بر کار بود که هنوز هم ادامه دارد.

از آن زمان به بعد، فرو پاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، قدرت نسبی سرمایه را در مقیاس جهانی به طور چشمگیری افزایش داده است. از سوی دیگر اما هیچ سر نخ وجود ندارد که نشان دهد، سرمایه خیال دارد (کجا رسد که برنامه داشته باشد) از این قدرت فائقه خود به طور سازماندهی استفاده کند. به همان ترتیب نیز، هیچ شاهدهی در هیچ جایی از افق آینده وجود ندارد که نشان دهد، نظام جهانی شده سرمایه‌داری قادر به ایجاد آن نوع شکوفایی خواهد بود که بتواند رنج‌های پدید آمده از بحران ناشی از تضادهای گوناگونش را التیام بخشد.

در چنین شرایطی، به نظر ما، صحبت آقای هاووس باوم در باره وابستگی آینده چپ اروپا (یا هر چپ دیگری) به دولت‌های میانه رو - چپ، برای یافتن معیون قابل دوامی که هم در برگیرنده منافع خصوصی و هم عامه مردم باشد، چیزی جز حقیر کردن تاریخ و نابینایی در دیدن واقعیت تلخ و غریبان‌گرانی که سرمایه‌داری بر ما تحمیل کرده، نیست.

خود با برخورداری از یک شکوفایی اقتصادی، سوده‌های کلان به دست آورد و انباشت سرمایه نیز پا به پای آن با موفقیت پیش می‌رفت. در چنین شرایطی تعجب آور نبود که کار، شجاعت طرح خواسته‌هایش را پیدا کند و اکثراً هم موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. چراکه سرمایه از یک سو آشکارا در موقعیتی بود که می‌توانست امتیاز دهد و از سوی دیگر صلاح نمی‌دید در این شرایط بهای سنگین درگیر شدن در یک مبارزه وسیع کارگری را بپردازد. این‌ها واقعیات به وجود آورنده آن وضعی هستند که هاووس باوم آن را هم منزلی سرمایه‌داری تنظیم شده و سوسیال دموکراسی می‌خواند.

امیدواریم که تحلیل بالا روشن کرده باشد که آن اوضاع، از همان ابتدا بر بنیانی متزلزل و ناپایدار قرار داشت و نمی‌توانست بدون وجود شرایطی که آن را به وجود آورده بود، دوام آورد. تاریخ نشان داد که شکوفایی اقتصادی بعد از جنگ با فرا رسیدن رکود سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ به پایان خود رسیده و از نفس افتاد؛ و این ضربه‌ای خردکننده به اوضاعی که شرح داده شد وارد کرد. در این موقع، هم کار و هم سرمایه هر دو سخت ضربه خورده بودند، اما هیچ یک نقشه یا استراتژی برای رویارویی با اوضاع جدید نداشتند. نتیجه بلافاصله این وضع، چند سال گریز و سراسیمکی بود. اما در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰، سرمایه، در دو کشور رهبری کننده، یعنی ایالات متحده و انگلیس، خود را جمع و

به ویژه فقرای آن را که دچار کم غذایی بودند قادر ساخت از رژیم غذایی بهتری بهره‌مند شوند و این خود، پیامدهای چشمگیر و مثبتی از نظر بهبود وضع سلامت و بهداشت آن ملت داشت. مسردم انگلیس از جهت وعده‌های آینده نیز وضع نسبتاً خوبی داشتند. همه این‌ها اما نه به خاطر تغییر در طرز تفکر سکان‌داران نظام سرمایه بلکه به دلیل پیروزی تکان دهنده کارگران در انتخابات عمومی بعد از جنگ بود. این رویدادها و نظایر آن در دیگر کشورهای سرمایه‌داری، جا به جا می‌شدند و در هر یک از این کشورها، تکرین بود استحکام بخشید و زیر بنای «دهه طلایی» هم بستری سرمایه‌داری و سوسیال دموکراسی را که هاووس باوم از آن یاد می‌کند، پایه ریزی کرد.

این جا به جایی توازن قدرت، گرچه نقشی اساسی در تعیین خصیصه ده‌های بلافاصله بعد از جنگ داشت، اما به هیچ رو تنها عامل مؤثر نبود. نیاز اضطراری به تجدید بنای خرابی‌های جنگ و تولید ذخایر از میان رفته و جدید، صحنه را برای آغاز یک شکوفایی اقتصادی کم نظیر آماده ساخت؛ آغاز جنگ گره، جنگ ویتنام و تولید ابزار و وسائل جنگی به مقیاس عظیم در دوران جنگ سرد نیز کمک بزرگی به این شکوفایی کردند. بدین ترتیب اوضاع عمومی دوران پس از جنگ را تقریباً چنین می‌توان توضیح داد: کار، موفقیت خود را به سرمایه تحمیل کرده و وضع خود را در برابر آن نسبتاً مستحکم ساخت. سرمایه به نوبه

جنگ تمام عیار، نیاز به فداکاری از سوی تمام بخش‌های جامعه دارد. سنگینی اصلی اما، البته به دوش اکثریت بزرگ، یعنی طبقات پایین می‌افتد که بیش از همه در جنگ شرکت دارند و بیش از همه قربانی می‌دهند. رژیم‌های سرمایه‌داری در چنین مواقعی لازم می‌بینند به جناح‌های مخالف خود امتیازاتی بدهند. برخی از این امتیازات در حین جنگ داده شد اما بیشتر آن‌ها به شکل وعده‌هایی تابناک برای آینده بود. بدیهی است که هدف تسایندگان سرمایه، شکستن این وعده‌ها تا جای ممکن، هنگام فرا رسیدن موعد انجام آن‌هاست. جا به جایی توازن قدرت اما در چنین دوران‌هایی واقعی است و اثرات این جا به جایی ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها، پیش از آن که اوضاع دوباره به وضع عادی خود برگردد، طول کشد.

جا به جایی توازن قدرت میان سرمایه و کار در تمام کشورهای متخاصم صورت گرفت. این پدیده در هیچ جا به اندازه انگلیس به چشم نمی‌خورد، به طوری که جیره بندی زمان جنگ انگلیس، مردم آن کشور،

دیگر عمدتاً شکل دهنده و تعیین کننده مسیر تاریخ سرمایه‌داری است، گذاشت.

ساخت بنیانی سرمایه‌داری از نظر اقتصادی، اجتماعی و قانونی در مواقع عادی چنان است که قدرت غالب در دست سرمایه‌داری قرار دارد. مفهوم غالب اما مفهومی کثرت‌دار است. زمان‌هایی وجود دارند؛ مثل حالا، که غالب به معنای برتری و تسلط سهمگین و وسیع سرمایه بر کار است. زمان‌های دیگری وجود دارد که موازنه قدرت میان این دو نیرو قدری به نفع کارگر تغییر می‌کند و شکاف قدرت میان آن دو تا اندازه‌ای تنگ تر می‌شود. زمان‌های دیگری هم هست (که آن را انقلاب می‌خوانیم)، که جنبه غالب می‌تواند به کلی جا به جا شود.

بحران بزرگ، جنگ دوم و پایان جنگ، صحنه را برای تغییرات گسترده (از جمله انقلاب یا کوشش در انجام انقلاب در بخش‌هایی از جهان) آماده کرد. حتی در کشورهای اصلی پیروزمند در جنگ، جا به جایی چشمگیری در توازن قدرت به نفع کار صورت گرفت. دست زدن به یک

اریک هابس باوم (Eric Hobsbawm) مورخ معروف و «چپ گرای» انگلیسی، اخیراً در روزنامه گاردین لندن نقدی بر کتاب دانیال ساسون (D. Sasson) زیر عنوان «یک صد سال سوسیالیسم» نوشته که در آن اشخاصی چون سردبیران مجله مانتلی ریویو (پل سوئیزی و هری مگداف) را چون انسان‌های باقی مانده از «عصر حجر» می‌خواند. سوئیزی و مگداف در شماره ماه اکتبر مجله مانتلی ریویو به این نوشته هابس باوم پاسخ داده‌اند که در زیر از نظر خوانندگان نشریه کار می‌گذرد.

نخستین چیزی که باید یادآوری شده و جدا به خاطر سپرده شود، این است که دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به همان اندازه با تاریخ عادی سرمایه‌داری تفاوت داشتند که انسان به راحتی می‌تواند تصورش را بکند. این دو دهه بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی آغاز شدند. خود جنگ جهانی تازه عمیق‌ترین بحران سرمایه‌داری را پایان داده بود. این رویدادها اثری عمیق بر کار و سرمایه، این دو نیروی پویایی که اثر متقابل آن‌ها بر یک

سیستم سیاسی در کره شمالی و جنوبی چگونه است؟

ک - سیستم فوردیسم و تایلیسم کره جنوبی با ثبات اما نابود کننده محیط زیست است. اما در سیستم استالینی کره شمالی هم بدون توجه به محیط زیست کارخانجات سنگین در اولویت قرار دارند. مدل کاپیتالیستی ما امیدواری بیشتری می‌دهد زیرا که در یک جامعه مدنی امکان تغییرات وجود دارند.

م - سیستم کاپیتالیستی کره جنوبی ویرانی بیشتری را در عرصه محیط زیست به همراه داشته است. در اینجا محیط زیست زیست تنها یک فاکتور تولید است. و آن چیزی هم که در کره شمالی و شوروی وجود دارد و داشت کمونیسم واقعی نیست و نبود. من شخصاً طرفدار اکوسوسیالیسم هستم. سیستمی که در آن موازنه بین انسان و طبیعت، غنی و فقیر برقرار باشد.

● آیا اتحادیه شما پیرامون مسائل اجتماعی هم فعالیتی انجام می‌دهد؟

م - تنها در رابطه با موضوعاتی مثل آلودگی هوا همکاری‌هایی با سندیکا صورت می‌گیرد. این همکاری بیشتر خواهد شد زیرا که آلودگی محیط کار غیر قابل تحمل است. ای کاش می‌توانستیم ایده‌های «سبز» و «سرخ» را بیشتر از این با هم در جامعه ما مدت زیادی زندانی دیکتاتور بوده است. در واقع جنبش ما تازه شروع شده است. ما باید تجارب زیادی جمع کنیم.

احزاب موجود در می‌آیند و این مسئله باعث تضعیف سازمان‌های غیر دولتی بخصوص در بخش اجتماعی می‌شود. دمکراتیزه کردن سیاست برای خیلی از سازمان‌های غیر دولتی و اتحادیه ما، موضوع مهمی است. اتحادیه ما بطور مثال ۴۶ نفر را برای عضویت در انجمن شهرها کاندید نمود که تعداد زیادی از آنها هم انتخاب شدند. تاکنون اما هیچ نماینده‌ای برای یک سیاست اجتماعی و اکولوژیک در مجلس حضور ندارد. اگر حزبی مترقی می‌شود.

م - آنها می‌تواند به راجع به تأسیس حزب سبزها تعمق می‌کنند زیاد هستند و اگر روزی چنین حزبی ایجاد شود ما می‌بایستی که از آنها حمایت کنیم. اما بسیار مشکل است تا در سیستم سیاسی مانند کره جنوبی چیزی پیشرفته و مترقی را تأسیس نمود.

● علت چیست؟

ک - جامعه مدنی در کره بسیار ضعیف است. بندرت بحث سیاسی عمومی صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۹۲ کوشش به عمل آمده بود تا حزب خلق با برنامه‌ای در راستای اجتماعی و اکولوژی ایجاد شود. این حزب می‌بایستی که برای اجازه فعالیت ۲/۳ آرا را به دست می‌آورد. متأسفانه تعداد آرا کسب شده فقط ۲/۳٪ بود. سیاست چپ به خاطر آنتی کمونیسم گسترده و مسئله کره شمالی بسیار مشکل است.

● نظر اتحادیه شما در مورد

مصاحبه با دو تن از رهبران جنبش محیط زیست کره جنوبی

کاش می‌توانستیم ایده‌های «سبز» و «سرخ» را پیش از این با هم در آمیزیم

اتحادیه جنبش حفظ محیط زیست کره بزرگترین اتحادیه در نوع خود در آسیا می‌باشد. در ژاپن بجای یک اتحادیه مرکزی، گروه‌های کوچک بیشتری وجود دارند.

سیستم کره جنوبی فدرالی نیست. همه روزنامه‌ها، شرکتها و سازمان‌های دولتی، مرکزی هستند. ما قصد تمرکز در پایتخت را نداریم. گروه‌های منطقه‌ای کلاً قوی هستند زیرا که می‌توانند مشکلات منطقه‌ای را بهتر مورد بررسی قرار دهند. گذشته از آن در فعالیتهایشان به اتحادیه مرکزی وابسته نیستند.

● آیا اختلافاتی هم بین رهبری اتحادیه و فعالین آن وجود دارد؟

ک - البته، به سبب تعداد زیاد از کارمندان اتحادیه، از آنجایی که می‌بایستی در همه عرصه‌های محیط زیست بدون شرکت شهروندان فعالیت کنند ناراضی هستند. ما بیش از اندازه کارها را خودمان انجام می‌دهیم. علاوه موضوعات فعالیت‌هایمان خیلی گسترده است. تخصص یافتن بر روی هر کدام از این مشکلات، بدون آن که

از کره جنوبی سالیانه که به عنوان کشوری موفق در عرصه رشد و توسعه اقتصادی نام برده می‌شود. در این کشور بیش از دو دهه بزرگترین اعتراض کارگران علیه قانون جدید کار در جریان است که تا به حال منجر به دستگیری چهار تن از رهبران سندیکا شده است. در سال ۱۹۹۲ اتحادیه جنبش حفظ محیط زیست کره (KFM) با ۲۵ هزار نفر عضو، بزرگترین اتحادیه حفظ محیط زیست در کره جنوبی، تأسیس شد. گفتگوی زیر با دو تن از مسئولین این اتحادیه صورت گرفته است که جنبه‌های دیگری از مسائل و مشکلات این کشور را نشان می‌دهد. «کیونگ - سونگ چو» از فعالین جنبش صلح و ضد اتم می‌باشد و «مین اون» حول مشکلات زیاده‌های اتمی فعالیت می‌کند.

● جنبش حفظ محیط زیست در کره جنوبی جنبش جوانی است. بازتاب فعالیت‌های شما در افکار عمومی چگونه است؟

م - علاقه مردم بسیار زیاد است. وضعیت اقتصادی اکثریت مردم خوب بوده و در نتیجه می‌توانند پیرامون مسائل و مشکلات محیط زیست تعمق کنند. در ضمن به جنبش حفظ محیط زیست به عنوان ضامن آینده نگاه می‌شود.

ک - علاقه مردم به مسائل محیط زیست جنبه عمومی ندارد. آلودگی آب و هوا، بخاطر فجایع زیادی که پیرامونشان رخ داده، برای مردم جالب تر از زیاده سمی، نیروگاه اتمی و نسابودی روزانه محیط زیست

ولایت فقیه، امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد. بر این اساس معرفی کاندیدای مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون نه مشروط به پذیرش ارگان‌های مختلف مخالف و بیرون از حکومت با هدف افشا غیردمکراتیک بودن انتخابات است. اما آنچه که به عنوان آغاز یک روند می‌توان بر آن تأکید کرد استفاده از مجمل انتخابات است برای تلاش هدفمند همه نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در راستای یگانه کردن تلاش‌ها و انسجام نیروهای اپوزیسیون.

پیشبرد این هدف حتی می‌تواند از طریق تلاش برای معرفی کاندیدای مشترک این نیروها به عنوان گامی در راستای تشکیل آئترونا تویو نیروهای دمکرات در برابر آئترونا تویو جمهوری اسلامی آغاز شود. روشن است که در جمهوری اسلامی، بدون وجود آزادی‌های سیاسی در کشور و نفی

ضرورت هماهنگی...

بقیه از صفحه اول

می‌شود با به صحنه کشاندن برخی کاندیداهای بدون شانس حکومتی به قول خودشان تنور مبارزه انتخاباتی گرم نگاه داشته شود.

در دور پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی برخی از نیروهای اپوزیسیون که به نوعی امکان فعالیت محدود علنی در داخل کشور را دارند با هدف نشان دادن واهی بودن تبلیغات رژیم پیرامون انتخابات و آزادی آن، در آن شرکت کردند و شروطی را نیز در این زمینه مطرح کردند. و برخی نیز تنها چند روز قبل از برگزاری انتخابات، ادامه کاندیداتوری خود را بی مورد دیدند. بخشی از نیروهای اپوزیسیون نیز ضمن برشماری شرایط آزاد انتخابات، انتخابات دوره پنجم مجلس

آگهی

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد جنبش فدائیان خلق

ساعت‌های مچی زنانه و مردانه با طرح گل سازمان بر روی صفحه

بهترین کادو در ایام سال نو با اعداد فارسی و صفحه تراش داده

با آب طلا مقاوم در برابر آب و یکسال ضمانت

قیمت ۶۹ مارک معادل ۵۰ دلار

جهت سفارش لطفاً فرم زیر را پر کرده و با رسید بانکی واریز وجه

به نشانی دفتر نشریه «کار» ارسال کنید.

نام: _____ تاریخ: _____

آدرس: _____

زنانه مردانه

بند براق (نورنی) بند مات (چرمی)

لطفاً در حواله بانکی «ساعت یادگاری» قید شود

دارنده حساب: I.G.e.v شماره حساب: 22442032 کد بانکی: 37050198 Stadtparkasse Köln

ولایت فقیه، امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد. بر این اساس معرفی کاندیدای مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون نه مشروط به پذیرش ارگان‌های مختلف مخالف و بیرون از حکومت با هدف افشا غیردمکراتیک بودن انتخابات است. اما آنچه که به عنوان آغاز یک روند می‌توان بر آن تأکید کرد استفاده از مجمل انتخابات است برای تلاش هدفمند همه نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در راستای یگانه کردن تلاش‌ها و انسجام نیروهای اپوزیسیون.

پیشبرد این هدف حتی می‌تواند از طریق تلاش برای معرفی کاندیدای مشترک این نیروها به عنوان گامی در راستای تشکیل آئترونا تویو نیروهای دمکرات در برابر آئترونا تویو جمهوری اسلامی آغاز شود. روشن است که در جمهوری اسلامی، بدون وجود آزادی‌های سیاسی در کشور و نفی

ولایت فقیه، امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد. بر این اساس معرفی کاندیدای مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون نه مشروط به پذیرش ارگان‌های مختلف مخالف و بیرون از حکومت با هدف افشا غیردمکراتیک بودن انتخابات است. اما آنچه که به عنوان آغاز یک روند می‌توان بر آن تأکید کرد استفاده از مجمل انتخابات است برای تلاش هدفمند همه نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در راستای یگانه کردن تلاش‌ها و انسجام نیروهای اپوزیسیون.

پیشبرد این هدف حتی می‌تواند از طریق تلاش برای معرفی کاندیدای مشترک این نیروها به عنوان گامی در راستای تشکیل آئترونا تویو نیروهای دمکرات در برابر آئترونا تویو جمهوری اسلامی آغاز شود. روشن است که در جمهوری اسلامی، بدون وجود آزادی‌های سیاسی در کشور و نفی

ولایت فقیه، امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد. بر این اساس معرفی کاندیدای مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون نه مشروط به پذیرش ارگان‌های مختلف مخالف و بیرون از حکومت با هدف افشا غیردمکراتیک بودن انتخابات است. اما آنچه که به عنوان آغاز یک روند می‌توان بر آن تأکید کرد استفاده از مجمل انتخابات است برای تلاش هدفمند همه نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در راستای یگانه کردن تلاش‌ها و انسجام نیروهای اپوزیسیون.

پیشبرد این هدف حتی می‌تواند از طریق تلاش برای معرفی کاندیدای مشترک این نیروها به عنوان گامی در راستای تشکیل آئترونا تویو نیروهای دمکرات در برابر آئترونا تویو جمهوری اسلامی آغاز شود. روشن است که در جمهوری اسلامی، بدون وجود آزادی‌های سیاسی در کشور و نفی

ولایت فقیه، امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد. بر این اساس معرفی کاندیدای مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون نه مشروط به پذیرش ارگان‌های مختلف مخالف و بیرون از حکومت با هدف افشا غیردمکراتیک بودن انتخابات است. اما آنچه که به عنوان آغاز یک روند می‌توان بر آن تأکید کرد استفاده از مجمل انتخابات است برای تلاش هدفمند همه نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در راستای یگانه کردن تلاش‌ها و انسجام نیروهای اپوزیسیون.

پیشبرد این هدف حتی می‌تواند از طریق تلاش برای معرفی کاندیدای مشترک این نیروها به عنوان گامی در راستای تشکیل آئترونا تویو نیروهای دمکرات در برابر آئترونا تویو جمهوری اسلامی آغاز شود. روشن است که در جمهوری اسلامی، بدون وجود آزادی‌های سیاسی در کشور و نفی

مقاومت پیسابقه سندیکاها در کره جنوبی

سندیکاهای کره جنوبی، اعلام کردند که به دلیل جلوگیری از وارد شدن ضرر به اقتصاد کشور دامنه اعتصابها را محدود می‌کنند و به دولت فرصت دادند تا ۱۸ فوریه قانون کار جدید را پس بگیرد، در غیر این صورت آنها اعتصابات سراسری را بار دیگر به راه خواهند انداخت.

در اکتبر ۹۶ کره جنوبی به عنوان دومین کشور آسیا پس از ژاپن، به عضویت در مجمع کشورهای ثروتمند غرب، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) پذیرفته شد. کمتر از دو ماه بعد کمیسیون سازمان رئیس‌جمهور کره جنوبی، با این جملات قانون جدید کار را عرضه کرد: «ما در صحنه‌های بین‌المللی نمی‌توانیم با لباس ۴۳ سال پیش حضور پیدا کنیم».

البته سندیکاهای کره با این سخنان رئیس‌جمهور توافق دارند، اما تصور آنها از راستاهای تغییر در قانون ۴۳ ساله کشور به گونه دیگری است. روز ۲۶ دسامبر قانون کار جدید در پارلمان کشور، توسط حزب حاکم در غیبت اپوزیسیون در عرض ۶ دقیقه به تصویب رسید. طبق این قانون موانع اخراج کارگران از میان برداشته شد، امکان جانشینی اعتصاب‌شکنان به جای کارگران اعتصابی تسهیل گردید، افزایش ساعت کار تا ۵۶ ساعت در هفته پیش‌بینی شده و قانونی شدن سندیکای مستقل تا ۵ سال دیگر عقب افتاده است. استدلال رئیس‌جمهور این است که موقعیت کره جنوبی برای جذب سرمایه‌ها در خطر قرار گرفته است. قوانین جدید باید به مقابله با این

خطر بپردازد. با این سخنان این سوال بوجود می‌آید آیا در هم‌آمیزی و پیوند اقتصاد جهانی، اقتصاد کره جنوبی را در موقعیت منززل قرار می‌دهد؟ چه عوامل جدیدی وارد معادلات شده است؟ جهانی شدن اقتصاد برای کره جنوبی تاکنون بیش از آنکه مشکل به همراه بیاورد، موفقیت داشته است. انحصارات عظیم کره نیروهای مسلط در بازار شرق آسیا

هستند و نقش مهمی در بازارهای آسیای مرکزی و شرق و غرب اروپا دارند. در دهه گذشته رشد اقتصادی کره رقم حیرت‌انگیز ۱۰ درصد را داشته است. البته در سال گذشته رشد اقتصادی پایین‌تر از حد پیش‌بینی شده و به رقم ۶/۸ درصد رسید.

بحران‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر کشورهای «بیر آسیا» را در بر گرفته، مدل پیشرفت اقتصادی این کشورها را به زیر سوال می‌برد. سال گذشته در جا کارتا درگیری‌های وسیعی صورت گرفت که با شدت عمل دولت «آرام» گرفت.

مشکلات اقتصادی این کشورها به مسئله «بحران ساختاری» و رقابت کشورهای فوق با کشورهای موسوم به «کشورهای به دستمزد نازل» برمی‌گردد.

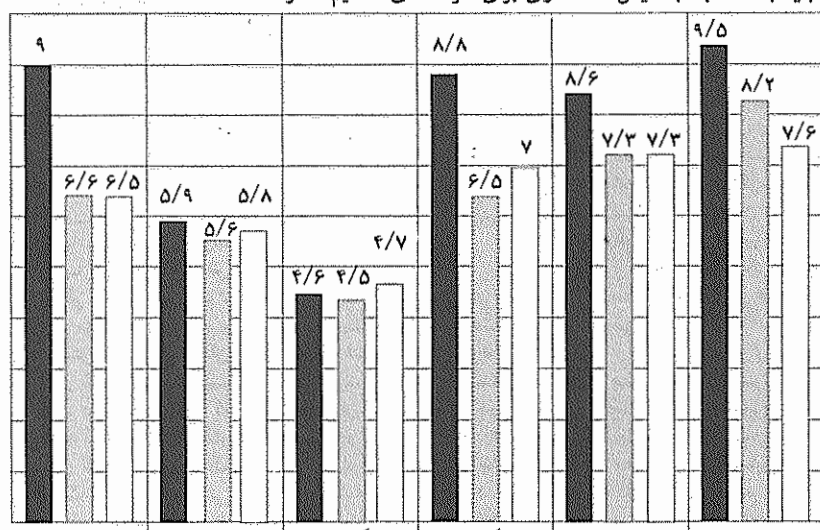
شبکه راه و تاسمین انرژی مورد نیاز، تامین آب آشامیدنی (احتیاج به ۲ بیلیون دلار سرمایه‌گذاری دارند). فقط در بانکوک پایتخت تایلند ۱۲ درصد بهره‌دهی اقتصادی به دلیل عدم توانایی شبکه ارتباطی در راه تلف می‌شود. در ماه آگوست سال گذشته در مالزی به دلیل قطع برق ۲۴ ساعت تمام کشور فلج شد. فاجعه محیط

رقابت با «کشورهای

دستمزد نازل»
کره جنوبی و دیگر کشورهای



مشابه با مزد پایین به کارگران به رشد اقتصادی بالا دست یافتند. اکنون دیگر کشورهای شرق آسیا مانند مالزی، چین، ویتنام و برمه با دستمزدهای نازلتر به رقابت با کره برخاسته‌اند. کسرن عظیم دو با سرمایه‌گذاری وسیع در ویتنام به صورت بزرگ‌ترین کارفرمای خارجی در ویتنام درمی‌آید. شرکت هیوندای «Hyundai» تولید فلز در کشتی‌سازی را به چین منتقل می‌کند - تا سال ۲۰۰۵ پنج شرکت بزرگ کره‌یی بیش از صد میلیارد دلار خارج از کره سرمایه‌گذاری می‌کنند نه فقط شرکت‌های کره‌ای، بلکه بزرگ‌ترین تولیدکننده چیپس کامپیوتر در تایوان، و برخی تولیدکنندگان در تایلند، عرصه تولید خود را به چین و فیلیپین می‌کشاند. کشور کره جنوبی با رشد اقتصادی بالا و ورود به کلوب کشورهای بزرگ صنعتی، از پذیرفتن ملزومات جامعه صنعتی مانند وجود سندیکاها و مبارزات سندیکایی سرباز می‌زند. سندیکای KCTV که در مبارزات کارگری در سال ۱۹۸۷ شکل گرفت و بیش از نیم میلیون عضو دارد، گسرچسه تحمل بقیه در صفحه ۹



بود، موانع گمرکی صادرات به ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر دامنه این زیانها را گسترش داد. وزارت امور انسانی مالزی پیش‌بینی می‌کند که مالزی در سال ۲۰۰۰ فقط به ۵۷ درصد تکنسین‌ها و ۷۸ درصد مهندسیین مورد احتیاج دسترسی دارد. بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که این کشورها برای ترمیم زیرسازای کشور (ساخت و ترمیم

توقف روند صلح در مکزیک

● رئیس‌جمهور مکزیک، قرارداد صلح با زاپاتیستها را وتو کرد

فوریه سال گذشته، زاپاتیستها و دولت مکزیک به توافقی در مورد قرارداد صلحی که حقوق بومیان سرخ‌پوست را تضمین می‌کرد، دست یافتند. تأیید و اجرای این قرارداد اکنون به مانع جدی برخورد کرده است. این قرارداد ضمن خودمختاری محدود برای ۱۱ میلیون بومی سرخ‌پوست، رفهرم در قانون اساسی را پیشنهاد می‌کند و به سرخ‌پوستان اجازه می‌دهد که رهبران خود را انتخاب کرده و در حد مشخصی قضاوت بر اساس قوانین‌شان صورت گیرد، در مدارس به زبان محلی تدریس شود و حق داشتن یک رهبری سیاسی در حد «مستعادل» به رسمیت شناخته شود.

اما در زمینه اقتصادی، امتیازات چندانی نصیب ساکنان ایالت چیپاس

پرو: توافق بر سر تشکیل کمیسیون ضمانت

یکماه بعد از شروع گروگانگیری در لیما پایتخت پرو، ۷۴ نفر همچنان گروگان چریکهای توپامارو باقی مانده‌اند. رئیس‌جمهور و چریکهای توپامارو در طی مذاکره بر سر تشکیل یک کمیسیون «ضمانت» به توافق رسیده‌اند. ولی رئیس‌جمهور پیشنهاد چریکها را در مورد شرکت یک نماینده از گواتمالا و نماینده دیگری از اروپا رد کرده است. اکنون در این کمیسیون یک نماینده صلیب سرخ و اسقف سی‌پریانی که به ضد چریک بودن معروف است، عضویت دارند. رئیس‌جمهور پرو با عضویت نماینده‌یی از گواتمالا در این کمیسیون که بطور سمبلیک به معنای پذیرفتن الگوی آشتی در گواتمالا است مخالفت دارد.

منوعیت ملاقات زندانیان توپاک مارو، همچنان به قوت خود باقی است. چریکها خواستار لغو «منوعیت ملاقات» و آزادی زندانیان توپاک مارو هستند.

تهاجم جدید طالبان

همزمان با مذاکره بین طالبان و نیروهای مخالف آن در اسلام‌آباد پاکستان جهت برقراری آتش‌بس، درگیری‌های سختی در شمال کابل بین آنها جریان دارد. طالبان اعلام کرده که نقاط استراتژیکی پایگاه هوایی را در شمال کابل و شهر باگرام و گل‌بهار در مدخل دره پنج‌شیر را به تصرف خود درآورده است. هدف طالبان از این حمله قطع ارتباط نیروهای نظامی احمدشاه مسعود در دره پنج‌شیر با بقیه نیروهای نظامی مستقر در شمال افغانستان است.

فاصله‌گیری جبهه نجات الجزایر از دیگر بنیادگرایان

موج ترور و بمب‌گذاری در الجزایر توسط گروه مسلح اسلامی (GIA) در دو ماه اخیر بیش از ۳۳۰ تن قربانی گرفته است. فقط در یک مورد بمب‌گذاری در ۱۵ ژانویه ۱۴ تن کشته شدند. در حالیکه رئیس‌جمهور زروال از «بقایای تروریسم» سخن می‌گوید، اوضاع در الجزایر هر چه وخیم‌تر می‌شود. روزنامه‌ها هر روز گزارشات از شهرهای مختلف در مورد حمله بنیادگرایان به محلات مختلف یافتن اجساد بی سر، به رگبار بستن مردم به چاپ می‌رسانند. رئیس‌جمهور زروال در ماه نوامبر قانون اساسی جدید را به تصویب رساند که بر اساس آن تمام احزاب سیاسی که مبنای اعتقادی خود را دین قرار داده‌اند، ممنوع اعلام می‌شود. دولت تاکنون حاضر نشده است حتی با سازمانهای اسلامی که قهر را به کار نمی‌گیرند، باب مذاکره را بگشاید.

جبهه نجات اسلامی (FIS) که در الجزایر ممنوع است بعد از مدت‌ها سکوت در خارج از الجزایر اطلاعیه‌ای انتشار داده است و اقدامات گروه مسلح اسلامی GIA را محکوم و اعلام کرده که مسائل الجزایر از طریق سیاسی باید حل گردد. بخش نظامی FIS از جمله گروه‌های اسلامی است که به ترورهای وسیع در چند سال اخیر دست زده است. خشونت‌های GIA در سال گذشته، مخالفتی را در درون گروه‌های اسلامی با ترور بوجود آورده است، که آخرین نمود آن اطلاعیه جدید جبهه نجات اسلامی است.

یک معجزه واقعی

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی آهنگ رشد اقتصاد کوبا بین سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۸۹، ۲۵ درصد رشد منفی را نشان می‌داد طی سه سال گذشته این کشور توانست ثبات اقتصادی خود را باز یابد. آهنگ مثبت رشد اقتصادی آن ۲/۵ درصد بود. بر همین مبنای وزیر اقتصاد و برنامه «خوزه لویز رودریگز» رشد اقتصادی امسال کوبا را همچون دو سال گذشته برآورد کرده بود. وی در کنگره خلق کوبا که در روزهای ۲۴ و ۲۵ دسامبر برگزار شد اعلام کرد رشد اقتصادی کوبا در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۷/۸ درصد بوده است و صادرات این کشور ۳۳ درصد افزایش یافته است. وی این رشد اقتصادی را یک معجزه واقعی دانست.

سال گذشته سنای آمریکا قانونی را تصویب کرد. به موجب این قانون که به «قانون هلمز - برتون» معروف شده است، شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهای که در شرکت‌های دولتی شده زمان انقلاب کوبا سرمایه‌گذاری کنند مجازات خواهند شد.

کنگره خلق کوبا برای مقابله با قانون مزبور، قانونی را به تصویب رساند که بر طبق آن اولاً حقوق شرکت‌هایی که در کوبا سرمایه‌گذاری نمایند حفظ خواهد شد و در صورتی که دولت آمریکا خسارت ناشی از محاصره اقتصادی کوبا را پرداخت نماید، اموال مصادره شده آمریکایی‌ها به آنان بازگشت داده خواهد شد. ثانیاً کوبا شرکت‌هایی را که با آمریکا در رابطه با قانون «هلمز - برتون» همکاری نمایند و سرمایه‌گذاری‌ها در کوبا را به اطلاع ایالات متحده برسانند مجازات خواهد نمود. روز سوم ژانویه در همین رابطه دولت کانادا اعلام کرد که قانون مصوب سنای آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسد و شرکت‌های کانادایی در صورت سرمایه‌گذاری در کوبا مورد حمایت دولت این کشور قرار خواهند داشت. Sheritt International بزرگترین شرکت کانادایی است که تاکنون مورد مجازات قرار گرفته است و از مدیران این شرکت اجازه مسافرت به آمریکا سلب شده است. مکزیک و اتحادیه اروپا نیز از به رسمیت شناختن این قانون سرباز زده‌اند.

درگیری بین ارتش سودان و شورشیان

هفته گذشته درگیری‌های شدیدی بین ارتش دولت نظامی سودان و شورشیان جنوب این کشور در گرفت. مخالفان دولت بنام «جبهه رهاییبخش سودان» ضمن اشغال چند شهر به سمت شهری که در دهانه رود نیل واقع است و ۸۰ درصد انرژی خرطوم را تامین می‌کند، حرکت کردند. در جبهه نامبرده ۷ گروه عضویت دارند. جبهه رهاییبخش سودان پس از پیوستن صدیق المهدی نخست‌وزیر سابق در دسامبر گذشته تقویت شد. صدیق المهدی در سال ۱۹۸۹ توسط نظامیان سقوط کرد، پس از این کودتا عمر حسن البشیر در راس دولت قرار گرفت.

پس از پیشروی‌های جبهه رهاییبخش سودان دولت این کشور به اریتره و اتیوپی اخطار کرد که حمایت از اپوزیسیون را قطع کنند. بعد از جنگ‌های داخلی ۶۰۰ هزار نفر سودانی در خاک این دوکشور زندگی می‌کنند. سودان با همسایگان خود روابط تیره‌ای دارد. دولت بنیادگرای سودان در سطح جهانی، به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از تروریستها بارها محکوم شده است. در کشور وسیع سودان ۲۷ میلیون نفر زندگی می‌کنند. گفته می‌شود از هنگام وقوع جنگ داخلی در سال ۱۹۸۳ تاکنون دو میلیون نفر کشته شده‌اند.

سال پیش در دفاع از حقوق بومیان سرخ‌پوست دست‌به‌شورش زدند، پس از یازده روز درگیری و اشغال مناطقی توسط زاپاتیست‌ها، آتش‌بس برقرار شد. آنها خواستار رفهرم وسیع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شدند. چهارپنجم بومیان سرخ‌پوست مکزیک در فقر مطلق بسر می‌روند. ۵۰ درصد آنها بی‌سوادند و دوسوم از دستیابی به آب آشامیدنی سالم محرومند. بسیاری از نمایندگان دولتی نیز معترفند که بدون قیام در چیپاس، دولت سیاست خود در مورد بومیان را تغییر نمی‌داد.